

نشریه مجاهدین ★ خلق ایران
سال دوم - پیاپی ۱۴ - خرداد ماه ۱۳۶۰ - شماره ۴۰ ریال

میلاد سرور آزادگان

حسین (ع)

مبارک باد

در صفحه ۹

شماره ۱۳۳۰
صفحه ۴۰

در صفحات شورا

- مقالاتی از:
- * ناصر پاکدامن
- * دکتر ناصر کا تویان
- * دکتر محمد ملکی
- * ناریا
- * و مقالاتی از نشریات هفتگی سازمان‌ها و گروه‌ها

گرامی باد خاطرۀ شهید

مادر مجاهد سکینه چاقو ساز

در صفحه ۳۹

بسم الله الرحمن الرحيم
و لا تحزن الذين قتلوا صلوات الله عليهم اجمعين
مادر مجاهد سکینه چاقو ساز
در صفحه ۳۹



تبریک مجاهدین خلق ایران

به رئیس جمهور
بمناسبت افشاء

قراردادهای استعماری

در صفحه ۲۸

سرمقاله

در مفهوم و واقعیت "بن بست"

فهل ينظرون الا الساعة ان جاءتهم بغيته
فقد جاء اشراطها فاني لهم اذا جاءتهم ذكريهم
پس آیا آنها به جز "ساعه" را انتظار
می‌کشند که به طور ناگهانی برایشان فرا برسد؟ در
حالی که علائم و نشانه‌های آن آمده است. پس
آنگاه که "ساعت" فرا برسد برای آنها چه جای
تذکر خواهد بود؟

(سوره محمد - آیه ۱۸)

در سرمقاله شماره گذشته مجاهد در رابطه با
مسائل و تحولات سیاسی جاری مملکت، به
"بن بست سیاسی" گونئی جامعه اشاره کردیم که
"اینک پیش از هر زمان دیگر خود را به‌نمایش
گذاشته است". در همانجا گفتیم که این "بن -
بست" علیرغم هر گونه دعاوی و تبلیغاتی هم که
مبنی بر واقعیت نداشتن یا ساختگی بودن آن به
عمل آید، واقعیتی است انکارناپذیر. از طرف
دیگر چه پیش از نوشتن آن سطور و چه پس از آن،
به خصوص در روزهای گذشته، این مسئله، یعنی
مسئله "بن بست" و واقعیت داشتن یا موهوم بودن
آن موضوع برخوردها و قضاوت‌های مختلف قرار
گرفت و مجادله‌ای بر سر آن آغاز شد و خصوصا
تبلیغات وسیعی مبنی بر نفی و انکار بن بست و در
حمله به مدعیان و باوردارندگان آن راه افتاد.
و این موجی شد که توضیحی ولو به اشاره و اختصار
"در مفهوم و واقعیت بن بست" در این شماره
بیاوریم، باشد که این توضیح به دور از تبلیغات و
مجادلات جاری هشدار مجددی باشد برای همه
آنهاست که به سرنوشت مردم و مملکت خود
علاقه‌مندند.

روشن است که واقعیت‌های عینی، چیزهایی
هستند که در خارج از ذهن ما، در جهان خارج،

در صفحه ۲

متن پیامهای شخصیتها و نیروهای

مترقی بین المللی

بمناسبت ۴ خرداد

پاسخ برادر مجاهد مسعود رجوی

پاسخ به پیامهای همسر پدر طالقانی، استاد طاهر احمدزاده،

احمد شاملو و سایر شعرا و نویسندگان

و نیروها و شخصیت‌های مبارز ملی و بین المللی

در صفحات ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۲۵، ۲۶، ۲۷

بررسی لایحه

قصاص (۱)

بررسی مختصری

پیرامون عملکردهای

هرتجمعین تحت عنوان

"جاری کردن

حدود اسلام"

در صفحه ۸

درباره

روشهای خیانت‌بار اپورتونیستی (۵)

وقاحت

برجسته‌ترین

صفت حزب‌نوده

در صفحه ۴

الشاگردی "مجاهد"

درباره عازم‌گردی دست‌اندرکاران

مسئله مستضعفین (۲)

آبداعات گوناگون هر تجمیعین

در چپاول اموال مستضعفین

در صفحه ۶

در مفهوم و واقعیت "بن بست"

بقیه از صفحه اول

فی الواقع وجود دارند و وجود آنها به هیچوجه تابع تمایلات و یا اعتراف و انکار کسی نیست. موقعیتها و واقعیتهای عینی اجتماعی نیز از همین قرارند، البته موقعیتهای اجتماعی خودبخود موجود نمی آیند بلکه غالباً نتیجه عملکردهای مشخصی هستند که از طرف حریایها و گروههای مختلف اجتماعی مخصوص جریانهای حاکم صورت می گیرد و موجب "مسئولیت" هستند. بنابراین چه بسا که نتوان جلوی بوجود آمدن آنها را گرفت. لکن وقتی موقعیتی فی الواقع در صحنه عینیات جامعه دیده آمده باشد، دیگر نمی توان با انکار آن یا با سرپوش گذاشتن به آن منکر وجود آن شد. بلکه در این صورت باید این واقعیتها را چنانکه هستند، ساخت و آنها را در جهت خیر و صلاح جامعه و مردم تعبیر داد. چنانکه بن بست کنونی نیز خودبخود و بطور خلق الساعه دیده نیامده، بلکه همانطور که در سرمقاله هفته پیش مشاهده گفتیم، این "بن بست" در قدم اول نتیجه عملکردهای انحصارطلبانه و آرمیدی های بی حد و حصر جریانهای انحصارطلب و عمدتاً "حزب و ایستگرای حاکم است". و بدیهیجوجه هم نمی توان منکر وجود آن شده و یا برآن سرپوش نهاد، بلکه باید این موقعیت را به درستی ساخت و در جهت حل مردمی و واقعگرایانه آن قدم برداشت.

اما ببینیم سی آنکه به تعاریف دقیق تئوریک کار داشته باشیم منظور از "بن بست" چیست؟ وقتی یک سیستم یا جریان اجتماعی (هر سیستم یا جریان، مخصوص سیستم های حکومتی و جریاسهای سیاسی که در اینجا مورد نظر است) در مسیر حرکت خود به نقطه ای برسد که دیگر جز با تغییر چهارچوب و پذیرش یک تحول کیفی قادر به ادامه حرکت و پیترفت نباشد، چنین جریانی دچار "بن بست" شده است. توضیح این که هر جریانی بر اساس ماهیت خود و اهدافی که در پیش گرفته و روشهایی که در عمل بکار می برد، واجد مختصات معینی می گردد و در چهارچوب مشخصی حرکت می کند. چنین جریانی اثر در مسیر خود (با آن مختصات و در آن چهارچوب) نتواند به حرکت خود ادامه دهد، فی الواقع دچار "بن بست" شده است. در این قبیل موقعیتها ادامه حرکت بالاچار منوط به ایجاد و پذیرش یک تغییر کیفی در آن سیستم یا جریان است. تغییری که در اثر آن سیستم مذکور واجد مختصات نوینی شده و در چهارچوب جدیدی قرار می گیرد. بدیهی است که مقاومت در برابر این تغییر کیفی و اصرار بر حفظ مختصات و چهارچوب پیشین موجب ادامه رکود و توقف و سرانجام مرگ سیستم شدتویا انفجارات و تنش های تندری را در آن سبب خواهد شد که در اثر آن بن بست موجود بالاچار ننگه شده و حرکت سیستم یا پارای آن در چارچوبی جدید ادامه خواهد یافت. بن بستها یا موقعیت های بحرانی که ممکن است جریانهای مختلف اجتماعی و سیاسی بدانها دچار شوند، نشان نوعی عدم تطابق و ناهماهنگی آن بهریان با مقتضیات محیط دائمی "متحول و در حال حرکت است که یا اساساً از ماهیت سیستم و جریان مذکور ناشی شده و یا حاصل خطاهای و اشتباهات فاحش در رهبری آن است. بنابراین ممکن است حتی جریایی به علت ماهیت گمنه و میرنده و روبه زوالش از همان بدو پیدایش خود، در محیطی که پیشرفتهای معینی را پشت سر گذاشته و به علت عدم توانایی ماهوی جهت تطابق با این پیشرفتهای فی الواقع در "بن بست" باشد. منتهی برای بروز و ظهور این "بن بست" مدتی زمان لازم باشد. (تغییر جریان انحصارطلبان و ایستگرا) و همچنین ممکن است سیستمی به علت

تناقضات و دوگانگی های موجود در آن به "بن بست" برسد و یا چنانکه گفتیم در اثر اشتباهات فاحش بدان دچار گردد.

اما این موقعیت (بن بست) بالاچار آثار و عوارض و نشانهها و مظاهر خاص خود را دارد و در نمودهها و بداصطلاح فاکتورهای مشخصی به ظهور می رسد. نشانهها و فاکتورهای که ما را به وجود "بن بست" و بحران در جریان مذکور رهنمون می شوند. حدت رشد تضادهای درونی و میل آن به تعارض و درماندگی در حل مسائل مختلف مبتلا به بازرترین نشانههای موقعیتهای بحرانی و "بن بست" در هر جریان سیاسی اعم از گروه و سازمان و حزب و یا ارگانهای مختلف حکومتی و همچنین کل سیستم و قدرت حکومتی می باشد.

اینک یس از این توضیح مختصر ببینیم که آیا سیستم حاکم بر جامعه ما بدو واقع دچار بن بست می باشد یا اینکه چنین چیزی واقعیت نداشته و صرفاً "نیروها و جریانهای مخالف هستند که سعی می کنند در تبلیغات خود، آن را یک واقعیت قلمداد کنند. کافی است نظری گذرا به صحنه های کوناگون جامعه اعم از صحنه های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی بیاندازیم و فاکتورهای واقعی موجود در این صحنهها را مورد دقت قرار بدهیم.

آیا اوچگیری و حدت بی سابقه تضادهای درونی سیستم که به حدود نزدیک شده و در اثر آن رئیس جمهوری در آستانه حذف قرار گرفته است، نشانه "بن بست" نیست؟

آیا هیاتهای رنگارنگی که پشت سر هم تشکیل شده اند از هیات حل مسئله گردستان گرفته تا هیات سمنفره حل اختلاف (که از قضا خود موجب تشدید اختلافات شده)،

آیا منع مسئولین و سران مملکت بدویژه رئیس جمهوری از انجام سخنرانی،

آیا تهدید رئیس جمهور به استنطاق و محاکمه،

آیا بازار گرم و رایج علام جرمهای مختلف سران و مسئولین بالای مملکت بر علیه همدیگر،

آیا جواب شورای عالی قضائی بداعتراض رئیس جمهور،

آیا حوادث همه روزه مجلس،

و آیا پرونده سازیها و دسیسه چینی های مختلف سیاسی، نشان بن بست نیست؟

آیا اعمال فشار و سانسور بر مطبوعات و بهر بهانه های بعضی روزنامهها را به تخلف متهم کردن و تهدید نمودن و به بهانه جنگ خواهان مسکوت گذاشتن مهمترین مسائل شدن،

آیا پنهان کاری های مکرر در مورد حیاتی ترین مسائل مملکت و حتی نوار مذاکرات جلسه غیرعلنی مجلس را (که به ادعای برخی نمایندگان هیچ دلیلی بر سری شدن آن وجود ندارد) در اختیار رئیس جمهور قرار ندادن (مردم که سهل است)،

آیا گسترش روزافزون جو اختناق و استبداد در مملکت و... نشانه بن بست نیست؟

آیا جنگ گردستان و ادامه آن و با توپ و تفنگ و محاصره اقتصادی با مسئله ملیتها برخورد کردن،

آیا رواج شکنجه و سرکوب در حق نیروهای معترض و انقلابی و گشتار آنها،

آیا منع و توقیف نشریات نیروهای انقلابی و جلوگیری از میتینگها و تظاهرات و راهپیمایی های آنها به بهانه های مختلف، آیا به جرم فروش نشریه و امثال آن، هواداران نیروهای سیاسی را با احکام ضد شرعی مرتبا "زیر ضربات شلاق بردن (چنانکه به عنوان مثال در همین چند هفته اخیر در شهرهای مازندران بیش از ۲۰۰۰ ضربه

شلاق توسط جلادان مصباح (حاکم ضد شرع بابل) بر بدن قریب ۱۰۰ تن از خواهران و برادران میلیشیا فرود آمده است، که تعدادی از آنها، بخصوص خواهران به علت شدت ضربات شلاق ناسر حد مرگ پیش رفته اند (نشانه بن بست "نیست" اصلاً "آیا حاکمیت شلاق خود همان "بن بست" نیست؟

آیا وضع مطبوعات وابسته به حکومت انحصارطلبان حاکم، وضع صداوسیما و حاکمیت تزویر و دروغ و تهمت، آیا سیل آگاذیب و تبلیغات فوق طاغوتی نسبت به معترضین و منتقدین و مخالفین و بدویژه نیروهای انقلابی نشان "بن بست" نیست؟

آیا وضع اقتصادی موجود، وضع تولید، چه در کشاورزی و چه در صنعت،

آیا انعقاد قراردادهای اقتصادی کذائی،

آیا بودجه نویسی های طاغوتی اسارت بار و وابسته ساز و ویرانگر اقتصاد و تولید داخلی،

آیا درماندگی آشکار در حل مسائل مبتلا به توده های وسیع مردم از قبیل بیگاری و گرانسی افسارگسیخته،

آیا رواج فساد و رشد خصایص و گرایشات طاغوتی در جامعه و... نشان "بن بست" نیست؟

و آیا راستی همین اصرار بر انکار واقعیت "بن بست" و تلاش و گوش عظیم برای کوبیدن و تخطئه کردن فراندوم پیشنهادی رئیس جمهور نشان بن بست نیست؟

آیا چه راه حلی برای این همه مشکلات و مسائل دارید؟ و آیا وضع موجود با این تفصیل و بدون تغییرات اساسی و قرار گرفتن و حرکت کردن در یک چهارچوب جدید قابل دوام است؟

واقعیتها عینی را نمی توان با تکذیب و انکار مفتی کرد، بن بستهای واقعی را هم نه با انکار آن و نه با توسل به وسایلی از قبیل شلاق و شکنجه و تهمت و سرکوب نمی توان سرپوش گذاشت.

هنوز خوب بیاد داریم که در رژیم گذشته چگونه در حالی که رژیم شاه در "بن بست" کامل و در آستانه انفجار بود از جزیره ثبات دم می زدند و مملکت را در آستانه تمدن بزرگ قلمداد می نمودند!

بن بست ها را می توان ساخت و آنها را پیش از آن که اوضاع به حد انفجار برسد گتود. چشم بستن به نشانه های آشکار بن بست و علائم انفجار به جای گوشش در جهت حل واقفگرایانه آن نه تنها از واقعیت مسئله چیزی کم نمی کند، بلکه باعث هر چه بفرغتر گشتن مسائل می گردد. و آنوقت زمانی می رسد که دیگر برای هر توجه و تذکر و حرکتی خیلی دیر شده است.

ما پیش از این در موارد متعدد راه واقفگرایانه و مردمی خروج از بن بست جاری را که از مدت ها پیش بوجود آمده و هر روز هم سخت تر و بفرغتر شده است، نشان داده و گفته ایم که خلق ید از کلیه عوامل و ایادی انحصارطلبان حزب حاکم در کلیه قوا و نهادهای مملکتی نخستین قدم اساسی در راه نجات است.

در شماره گذشته مجاهد در همین ستون گفتیم که فراندوم پیشنهادی رئیس جمهور نیز می تواند راهی برای خروج مسالمت آمیز از این بن بست باشد. اما آیا انحصارطلبان حاکم فی الواقع در تمهید و انتظار "ساعت صفر" نرفته اند؟ هر چه

باشد تاریخ و جامعه هرگز برای مدت طولانی، پشت هیچ بن بستیی درجا نمی زند. بلکه هرمانعی را از سیر پیشرفت خود کنار زده و هر بن بستیی را بالاخره می شکنند و انسان سیر شتابان خود را به سوی رهائی و رستگاری و مقصد شگوهمند تاریخ خویش همچنان ادامه می دهد. این قانون عمومی و خدشناپذیر تاریخ و اجتماع انسان است که در جامعه ما نیز تا کنون به اثبات رسیده و از این پس نیز به اثبات خواهد رسید.

پاسخ

برادر مجاهد

مسعود رجوی

به پیام

استاد ظاهر احمد زاده

نام خدا

نام خلق قهرمان ایران

استاد گرامی آقای احمدزاده

صمیمانه ترین سلام های توحیدی و انقلابی خواهران، برادران و فرزندان مجاهدان در تمام کشور را سیرید.

پیام درد مندان می شما بد مسامت ۴/ خرداد، از اسحا که متل همیشه از عمق دل سوخته ای برآمده بود که بر احوال خلق و مکتب خون می گرید، به جار همی دستداران و تاگردان قدیمی تان شرر اداخت. چرا که آن سطور را دست پدر مشتاق و حسدای نوشته بود که نه تنها در آغاز انقلاب و هشتیر سال های مبارزه ای انقلابی مسلحانه در برزند رومد را "فدا" کرده بود، بلکه خود یاب پای فرزندار مجاهد و فدائی اتی تمامی مراحل شکنجه و زندان را در طول آن سال های سیاه آریامبری قدم به قدم به صبوری سنگ طی کرده است...

استاد احمدزاده

مردیقا می توانم حدس بزنم که برای پدری در سی و سال تا که چهل سال تمام را در بار شناختن و باز شناختن چهره ی راستین اسلام انقلابی تلاش کرده است، تا چه حد تا تراشیز است که امروز حتی سنگ مرار فرزند استی را (چنان که نوشته بودید) شکسته و یکت خورده ببیند... آن هم در روزگاری که مدعیان انحصار طلب، فقط مانده است که ادعای خدائی بشنند! اما تنه ندارم که این خود یگی از مهم ترین دلایل سرفرازی و عالت جریان عقیدتی و سیاسی است که شما از ده ها سال پیش از نخستین آسان آن بوده اید. جریان "تمیز و تشخیص" دو اسلام به کلی متضاد که به رغم هرگونه تشابهات صوری، یکی باز هم به "حبل و بندگی" راه می برد و دیگری پیام آور آگاهی و آزادی است. و مگر نه اینست که شما خود از دیر زمان دست اندر کار گانوی های نشر حقایق راستینی از این قبیل بوده اید؟ و کلمات الهی العلیا... پس چه باک که اگر باز هم جسم های فرزندان و برادران شما را بسوزانند، بر دست های شان دستبند بزنند و بر مزارشان یکتگی ولی بارح های بالابلند آنان چه خواهند کرد با آن درخت کبیب و تناوری که اکنون در هر گوی و برزن و هر شهر و روستای این میهن ریشه دوانیده است؟ همان شجره ی طیبه ای انقلابی و اسلامی که خود از غرس کنندگان آن بوده اید...

هم چنین خواهش مند سلام های خود و سایر خواهران و برادرانم را به استاد شریعتی و استاد تبرانی تقدیم فرموده و در حرم هشتمین پیشوای عقیدتی و انقلابی مان علی بن موسی الرضا علیه السلام نایب الزیاره باشید.

با احترام انقلابی
برادر و فرزندان
مسعود رجوی
۵/ خرداد/۶۰

پاسخ

برادر مجاهد

مسعود رجوی

به پیام

همسر پدر طالقانی

نام خدا

نام خلق قهرمان ایران

و دیگر شخصیت های مبارز

همسر گرامی پدر طالقانی، مادر همی انقلابیون، مادر بزرگوار همی مجاهدین...

برادران بزرگوار محمدرضا اسلامی، نصرالله اسماعیل زاده، محمد اقبال، سید حسین حسینی، بهرام خسرو، علی اکبر زهتابی، محمد شانه چی، مسعود گرمینیا، جلال کججهای، کاظم متحذین، عبدالعلی مصحوی، دکتر محمد ملکی، محمد میهن دوست و ابوذر ورداسی،

با سلام انقلابی و توحیدی... هم چنان که نوشته بودید، درست در "شرایطی... که ارتجاع حاکم با همی وسایل تبلیغاتی خود گوشش دارد خون... شهیدان مجاهد خلق را پایمال نموده و مانند همیشه از خون پاک آنان بدنفع خویش بهره برداری کند... باردیگر روح طیب پدر طالقانی از طریق پیام شاری از نزدیکترین خویشان و یارانیش... به امداد شتافت و فرزندان را همچون همیشه دلگرمی و قوت قلب بخشید.

و من بار دیگر به یاد آوردم آن روزی را که پدر پیشاپیش "استبداد زیر پرده دین را خطرناک... ترین نوع استبداد" معرفی نمود و باوصیت به "شورا" از همی فرزندان و یارانیش پیام گرفت که بر سر عهد خود جاودانه استوار بمانند...

ومن المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من یبطل... از این حیث، مجاهدین خلق ایران و ملیشیا ی مردمی مفعند که پیوسته حمایت بی دریغ خویشان و یاران پدر را تعمدی راه و سرمایه ی همان عهد قدیم انقلابی و اسلامی بر ضد همی کردارهای ناعادلانه ای استبدادی و استعماری و ارتجاری می یابند.

مادر گرامی!

برادران بزرگوار

باردیگر ضمن سیاستزاری انقلابی از زحمت پوراج شما، مایلم احساسات میلیون ها خواهر و برادر مجاهد را که در گوشه گنار کشور هر روز و هر ساعت در معرض انواع شکنجه ها م آزار و تهنیت قرار دارند یادآوری کنم که آنان نیز تا حان در بدن دارند از تبلیغ پیام "رهائی ر عمت" دست نخواهند کشید.

با تمنا ی دعا و آرزوی رستگاری
فرزند و برادران
مسعود رجوی
۵/ خرداد/۶۰

پاسخ

برادر مجاهد

مسعود رجوی

به پیام آقای احمد شاملو

و سایر نویسندگان و شعرا

نام خدا

نام خلق قهرمان ایران

شاعر شاعران... فریاد درخشان آسمان ادب ایران احمد شاملو!

با سلام های انقلابی، پیام شورا شیز شما و ۱۲ تن سیکر از نامدارترین درخشنندگان منظومه ی "ادب و هنر" میهن ستمزده مان، به مناسبت سالروز شهادت بنیانگذاران مجاهدین خلق ایران را دریانت کردم.

برای مجاهدین خلق و ملیشیا ی مردمی و برای همی انقلابیون ایران بطور اعم، جای سرفرازی است که اکنون بیش از پیش از حمایت شما و سایر دوستانتان برخوردار شده اند. اگر چه این مطلب هرگز چیز جدیدی نبوده و از قدیم الایام هر "براهیمی" که قصد گذر کردن از "آتش" داشت، شما و سایر رزمندگان میدان "هنر" را در کنار خود می یانت. وجه خوب گفته بودید که:

"امروز شهر، حریدی خلق است"

زیرا که شاعران، خود شاخه های زنجنگل خلقند، نه یاسمین و سنبل گلخانه ی فلان بیگانه نیست شاعران امروز با دردهای مشترک خلق:

او ای بان مردم لبخند می زند،

درد او میدرا با استخوان خویش پیوند می زند...

پس ما و هر آن کس که "مژده شکستن زمستان" را در دل می بروراند... سن داریم که مضاف بر سلاح های مادی، از تسلیح به دیگر هر به های معنوی خلق

بر خود بیالیم و بار دیگر بر بالین شهیدان والا مقام ملت است تمامی خلق... سوزند یاد کنیم که هم چنان تا قله ی "رهائی" سنگ مبارزات عادلانه ی ضد استبدادی، ضد استعماری، ضد استعماری را ترک نشویم. مبارزاتی که اعرم در برابر ارتجاع و ایورتویسم نیز که سرفراشته و خواهان حمایت نر اید می تاست.

پس ای خویشا معنوی خلق، شاعران و نویسندگان عالی مقام!

اجازه می خوامم ر جانب بسیاری از فرزندان

خلق قهرمان و مهرورمی به چه در دوران "زور عربان" و چه در دوران "قریب"، یک آن نیز دامان سنگنتان را رها نکرده اند، باردیگر بر نیاز تمامی خلق و نیاز تمامی فرزندان جانبازش، بر ضرورت کار انسانی و انقلابی خلق شما تاکید کنم.

آقای شاملو!

تقاضا می کنم... صمیمانه ترین... رود های انقلابی من و سایر خواهران و برادرانم در سراسر کشور را به خواهران گرامی مان رویا گهریائی و عاطفه گرگین و هم چنین به آقایان م. آزر، علی اکبر اکبری، ناصر پاکدامن، باقر پرهام، اسماعیل خوئی، غلامحسین ساعدی، محمد علی سپانلو، هوشنگ گلشیری، منوچهر هزارگانی و محسن یلفانی برسانید.

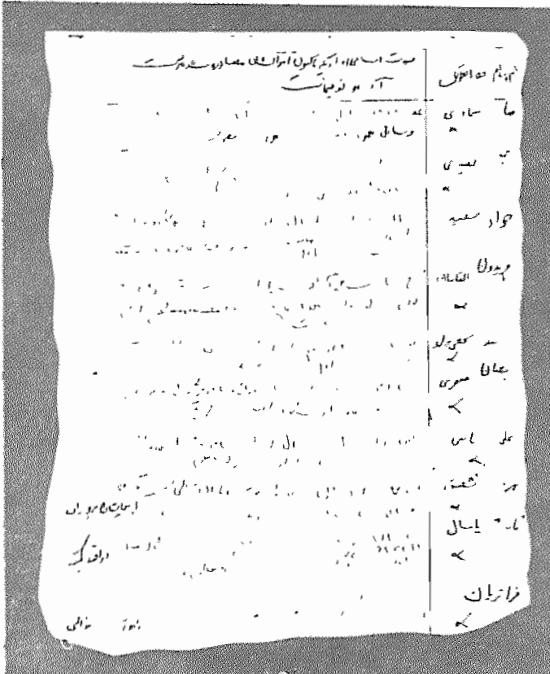
برادر شما - مسعود رجوی
۵/ خرداد/۶۰

اشاگری "مجاهد"
در باره غارتگریها
دست اندر کاران
بنیاد مستضعفین (۶)

ابداعات گوناگون مرتجعین در چپاول اموال مستضعفین

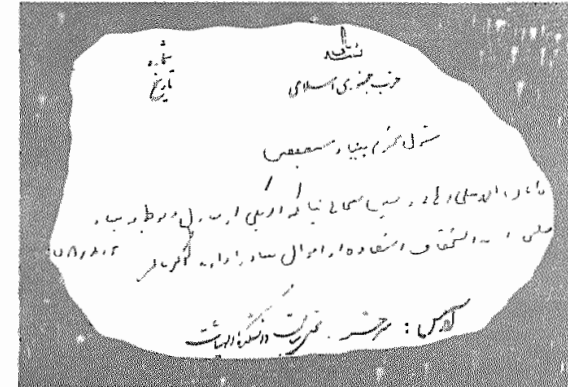
در قسمت‌های گذشته به شرح بار بجهی شکل‌گیری بنیاد پرداختیم و ضمن آن با کوسه ای از عملکردهای مرتجعین در بنیاد مستضعفین آشنا شدیم. این بار می‌خواهیم به طور خاص "سگرد"های دست اندرکاران را مورد بررسی و تدقیق بیشتری قرار دهیم. البته همین جا یادآور سویم که دامنه این سوءاستفاده‌ها آن حجاب گسدرده و موارد و سوهه‌های آن آنقدر مبسوع است که سوج همی آن‌ها در این مطالب نمی‌گنجد. به همین دلیل سعی کرده‌ام که تنها به ذکر نمونه‌هایی از "ساره"کارهای حضرات بسنده کنیم؛ در ضمن ناگفته نباید گذاشت که ابداعات مرتجعین در چپاول اموال "مستضعفین" که تمام مراحل جمع‌آوری تا فروش اموال مصادره‌ای را در بر می‌گیرد، حکایت از هوش سرشار! و فکر بدیع! انسان نیز می‌کند. حجاب که گویی سال‌ها در این مال مردم خوری‌ها و بجزیره اندوخته‌اند و بجزیره گشت کرده‌اند. واقعیتی که کارنامه درخشان! ایسان (که ، گذشته هم به آن اشاره شد) به خوبی موید آن است. به هر حال با توجه به توضیح فوق، سعی کرده‌ام، از مراحل مختلف گردشی کار در بنیاد، نمونه‌ای را فهرست‌وار مورد اسناد قرار دهیم. ابداعات بروده‌ی قسمت "سناساتی و جمع‌آوری اموال مصادره‌سده" را می‌کنائیم.

بسیاری از خانه‌هایی که در پیرونده‌های مربوط بسده قسمت شناساتی اموال وجود دارند، مانند خانه‌ی نصیری مهدوم ثابت پا سال و... خالی از اثاثیه‌ی بسده‌یا سدون جواهرات و فرش و عنیفه‌جات و... قید شده‌اند



همانگونه که دیده می‌شود، تقریباً در کلیدی خانه‌های مصادره شده‌ای که نام برخی از آنها در این صفحه آمده، قید شده است که اموال واجنا س قیستی از خانه‌ها بدست نیامده است!

افراد زیادی صاحب مال و ملک سده و سهم خود را برده‌اند! بدین ترتیب قسمت سناساتی و جمع‌آوری اموال که مسئولین به عهده‌ی حاجی حسن برهمنده بود، از جمله قسمت‌های برسرود و بان‌آور محسوب می‌شد (البته هم‌اکنون حاجی برهمنده که قبلاً با مواردی از امامت‌داری‌هایش در به اصطلاح مناطقی جواهرات اسنادهای عصر "مجوی" آشنا شده‌ام، سرپرست عروشه‌های بنیاد می‌باشد)
حیف و میل‌ها از همان بدو امر آغاز می‌گشت و دیدن‌های نیز و طمع‌کار سرجمین از همان اولین کام در استفاده از منازل طاغونیان بکار می‌افزاد. اکثر فریب به اتفاق این منازل، وسایل و تجهیزات ذقیمت و اسای در انبیهاتی بنظر فرسی، عنیفه‌جات و جواهراتی که در خور عیاسی‌های پاکتین فیلس بود شامل می‌شد. و حضرات به اصطلاح مکتبی هم که با نه‌حال فراد‌های مستضعف‌گرایانه‌سان کوس ملک را گرمی کرد، بیکباره میلیون‌ها س هموطنی زحمکین از آوارگی، بی‌مسکی و بی‌جانمانی رنج می‌بردند را فراموش کرده و خود را مستحور برسی افراد در استفاده از سارانی‌هایی که منطبق به محرومی و مستضعفین است، می‌دیدند. برای این که دست‌های بسندا و بندلو محسوسر حزب جمهوری را به سر سسد به بزرگ ربر بوجه کیند:



کدام صابطه و قانونی مقرر می‌دارد که حزب جمهوری صلاحیت فراد برای اسکان در خانه‌های مصادره شده را نائید کند؟

علاوه بر جان خود، اموال خویش را نیز به در ببرد. به آن مسخضات خانه‌های ضبط سده منطبق به نصیری، الفایان بابت باسال، شعبان جمفری درج سده، و در بالا کلیته گردیده‌است بوجه کیند.

دزدان بین راه!

گذشته‌از این، صورت - برداری‌های اموال منازل درباریان و سرمایه‌داران فراری عمدتاً ناقص و فاقد مشخصات کامل می‌باشد با عنده‌اللزوم، امکان تبویض اجناس و یا سوء استفاده‌های دیگری که به‌مصلحت دیده‌شود، وجود داسد باشد. بدین ترتیب و پس‌از صورت‌برداری این چنینی اجناس را رویهم در کامیونی می‌انباشند و ظاهراً بحویل ایبار می‌دادند. ولی در بین راه و در طول مسیر، اشیاء گرانقیمت و ارزشمند جدا شده و بسط دست‌هایی مرموز به نقاطی نامعلوم فرستاده می‌شد البته اگر در این بین کارکنان شریفی بودند که حاضر نمی‌شدند این غارتگری‌های را ببینند و پا دریاقت سهمی از این اموال، مساله را به‌سکوت برگزار کنند، بسط سردمداران بیاد به‌دید به اخراج و سبیه می‌شدند. در این رابطه به سگابت رانده‌های یکی از کامیون - هایی که اموال جمع‌آوری

شگردهای قسمت شناساتی و جمع‌آوری اموال

قبلاً به‌وظیفه‌ی این بخش که حوزه‌ی مسئولین از اسم آن سبز پیداست اشاره کرده‌ام از آنجایی که در این مرحله از کار هنوز آمار و ارقام خانه‌ها، طلاجات، فرش‌ها و... منطبق به طاغونیان و سرمایه‌داران فراری وارد دفاتر نشده است، سوء استفاده‌ها خیلی راحت‌تر صورت می‌گیرد. و در واقع بدون این که رد پای بجا بماند و یا کسی بوئی ببرد،

قسمتهائی از مصاحبه مهم آقای رئیس جمهور

همانطور که اطلاع دارید سندی گذشته آقای رئیس جمهور در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی شرکت کرده و به سؤالات خبرنگاران پاسخ گفت، بدلیل اهمیت موضوعات مطرح شده در این مصاحبه، قسمتهائی از آن را درج می کنیم

نروم

مواجهه به آراء عمومی

خبرنگار انقلاب اسلامی: سئوالاتی که شما مسائلی را مطرح کرده اند عکس العمل های متفاوتی از سوی جریان های مختلف در جامعه بروز کرد و بوجه و تمیزهای مختلفی از آن بعمل آمد لطفاً برای روس سندن دهنی مردم توضیح دهید سطوران از مواجهه به آراء عمومی چه موضعی نماند به آراء عمومی مراجعه نمود.

رئیس جمهور پاسخ داد: ... من خبر عمومی نگفتم در اصل ۹۶ قانون اساسی آمده است که در مسائل بسیار مهم سیاسی اجتماعاً - فرهنگی - ممکن است اعمال فوری و فوریه از راه شمشیری و مراجعه ی مستقیم به آرای مردم صورت گیرد ...

اگر میزان رای مردم است و می به عنوان رئیس جمهور می بینم هر روز و هر لحظه تصحیف می شود - و تنها دیگران هستند که حق دارند تصحیف، بسوزند من هم حق دارم تصحیف بسوزم - و موقعیت خود را به عنوان مسئول در مخاطره می بینم؛ اما حق دارم که پیشنهاد بکنم که این میزان اظهار بسوزد ناخبر؟ اگر حسن حقی را طبق این قانون اساسی دارم اما حوات می سازم و بپندم و این حرفهاست؟

ما در این جمهوری بدینجهانم که انقلاب کرده ایم برای این که یک روزی بود که مردم را به حساب نمی آورد و رایت او را نمی بدیرت، اما گفتم خبر مردم حق ندارد و کشور مال مردم است، چون حق ندارد؛ کشور مال مردم است و میزان هم رای مردم است. به جای این همه داد و هال اما ممکن نبود از من پرسید خوب موضوع چیست؟ می خال در فصل خبری و اخبارات ریاست جمهوری می نویسم که ببیند از این ریاست جمهوری چه باقی مانده است و به این ترتیب ما به کجا می رویم؟ آیا مردم یک کسی را انتخاب کرده اند به عنوان رئیس جمهور و به یک عده ای

هم گفته اند که ما شما را ماور می کنیم هر چه را که ما در رای خود به او دادیم شما سئو بکنید؟ آنا همس طور است؟ بازه اگر این طور است خوب از این طریق برای همین مردم معلوم می شود و ما کاملاً مطلع رای مردم هستیم. اگر این طور نیست، پس این رویه غلط است، باید این رویه را رها کنید. حالا این مقدار حوات شما تا بیستم بعد برای گفتن چه باقی می ماند ...

سؤالات رئیس جمهور

رئیس جمهور در پاسخ به این سوال که روزنامه ی میزان از سرل شما بوسه است که به محض این که جنگ تمام شود هر سحی فولاد را در جنبه ی داخلی بدست می آورم لطفاً منظورهای را از این جمله بیان فرمائید گفت: ... بسیار خوب من سوالهایی دارم و گمان می کنم اینهایی که می گویم نمک ما در جنبه ی جنگ است و طبق قانون هم هست:

۱- از نظر من که مسئول امور جنگ هستیم حفظ آزادی - های اساسی مردم به سبها صدمه ای به جنگ نمی زند بلکه کمک هم می کند، آنا آزادی ها حفظ می شود ناخبر؟ اگر حفظ می شود من یک کلمه از کل بارکری به شرح کن بخواهم گفت. بسیاری گمان می کنند که برای انجام کار اخبارات و بره لارم است من هیچگاه بر این ناور بوده ام انسان ها هستند که در اعتماد معالسان و بر ناورسان عمل می کنند من که به جنبه ها می روم لباس سراری ساده به من می کشم و خود را نا یک سرار هیچ ترق نمی گذارم از اخبارات فرماندهی و عمره هم نسخ استفاده نمی کنم، چون ترس من است که سرار هم برای شمش میهن و این اسلام می جنگد. پس اگر مساله ششم و بافهم نبود هر دو در یک خط برای یک هدف می جنگم تا برسی که این کار می خواهد اعتماد معال و وحدت در هدف و کوشش مسرتک است.

۲- مطلب دوم این که آیا ما که منتخب مردم هستیم به این معنی است که مساهره چه

حواستیم بکنم ما طبق نظر مردم باید کار کنیم؟ اگر مسرتک هستیم که طبق نظر مردم عمل کنیم پس اگر کاری خلاف نظر مردم کردیم از اعتبار ساقط است هم بدلیل سرعت هم بدلیل عرف. در این صورت ما سرتک ساحتجیح نمی سوم که هر روز بر صد هم جو درست کنیم چون بی ستم حواست عمومی حسرت و ملرم می سوم طبق حواست عمومی عمل کنیم.

۳- مسالهی سوم این که مردم به مسالهی اساسی دارند بر طبق سحنی افکار در طول یک سال گذشته اول مسالهی اقتصادی است یعنی گرانی، تورم، بیکاری، بلاکلیتی، وضعیت صنایع، وضعیت کشاورزی و ... مسالهی دوم مسالهی سیاسی است که اول آن امنیت است و مساله سوم اخیراً یعنی از جنگ است از طرف مسالهی جنگ است از نظر من سومی عاملی است که رسیدگی و حل دو مسالهی دیگر را کند کرده است. خوب آنا حل این مسائل است که رفع بحران می کند با وسیله کردن اینها برای به هم حمله کردن؟ اگر حل اینها مشکل را حل می کند پس باید به این کار بپردازیم و کارهای دیگر را رها کنیم. اگر این سه سوال من حوات روسی پیدا کرد من گمان می کنم مسائل ما حل می شود و امیدهم دارم که این جور بسود، چون مساله ناگون به صورت نادرست طرح بوده، مدنی فکر کردم دندم که امروز باید مساله را به طور درست طرح کنیم بلکه راه حل پیدا کنیم ما اگر بخواهیم مردم در امور سرتک دانسه ناسد و بدون مسرتک آنها هم هیچ کدام از این مشکلات حل سندی نیست، لارم برین کارها، رعایت آزادی مردم است آزادی های اساسی است و الا مردم مسرتک خواهند کرد مسرتک هم که کردند می شود شمش وضمت و سدر از این هم می شود ...

سوال خبرنگار مجاهد

در مورد

فرزاددهای امپریالیستی

رئیس جمهور در پاسخ خبرنگار مجاهد که سوال کرد: اخیراً از طرف مقامات ایرانی با برخی موسسات امپریالیستی فرادادهائی در زمینه های اقتصادی پسته شده است و گویا فرار است این نوع فرادادهای

باجرای

استاد وزارت خارجه

رئیس جمهور در بیان در مورد اسباب وزارت امور خارجه که گفته می شود از آن وزارت خانه به سرفه برده شده است گفت: سوال اول من اینست که چگونه بعضی اسناد که فقط سری سرتسبت در مجلس خوانده می شود و کسی نمی تواند ببیند می شود و چگونه کسی که دادگاه او را به زندان محکوم کرده به جای زندان در معاونت وزارتخانه است و چگونه است آن سند که می گویند از وزارت خارجه بیرون

آورده شده با بحال معلوم شده است که چگونه سندی است به کجا برده شده است و چرا رعایت حبیبیت مجموع این جمهوری در دنیا نشده است رئیس جمهور در این مورد افزود می گویند بعضی کارها در دفتر ریاست جمهوری انجام می گیرد که حتی خود وی بیبر اطلاعی ندارد، در حالی که جنس نیست مساله این است دادستان کل و سلسله ی حدس این نمایندگان نعام داده بود که کسانی در دفتر شما هستند که باید سانهی آنها رسیدگی شود ما سسسم و صصان چگونه است من سرتک قسم بلافاصله برونده های آنان بررسی شود. کسانی دیگر سرتک برای وزارت سسستاد می شود که برای اطلاع از سوانی آنان باید برونده ها ساس بررسی می شد و این سوانی ناچار در دستگاه های دولتی که در آنجا خدمت کرده اند وجود دارد و باید بروید و آنها را ببیند و الا من چگونه کسی را که اصلاً نمی ساسم بصوت بکنم؟ چه وسیله ی دیگری برای سسسانی غیر از سرتسادن نماینده و مراجعه کردن دارم؟ و حطور می شود که حسن خبری به این صورت در می آید و این طور سرتک می شود. حالا گفته اند که شش سده سقری این کار را سسستاده شده است که من این را کاتی می دادم و فرانسو این را طوری ناسد ما سرتسور فسه را رف و رسیدگی کرد و دند که موضوع حسرت، برونده ساری در آن هست؟ ناخبر بکنم؟

دکتر کاظم رجوی را از اروپا می شناسم

دربور نماینده های سمن می گفت به سقوکی کفاحل برونده ی آقای کاظم رجوی بوسط کسی که از دفتر ریاست جمهوری رفه از وزارت خارجه سدرن برده شده است. من فکر کردم که من اخبار به رسیدگی به برونده ی حسین فردی را ندانم چون به او می حواست در دفتر من استخدام شود و من سیر او را از اروپا می ساسم و محتاج برونده ی اسسخدامی - این بیووم. نا نا این همه دند و حال می حواست! می گفتم این برونده ی اسسخدامی این همان سلبت اسسست است. دکتر بی صدر امروز وقتی از رئیس جمهور سلبت امنیت بسود مسالهی مردم دیبگر روسی است و این به مصلحت این جمهوری نیست و هیئت سه نفره نیز باید اصل این مساله را در بیابرد که این مساله چه برده است و چرا این جور شده است؟

بررسی لایحه قصاص (۱)

بررسی مختصری پیرامون عملکردهای مرتجعین

تحت عنوان "جاری کردن حدود اسلام"

باتوجه به مطرح بودن "لایحه قصاص" در جامعه و بحث‌هایی که حول و حوش آن برانگیخته شده، و به خصوص از آن جهت که این لایحه به نام اسلام عرصه شده، لذا تصمیم گرفتیم، از این پس تا چند شماره ستون ایدئولوژی نشریه را به نقد و بررسی "لایحه قصاص" اختصاص دهیم. بدیهی است که پس از اتمام این بحث، سلسله مقالات "ورشکستگی تاریخی درگ خورده بورژوازی از اسلام" همچنان ادامه خواهد یافت.

صفا این بحث با سلسله مقالات گذشته بی‌ارتباط هم نیست، چرا که لایحه قصاص را می‌توان بارزترین نمونه‌ی عینی ورشکستگی ایدئولوژیک تاریخی استنباطات "قشری دگماتیک" از احکام اسلام دانست. و می‌دانیم که "قشریت" و "دگماتیسم" هر دو از ویژگی‌های اساسی ادراکات خورده - بورژوازی و فئودالی از اسلام می‌باشند. بنابراین بررسی حاضر را می‌توان در تکمیل و تعمیق همان بحث‌های گذشته و به عنوان مثالی برای فهم دقیق‌تر آن‌ها تلقی کرد.

نام اسلام و احکام قضائی آن، با بازهم چهره‌ی پاک این ایدئولوژی را خدشه‌دار ساخته و آن را بیش از پیش خشن و غیر انسانی و قشری جلوه دهد.

این نیز روشن است که این قبیل لایحه‌یوایی‌های ارتجاعی به همین جا ختمه نمی‌یابد. امروز لایحه قصاص ارائه و تصویب می‌گردد، فردا لایحه "خمس و زکات" و پس فردا هم لابد نوبت لایحه "تعدد زوجات" و لایحه "منه" (که از اهم مسائل مبدلایه حضرات است!) می‌رسد.

البته امروز کمتر کسی است که به ماهیت این قبیل لویح ماوراء ارتجاعی و بهیبه کنندگان آن پی نبرده باشد. برگزاری نمایشات تلویزیونی اخیر پیرامون لایحه قصاص نیز قبل از هر چیز بیانگر هراس دست‌اندرکاران از این موج فزاینده‌ی آگاهی و مقاومت بوده‌ای است که همچون سدی در مقابل تصویب و اجرای لویح قرون وسطائی مزبور عمل می‌کند. و الا چه کسی می‌تواند نردیدنماید که در مملکتی که پیش پا افتاده‌ترین مسائل با کمک "ولایت فقیه" قابل حل و فصل است، هیچ ضرورتی نداشت لایحه‌ای را که به قول خودشان مبین "حدود و مقررات الهی"!! و مبتنی بر استنباطات فقهی "مجتهد اعلم زمان" و "ولی امر مسلمین" است، به بحث و مناظره‌ی تلویزیونی بگذارند!

شورای عالی قضائی در حدود ۵ ماه پیش لایحه‌ای را تحت عنوان "قصاص و مقررات آن" تهیه کرده بود که پس از تصویب آن در هیئت دولت به مجلس ارائه گردیده و اکنون هم با تمام قوا تلاش می‌کند تا علی‌رغم مخالفت‌های وسیعی که چه از جانب مردم و چه از جانب حقوق‌دانان معتمد و چه به وسیله‌ی نیروها و شخصیت‌های انقلابی و برخی خواه سست به این لایحه (که چیزی جز یک سوء استفاده‌ی ارتجاعی از احکام و تعالیم اسلامی نیست) ابراز گردیده، به هر نزدیک شده این لایحه را به تصویب برسانند و وظیفه‌ی خویش را در ملوث کردن و بدنام کردن اسلام در این زمینه به خوبی پایان بیاورند. که گوئی عملکردهای فوق ارتجاعی حکام ضد شرع به اصطلاح دادگاه‌های انقلاب تحت عنوان "جاری کردن حدود اسلام" و صدور و اجرای احکامی نظیر سنگسار کردن زنان در کرمان و قطع کردن دست در کرمان و شیراز و شلاق زدن گرانگوش خرنه‌ها در ملاء عام و نظایر آن‌به سنهائی برای بردن آبروی اسلام در انتظار جهانیان کافی نبوده که اینک گردانندگان دستگاه قضائی در تکمیل رسالت صدمه‌گفتی خویش برای گسترش دادن این قبیل روش‌ها و در عین حال رسمیت قانونی بخشیدن به شکنجه‌هایی که به نام "حد شرعی" اعمال می‌شود، لایحه نیز تدوین کرده‌اند! آن‌هم به

جالب این که آفان علاوه بر همدی استنباطات عقب‌مانده و تحریفات ارتجاعی سعی کرده‌اند که با سوء استفاده از واژه "قصاص" یک سری مواد دیگری را هم که اصلاً ربطی به موضوع قصاص ندارند، در این لایحه کجاسانده و آن‌ها را نیز تحت همان عنوان سینه‌سنگیز "قصاص" به تصویب برسانند. ساند به همین علت هم بود که فم و احبر لایحه را ماه‌ها بعد و درست در هنگامی که مجلس آمادگی طرح و تصویب لایحه می‌شد، منسر کردند تا مردم و نیروهای آگاه جامعه فرصت اظهار نظر درباره‌ی آن را (که بسیار ارتجاعی بر از قسمت قبل بود) نداشتند. نه هر حال ما در اینجا صرفاً همان قسمت اول لایحه را که مربوط به مسأله‌ی قصاص می‌باشد، مورد بررسی قرار می‌دهیم تا بعد نوبت به قسمت دیگر آن یعنی "حدود و مقررات" برسد. زیرا از آنجا که مفاد لایحه‌ی مزبور تحت عنوان "حقوق جزای اسلام" و "حدود الهی" خوانده شده و ممکن است برای برخی سبهای را بوجود آورد، و تفاوت بین دو نوع اسلام را در ذهن آنان مخدوش گرداند، از این رو لازم دیدیم که به منظور روشن کردن هرچه بیشتر فاصله‌ی عمیق میان اسلام انقلابی و اسلام بی‌محتوا و ارتجاعی خورده بورژوازی سعی به نقد و بررسی این لایحه و دیدگاه حاکم بر آن می‌آوردیم. ما در این مورد خاص هم مرز میان اسلام و جاهلیت نگاه داشته‌ام و از مشابه شدن امر جلوگیری کردیم.

بدیهی است که بررسی این لایحه و مفاد آن می‌تواند از مواضع متفاوت و هم‌چنین از جنبه‌های مختلفی صورت بگیرد. لیکن هدف اصلی ما در این مقاله اساساً بررسی ایدئولوژیک مسئله از یک دیدگاه بوحیدی اصیل، و برسیم برزهای مشخصی است که شیوه‌ی برخورد و نگرش دینامیک نسبت به احکام اسلامی را از دیدگاه‌های منحصر و اسکولا - سنیک قسریون مذهبی کیفا متمایز می‌کند. اما قبل از این بررسی بیان یک مقدمه را ضروری می‌دانیم.

چرا صدور و اجرای

چنین احکامی

در شرایط کنونی

یک عمل ارتجاعی است؟
تدوین لایحه‌ی قصاص را

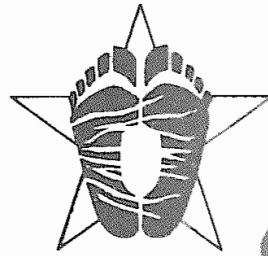
زمینه‌ها و عوامل اجتماعی زاینده‌ی آن‌ها قابل بررسی و حاره‌جویی می‌باشد. زیرا که اس‌فاسد را بایستی به منابذی یک "بیماری اجتماعی" و نه "فردی" تلقی کرد. یعنی درست مانند فقر، گرانی، سکاری، مساله اساساً رسته‌ی اجتماعی دارد، به عبارت دیگر عامل اجتماعی و زمینه‌های ناپاک جامعه، شرایط را برای شکل‌گیری و بروز و رسد حسن جراثمی مهیا می‌سازد. در جامعه‌ی خودمان کم بیسند جوانانی که در اثر فقدان یک تربیت سالم و درآمد مکفی و مهیا نبودن امکان زندگی سالم دچار انواع اعتیاد، دزدی و فحشاء و امثال آن‌ها می‌شوند.

بنا براس حل مسائل اجتماعی با نظر فحشاء و جنایات و گرافروسی و اعتیاد و ... به صورت مجرد و از طریق اعمال فاطعه‌های کدانی و تنظیم لایحه‌ی قانونی برای مقابله با آن‌ها هرگز ممکن نیست، بلکه راه حل اساسی را بایستی در قلمرو اجتماعی و فاطعه‌های زمینهای آن جستجو کرد. در واقع این مقاسد در دوران ما از بیماری‌های مزمن حوامع سرمایه‌داری و به خصوص کشورهای تحت سلطه امپریالیسم و معلول نظام فاسد آن‌هاست و نامومفی که علت عینی و اسکی و فقر و محرومیت و عقده‌ها و سماری - های روانی ناسی از نظام و فرهنگ منط حاکم بر اس جوامع، احماعا اربس سرود، معلول های مزبور را می‌توان با سنگسار کردن زناکار و آتش زدن مراکز فساد و با اعدام قاچاقچی و مقبول و مجروح کردن بی‌رحمانه‌ی مجرمین عادی ریشه‌کن نمود.

درست به علت وجود همین زمینه‌ها و علل خارج از حیطه‌ی اختیار و مقدرات شخصی است که بایستی مجرمین مزبور را عمدتاً از قربانیان سلطه‌ی امپریالیسم و فرهنگ فاسد نظام طبقاتی و ساهشاهی جامعه محسوب نمود. و لذا اجرای چنین احکامی در مورد آن‌ها با روح قوانین جزائی اسلام که جز از موضع رفت و رحمت و بویه و از بین بردن عوامل و انگیزه‌های جرم، به مجازات نمی‌نگرد، مغایر می‌باشد. در این مورد می‌توان به فرمان علی علیه‌السلام به مالک اشتر (حکمران مصر) استناد کرد که در بخشی از آن چنین آمده:

"... قلبت را از مهر نوده‌ها و محبت و لطف نسبت به آن‌ها انباشه کن، و برعلیه ایشان "سبع" و چنان که گوئی بقیه در صفحه ۳۳

گزارشات مستند در مورد شکنجه ۱



افشای یکی از مراکز شکنجه و احداطلاعات و تحقیقات سپاه پاسداران در شیراز

راننده ظاهر می‌پذیرد و به مسیری که دختر گفته بود می‌رود. پس از طی مدتی راننده با سرعت داخل کوچه بی‌بستی شده و بوف می‌کند و دو بوق ممد می‌زند.

جند لحظه بعد از بوق ردن دو نفر از خانه واقع در انتهای کوچه بیرون آمده و به طرف ماسین می‌آیند. محمود در میان این دونفر محمدتقی معینی یعنی پاسداری که چند روز پیش او را تعقیب کرده بود می‌سازد و بدین ترتیب مسوول بوطئه‌ای می‌شود که در جریان است. شروع به داد و فریاد می‌کند و قصد فرار داسه که دختر نیز وارد عمل شده و مانع فرار او می‌شود و سرانجام دونفر مذکور به کمک دختر او را به داخل خانه و در اطامی واقع در طبقه اول می‌برند.

ابتدا محمود را بازرسی بدنی کرده و ۵۰ نوسان از بولهای او را نیز برداشته و به دختر می‌دهند تا برابسان ناهار تهیه کند.

عطیات با فحاشی نسبت به رهبران سازمان شروع می‌شود از او می‌خواهند تا نام افراد و محل‌هایی را که مجاهدین رفت و آمد دارند به آنها بگوید و حوس با امتناع محمود روبه‌رو می‌شود، مش و لگد شروع می‌شود.

در این موقع یکی از آنها که ظاهراً نقش دوست را بازی می‌کرده مانع دیگران می‌شود. اس فرد برک بارجویی به محمود می‌دهد که آرم سپاه بر آن بوده و در زیر آن نیز بوسه شده بود:

"خانه خصوصی حسن محمود به این نحو بازجویی اعراض کرده و می‌گوید:

"سما ساواکی هسنیدواینجا بر خانه‌ی امن است. کار شما بهنج وجه جنبه‌ی قانونی ندارد" در همین موقع یکی از افراد به اطاق دیگر رفته و از آجا یک کت آورده و نشان داده و می‌گوید: "این قانون ماس"

بازجویی که بی‌نتیجه می‌ماند دوباره مش و لگد شروع می‌شود، که یک ساعت و نیم طول می‌کشد. البته بارجو به دیگران تذکره داده بقیه در صفحه ۳۱

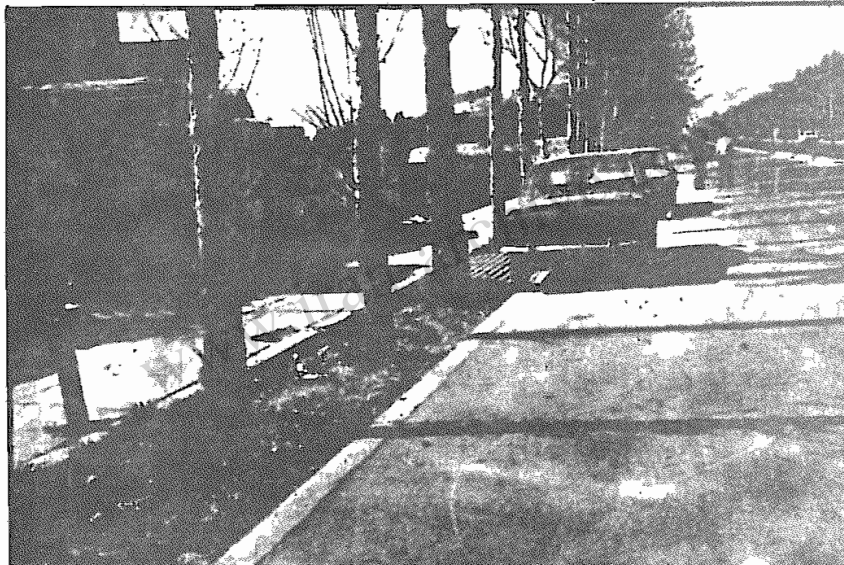
به سهرهای دیگر فرساده‌اند که با تحقیقات بی‌سربار اربان آدرس و محل کار آنها مشخص شده است.

اینک مشروح ماجرا

در اوچر دی ۵۹ یکی از برادران به نام "محمودمر" که در کمک‌رسانی به حسک زدگان فعال بود، و به همین دلیل به خوابگاه محل سکونت آنان رفت و آمد داسه است توسط یکی از افراد سپاه سه نام محمدتقی معینی ساسانی شده و یکی دومربه این شخص

خاصی امن مذکور و اسامی تعدادی از شکنجه‌گران سد.

در ماجرای اخیر یکی دیگر از برادران را در سیرار رسوده و در منزلی، که بعداً معلوم شد همان خانه‌ی امنی است که برادر علی محمدفائق را در آن شکنجه داده و سوزانده‌اند، مورد شکنجه و ضرب‌وسنم قرار می‌دهند. این برادر در فرصتی مناسب از غلبت شکنجه‌گران استفاده کرده و از طریق باغی که در مجاورت منزل بوده موفق به فرار می‌شود و بدین ترتیب خانه‌ی امن مذکور و اسامی



کسولگری سابق آمریکا در شیراز که در حال حاضر به عنوان مرکز واحد تحقیقات سپاه در سیرار بقی هدایت و رهبری کننده‌ی خانه‌های امن در شیراز را معبده دارد. گویا لادهای حاسوسی آمریکا مارهم باید لاسدی جاسوسی و شکنجه بر علیه فرزندان پاک‌خاندان اسلامی خلق ایران باشد. بیگان سورمهای رنگ مقابل این مرکز همان اتومبیلی است که بوسیلدی آن برادر محمود میر را از حیایان رسوده و به خانه‌ی امن برده و شکنجه کرده‌اند. شماری اتومبیل ۷۱۳۹۲ - تهران - ب

تعدادی از شکنجه‌گران مشخص می‌شود.

این خانه متعلق به واحد اطلاعات و تحقیقات سپاه پاسداران سیرار بوده و افراد آن نیز همگی از افراد سپاه پاسداران بوده که علاوه بر حاکمیت حرب حاصداران جمهوری بر اس ارکان برخی از همان پاسداران نیز بطور مشخص با این حزب در رابطه هستند. لازم به توضیح است که بعد از فرار این برادر از آن خانه ولورقی آدرس آن، به دستور مقامات بالای سپاه این خانه تعطیل شده و در حال حاضر به صورت مسکونی معمولی درآمد‌هاست.

یکی دونفر از شکنجه‌گران را نیز که هوبت آنان مشخص شده بود

مرحس در این کوسنی خود بر موقع نمی‌شوند و با سکری، موضوع به بهران و دفتر ریاست جمهوری کسبیده می‌شود.

دفتر حقوقی ریاست جمهوری این برادر را به برسکی نابویی معرفی می‌کند و برسکی نابویی بر بعد از معاینه وجود آثار سوحنکی ناسی از آس‌سیگار را نشاند کرده و می‌نویسد:

حال که بعد از ن ماه به اصطلاح تحقیق، "هشت بررسی سابعی شکنجه طی کزاری اعلام کرده‌است که هیچ‌گونه شکنجه و ضرب و سم و نفوربه سوزاندن یا آس‌سیگار را در رندارها و مراکز تحقیق و باروحونی مشاهده نگرده‌است و ار آجا که با رفاحب تمام معاهدس را به "خودرسی" و "خودداع" مهتم نگرده‌است لازم دیدیم ما بر سنجهی یکی از تحقیقاتمان را در ناردی یکی از مراکز شکنجه و خانه‌های امنی که فرزندار این مردم در آنها شکنجه می‌سیرد، شمراه با اسامی و مشخصات شکنجه‌گران این خانه‌ی امن مسیر کسم.

سابقه‌ی ماجرا

در سربهی مخاحدسماری ۱۳۷ اسناد و گزارشات مربوط به رسودن یکی از برادران کارکرمان به نام علی محمدفائق را در سیرار مسیر رسودم. در آن گزارش کفسم که:

در تاریخ ۱۲/دسماه ۵۹ ساعت ۹، این برادر را در حالی که از منزل معاهدسهد مسرس رسیس خارج شده و درکار حیایان، مسطر ناکسی بوده است، به وسیلدی یک ناکسی رسوده و بعد از صرخای که به سرس می‌رسند جسم‌سند به خانه‌ی امنی رسوده و درآجا ضم باروحونی های مفصل که شمراه با ضرب و سم بوده ار وی نام و آدرسی دوسناس و همحین محل‌های رسود معاهدسسی را می‌سرسند.

"ریاست محترم دفتر حقوقی ریاست جمهوری عطف به نامه‌ی ۲۱۸۵۱ - تاریخ ۵۹/۱۱/۱ آقای علی محمدفائق معایند شده و به ترح ریر اظهارظر می‌شود:

در رست دست چپ‌وراست و سیه جراحات درحال التیام متعدد مدوری که شباهت به اثر سوحنکی ایجاد شده و در اثر تماس جسم سوزان یا قاعده‌ی مدور نظیر سیگار یا مشابه ایجاد شده است..."

از آن زمان تاکنون برادران ما در سیرار در حسنجوی عاملین این جنایت بودند در همین هنگام مورد مسانه‌دیکری پس آمد که باعث افشای

سکجه‌گران بعد از آنکه با مقاومت این برادر مواجه می‌شوند با آس‌سیگار شروع به سوزاندن بی و بدن او رسوده و سرانجام با آس‌سیگار عمارت "زنده‌باد جنبی" را بر دست او حک می‌کنند. و او را که به حال اعماء افشاده رسوده در اطراف باناکوهی رهایی کسند. برادر علی محمد فائق بعداً به اسناداری مراجعه و سگاب می‌کند ولی در آجا محفمانه به سپاه پاسداران حمری دهند، او را به سناه برده و نه بهدند وی می‌بردازند که از سنگسری ماجرا مصرف رسود.

دستگاه قضائی، هرج و مرج یا غرض و مرض؟!

نگاهی به ماجرای دستگیری اعضای دفتر هماهنگی "ازنا"

دستگاه قضائی وضع حاکم بر آن یکی از وجود بارز آثار و ناپیچ حاصل از سلطه‌ی انحصارطلبانه‌ی ارجاع برارگان کشور است. مرتجعین در جهت نهمیم و کسیرس حاکمیت غاصانه و غیر مشروع خود، فوهی قضائیه را به کلی از اعتبار و حیثیت انداخته و آن را نا حد حمایتی برای سرکوب مخالفین و از میدان بدر کردن رضای خود نازل داده‌اند. این دستگاه با آنجا که مربوط به جزایم غیر سیاسی می‌شود مجموعه‌ای است بر اثر تضاد و تناقض و هرج و مرج و دریک کلام سمبل بی‌فایونی که البته در احکام خویش تابع بسیاری ملاحظات نظیر بول و مقام و موقعیت اجتماعی و سبب‌های خانوادگی و وابستگی‌های صنفی و ... می‌باشد، از این رو جری را که در یک جا با اعدام و سرباران کبفر می‌کنند، در جای دیگر و با در همان دادگاه و درباری سخن دیگر با چند صریح سلاق، اخذ حرمه‌ی نقدی، مدنی حبس و یا خلق لباس می‌سوند! ... که نمونه‌های آن را هر کس فراوان سراغ دارد.

اما آنجا که دستگاه قضائی وارد قلمرو مناسب می‌شود، وضع به کلی تغییر می‌کند، در اینجا دیگر نه با یک مجموعه‌ی بر نصاد بلکه با سیستمی که دارای "حساب و کتاب خاص خودی" است روبرو می‌نمایم. که در عین حال دو چهره‌ی متفاوت دارد. یکی چهره‌ی سستی و سخت و بی‌قانون و ساکت و صامت که از مثال میل دهها نفر، سنگسار و صدم و سحر نه بعضی عضو صدام و هزارها نفر و ناسال سن حقوق فابوسی و طبعی مسلمانان غیر بی‌اعتنا می‌گذرد.

چهره‌ی دیگر کاملاً برجسته و جوی و متعال است و مورا را ماسد می‌کند. و اما چهره‌ی اول دستگاه قانون و قضای ارجاع را مردم نه انداره‌ی کافی در مدت دو سال و نیم سن از انقلاب دیده و ساخته‌اند که حظور هیچ سوچیی نه حیانات حاکماتاران که شمعی لعلک را عرصه‌ی ناخوب و نارود کرده و چون دهها سکنه را نه رمی برچند بگرد و علیرغم آنکه چهره‌ی بسیاری از قانون سناخته شده هستند، حتی رجهت ارجاع برای ادای بویضایی را هم به خود و آنگاه بپردازان چهره‌ی دوم ارجاع را هم مردم بعد از واقعه‌ی ۱۴ اسفند

نویسن به مقامات! ما سلاق و رندان و ... کفر دادید! علی ای حال اسدا حجاب‌الله فرج و سس ناصر دهقان در رندان جهت اغراض نه نازدست عرفابوسی خود و رسدگی نه بروده‌سان دست نه اعصاب عدا ردید و اس همان هنگامی بود که ارجاع نه دروغ برای اعصاب عدا نایی سندر و هم‌رماس نهغه می‌دراند و "طنعا" سوچیی نه انکونه امور نداشت. البته عدا نا طولانی سدن اعصاب عدا و ناربات اجتماعي آن، دادسانی فول رسدگی مجدد داد واعصاب عدا سکنه سد، بقیده در صفحه‌ی ۳۴

قضائی (دادسانی انقلاب) فی‌القور وارد ماجرا می‌شود و سس از اعضای دفتر نه نام های‌حجاب‌الله فرج، ناصر دهقان و کچی را نه اتهام سرک در نظاره‌ات دستگیر، محاکمه و آن را از رنگ نا سه سال رندان در رندان‌های مختلف کشور (گرمان و برد و اصفهان) محکوم می‌کنند!

البته اس فاطمیت و سرعت دستگاه قضائی در حسن مواردی سابقه دارد مسئله نار در حران ناردد و سحرانی آتای رفسحانی از بوسرگان حرانات مساهی ابقای افناد که در آنجا هم اسخاصی را نه حرم اخلال در سحرانی و

نویسهای است که مدعای فوق را بحوسی سنان می‌دهد، ماجرا از اس فرار است که: مدنی بیس هاسی رفسحانی برای نارددی نه "ارنا" می‌رود، در آنجا مردم کوسا استقبال حوسی از وی نمی‌کنند و حتی یک عده‌ی حد‌هزار نفری در سهر نه راه می‌افند و بر علیه وی و حزب حاکم سعار می‌دهند.

از آنجا که خاطر ارجاع و خاطر آتای رفسحانی اراس عمل حلی رنجنده بود! و اس آتجا که اس قصه را ربر سر جریان رفسب که در "ارنا" نه صورت دفتر هماهنگی نبود دارد می‌دانسد. دستگاه

دستگاه نه حوسی دیدند که دستگاه قضائی نا چه فعالیت و حوسی و حروسی وارد میدان سد نا موج را سرگرداند و آنجه را که در سدائی دیگر ناخند بود اینجا سن بگرد! نه عبارت دیگر حائی که احقاق حق مطلوبان و سمدندان در سن ناسد، دستگاه قضائی کور و کر و لال و جانی که نای اجادی ارجاع و وصول مطالبات ناخون آن در کار ناسد آنجان سحکیر و سحکوس اس که سنا و سینی!

ماجرائی که در رایحه با دستگیری و نعتب "فابوسی" سه سن از اعضای دفتر هماهنگی همکاری‌های مردم با رئیس جمهور (در ارنا) بیس آمد

اندر بیانیه به اصطلاح مجاهدین بعد از انقلاب!

آنان اس "آزادی" نسکس سنا و مجداسان ناد! خلق ما "آزادی" را کدائی نمی‌کند آن را نا سربلندی تمام ندست می‌آورد.

حالت اسکه حضرات دادسانی و سایر مقامات نه اصطلاح مسئول که علیرغم موضع کبری صرح مجاهدین خلق در مورد اطلاعاتی ۱۰ ماده‌ای مرتبا عنوان می‌گردید که هنوز مجاهدین خلق مواضع خود را روس نگرده اند هیچ وصف اساره‌ای نه گروه فالابری فووالدکیر نگرددند و از آنها نجوا سید که مواضع خود را در مثال اطلاعاتی مرور روس سارند!!

دعوا نه بر سر مسئله خلق سلاح که می‌الواقع بر سر محدود کردن آزادی‌ها و سروه‌های انقلابی و خصوص مجاهدین خلق است!

و کر نه کسب که ندادند که "مجاهدین خلق" نه رماسی که مسلح بوده‌اند کتوله‌ای حر در سنندی مستاران و مردوران آمریکائی و دشمنان مجاوز سلیک کرده‌اند و نه اگر هم بر طبق سسپه‌اسانی با نعتب عطفی رنسن جمهور در احترای کامل فابون اساسی سلاح‌های خود را تحول دهند، در مقابل کری و سسم ساکت جواشند سست.

دیربر از محدس بوده‌ای و اکثریی خود نه اطلاعاتی ۱۰ ماده‌ای ظاهرا "کردن نهاده" اند بیز جای نامل دارد. انکار که حسی ناری نه ظاهرساری هم نداشت و لرومی به پدیرس رسمی فواین خود ساخته بود نمی‌دندند.

آنجه قطعی نه نظر می‌رسد اس است که حضرات، سن از انتشار نامی "مجاهدین خلق" نه ریاست جمهوری - که طی آن در ارتباط نا مساله‌ی خلق سلاح نه وضعیت اسن گروه اساره سده بود- سوی هجل افنادند و برای ظاهرساری هم که سده دست نه انتشار اس بناسه زده‌اند!

نیرو استقبال حرب بوده و گروه‌ناده‌ی اکثریت و گردانندگان سربه‌ی امف از اطلاعاتی ۱۰ ماده‌ای نه اصطلاح دادسان انقلاب، کسروه موسوم "مجاهدین (بعدادر) انقلاب" سر طی بنامی سماره‌ی ۹۳ خود "با ساس و سادی فراوان" از اس اطلاعاتی استقبال کرد! الحق که "ساه" کارها و "فابوسی" سراسی‌های عرفابوسی دادسانی انقلاب را ریبسته همان نه که از باجه‌ی محدس فووال استقبال کرد!

البته اس مساله که ندد صلح و باروری نظامی حرب حاکم که خود را ساران سیاسی-نظامی می‌داند و سلاح‌ها و تجهیزات سنک و سکنس فراوانی هم در احصار دارد، حکونه ممکن است س نه ضابطه و فابور و مقررات دهدند، خودس جای بردسد و اتهام است. خود حضرات "مجاهدین" سن از انقلاب در بناسان می‌نوسند که: "نه وزارت کشور مراجعه و نه ضوابط آنها کردن نهاده اند! حالا اسکه در مراجعه‌ی آنان نه وزارت کشور سن "برادران"! حسه کدسه است و مساله‌ی سلاح‌ها و تجهیزات سنک و سکنس اسن گروه چه سده است و نه سر سراسن‌های اسن و نه معاین‌های عصب سده‌سان چه آمده‌است ... حرو "اسرار نکو" سب و احصالات درک سست برادران نا دادسانی انقلاب و مسئولین وزارت کشور همی اسن مسائل نا خیر و حوسی فاصله نافته است! ناره خود اسن موضوع که سردمداران اسن گروه حلی

اما یکدی آخر و جالبتر از همه اسکه حرب حماقداران موسوم نه جمهوری که بدون سک سرده‌اند! اس در سظم اطلاعاتی ۱۰ ماده‌ای دادسان نفس اساسی و نعتب کسده داسه و از فضا اسن اطلاعات را سها‌های برای سرکوب سروه‌های انقلابی بوسرند، مجاهدین فرار داده‌اند، معلوم سست حرا ناگسون خودسان (بعنوان یک حزب) موضع خود را در مثال اسن اطلاعاتی مشخص نگرده‌اند؟! کونا حضرات مسد فراموس حزب‌بازی خود را فراموس کرده و اسن بار خود را سها در موضع دولت و حاکمیت دنده‌اند و از باد برده‌اند، که دکائی سیز به اسم حزب دارند و باید جوابگوی آن سیز باسند!!

و کسب که ندادند که سوبر ارجاعیون مورد بحث و برادر بررکسان یعنی حرب حماقداران موسوم نه جمهوری نه سها بر دادسانی انقلاب که بر تمام ارکان‌های مسلح حاکمیت، سوارند و استقبالان از اطلاعاتی ۱۰ ماده‌ای هم حره، فرار از یک خود ترسی احفانه سست؟ بناسه‌ی حضرات در عین حال که بناسی به سها‌های حکومت درس "فاطمیت" و "نهام" و "سرکوب" و دریک کلام فالابری می‌آورد، در اسها خطاب نه "همی گروه‌هائی که همور هم فراد و آزادی سر می‌دهند و سهاو نه راه می‌اندازند"، "خاطرسان" می‌سارند " که اسن هم آزادی!"

براسی که "آزادی" ارریان کسائی که وجودسان سرسار از "سرکوب" و "نهام" است چه بی‌محبوا و بی‌ارج می‌شود. نه اسن حضرات باید گفت که

ناز هم جای سکنس نائی اس که نام‌های اجرام (مجاهدین) افلا اس ناسر را داسه است که فالابره‌ای سوبر ارجاعی فووالدکیر را وادار نه ندرس (هر چند صوری) ضوابط و مقرراتی کند!

آخر گروه هفت‌سرنکی که در ابتدای اعلام موجودیت خود اعلام کردند که نا محالسن سنایی و فکری حرب، مسلحانه برحورود می‌کنند اسنادسن احتانات حصی خود را نا راسده‌ی ناکی و مساحسر جانسان هم نا کتوله ناسح می‌دهند و مثل آب خوردن بوی کوچه و حیابان و رندان آدم ررور می‌کنند کجا و سسرس ضابطه و فابون کجا؟

البته در بین همی اسن بازی‌ها و اطلاعاتی ۱۰ ماده‌ای سسار دادن‌ها و بناسه‌ی سماره‌ی ۹۳ جواب دادن‌ها و ... تمام

خرداد ۵۸، اولین اعتراض سراسری علیه امپریالیسم آمریکا

به دعوت مجاهدین خلق ایران

از سال ۵۱ به بعد، علیرغم همه فشارهای حیثی رژیم شاه و علیرغم تمام دستگیری و شکنجه و بد اصطلاح "تکمر و بسند"ها همه ساله مراسمی در "جهانم خرداد" و به نام "سپه‌های یسار و یسارکندار" محاذ خلق اگر چه در حفا و با حسی در رندان برگزار می‌شد.

سزای از عیلتاب صدامربالسی سارمان مجاهدس بر در سال‌های گذشته در این روز صورت گرفت اما بحسب مراسم "خرداد" بعد از سروری انقلاب مقنوم و مصوم دیکری داب امربالسم آمریکا که ناندهای قدرت ساسی اس در ابر انقلاب سکوهمد ۲۲ بهمن در خم ترو ربحه بود در صدد بود تا بهر نحو ممکی چه از طریق نظم و فرس و با ارتاب و بنیدند آب رفه را به حوی بارکداند و ناسع نمصف ساراب صدامربالسی خلق سؤد. در این رابطه اعدام مردوران اسربالرم و صبهوسم بوسط دادگاه‌های انقلاب، که در آن زمان هسور از حبب اصلی خود سحرط سده و تکسره دربول حرب اربحاعی حاکم در ساند و بصورت ارباری تلسااصل برس انقلابسوس اس سبب اسخالد سده بود، آجان حسم امربالسم‌ها را بر اکتج که سنی آمریکاسلد سبایدک ساند صبهوسم سنام جاکو- جاوس سداس اعدام دادگاه‌های انقلاب ایران رسنا حمله کرد.

سارمان مجاهدس خلق ایران سدسال اس ناخرا طی اطلاع‌های سنامی مردم سببمان را برای اعتراض به امربالرم آمریکا و بر حجاب از دادگاه - های انقلاب دعوت به تک راهسمنای اعتراضی سراسری کرد. سدسال دعوت عمومی سارمان افسار، کزدها، احزاب و جمعیت‌های کوباکوبی در سراسر کشور به آن سوسند و سدس برس اولس اعتراض و ظاهرات سراسری تلسه امربالرم آمریکا بعد از

که با اعلام مراسم حدگان و السد تک روز رودس (سوم خرداد) سعی کردند با اسفال روز مراسم از اسوهی جمعیت نگاهند و سدس برس حاضر سدس بخاطر سافع اربحاعی و حربی خود صفوف خلق را سده سده کسد.

اما براسی بقطعی اوج و سور اس مراسم هیکامی بود که سنام بدرطالقانی به ساسب ۲ خرداد با صدای خود اسان بحس کردند. فرارهایی از اس

انقلاب دعوت و اسکار محامدس خلق عورت کرس. السد مرجمس مابند همسد و ساند حصصدی بقاواکتفاسا، سعی کردند در اس مراسم شم‌احلال کسد. حضرات وشی که با اسعمال وسم و کسره از دعوت محامدس سزای راهسمنای صدامربالسی در ۴ خرداد بواجد سدس و بحصوص وشی

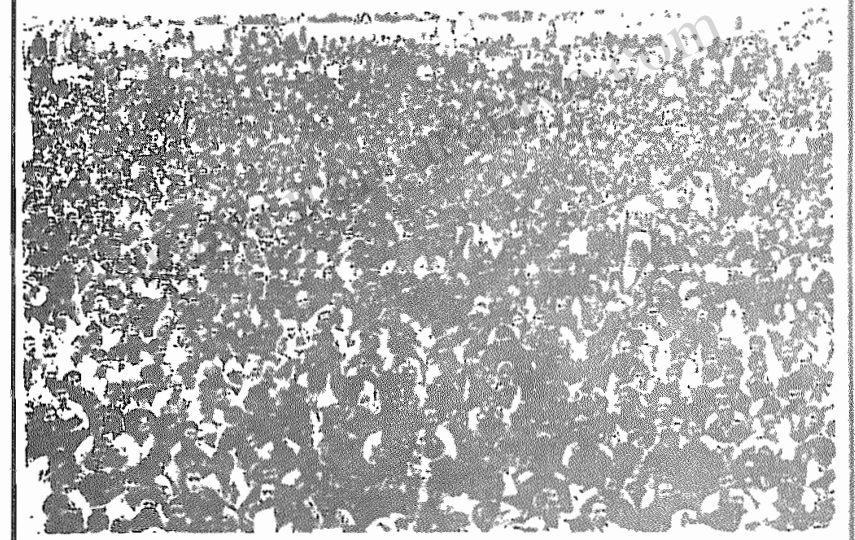
رحوی سحرانی کرده و در خامه بر قطعنامه‌ی راهسمنای و مسبک صدامربالسی ۴ خرداد فرائث سده و به بصوت سرک‌کنندگان در مراسم رسد.

سور اس مراسم هیکامی بود که سنام بدرطالقانی به ساسب ۲ خرداد با صدای خود اسان بحس کردند. فرارهایی از اس



۵/ خرداد/ ۵۸

تظاهرات عظیم در سراسر ایران علیه امپریالیسم آمریکا



گروهانی عظیم سازمان مجاهدین خلق ایران، بمناسبت بزرگداشت شهدای یسانگداران سازمان و اعتراض به سناهی آمریکا

سنام بارحی بحس اس: " سوکسد به شاه‌دان بروده‌جا ... حایتکاران بروده‌های خود را دارند. همه کواهند که اصحات اخدود کشته سدس. هاسبا که در تاریکی سلول بدن‌هایشان سوخته سد، تیارهای شکجه بر بدن‌هایشان ماند ... و در زیر شکجه و تیده‌ها و دره‌ها خون یاکتان به زمین ریخت. خون‌های یاکی که قلب ملت را خونین نمود ... اکنون هاسبا که ملت‌ها و ملت ما، ملت فلسطین و ویتنام و آفریقا را بخون کشیده‌اند برای مزدوران و مزد - ده‌های خسود نالسه سر می‌دهند ... "

بخاطر سنا-اصولی (!!) خود سسی بر ابحاد (!) همدی برسوهای صدامربالسی (!!) از همگان دعوت می‌کند که در سسرهما و مهل‌های اعلام سده برای راهسمنای و مسبک از طرف حرب جمهوری اسلامی سرک کسد. علیرغم سنامی بلاس‌های برسجمس دعوت مجاهدس با اسعمال برده‌های مردم و برسروهای سنامی مواحه سد. احزاب و جمعیت‌های معددی اسر دعوت را احاب کردند و سدس برسب مراسم سکوهمد در نارب جزابه برگزار سد. در این مراسم صم فرائث سبام‌های احزاب، سارمان‌ها و جمعیت‌های سرک گسده، براندز مجاهد مسعود

احساس کردند که سرک کردسان باعث رمواهی آنها خواهد بود. سدسل سنا-اصولای در صدد خلق اتبادن از اس حرب بآندسد، سدس برسب

خواهند زد. این راه پیشی می‌دهم که سنا-اصول و سدس خصصتبه سنی آمریکا و سدسات هدی امربالیسم جهسناخرا و صبهوسم بین‌المللی در امور داخلی ایران برگزار می‌شود. مضادف با سالگرد سنا-اصول بنانگداران سازمان مجاهدین خلق اس که در عین حال بمتوان بروز اعتراض سنامی آمریکا نیز در نظر گرفتند. اس.

- اسامی نعدادی از احزاب و جمعیت‌های شرکت‌کننده
- جنبس انقلابی مردم سلمان ایران (جاما)
- نهضت آزادی ایران
- حببه ملی ایران
- پرسنل نیروی هوایی
- جمعس از سربازان، کارمندان، درجه‌داران، هسافران و افسران سلمان و انقلابی نیروی هوایی
- کارکران کروه صنعی ربا - زامناد
- کارکران جهان حبب
- انحادبسه‌ی عمومی داسحوبان فلسطینی - سعبهی اسران
- کانوس فرهنگی خلق عرب ایران - بهران
- حامه‌ی روسنفرکان بهودی
- فرهنگیان بحس ۵ بهران
- کارکران کارخانحاصنعی و ساسیاسی بونان
- سورای موسس مرکزی انحادبسی سراسری کارکران بروره‌ای و بیکار
-

سدببال فرائث سنام‌های احزاب و جمعیت‌های سرک‌کننده برادر مجاهد مسعود رجوی به سخن بردا ح که فزاهانی از آن بحس اس: " اجتماع امروز ما دیگر یک مراسم خاص نیست، مراسمی که مربوط به یک گروه یا سارمان خصوصی، بلکه مربوط است به تمام مردم و تمام نیروهای صداسنمار ... تبه‌های امروز نبر موقعی که از زندان اوین آنها را به میدان چینگر می‌برند. فریاد آنها سکوت سمدس را از هم می‌درید و چین طمین انداز بود که: " الله اکبر، اسلام پیروز است. شاه خاش نابود است. " " الله اکبر، اسلام پیروز است. آمریکا نابود است. " می‌داید اگر انقلاب مثل یک رود حروشان به جلو حرکت کند، حتما به عقب باز خواهد گشت، از درون خواهد پوسید و زنگ خواهد زد. چرا که در کار جهان هیچ توقف و درنگی مطرح نیست. اگر پیش ترویم سرنانجام معنائی جز این نخواهد داشت که به عقب باز خواهیم گشت. " بعد از پایان سخنرانی برادر مجاهد مسعود رجوی قطعنامه‌ی راهسمنای و مبتبک ضدامربالیستی ۴ خرداد قرائت بقیه در صفحه‌ی ۲۹

اطلاعات ۳/ خرداد/ ۵۸

امروز و فردا، میبونهس در سراسر ایران، علیه امربالیسم آمریکا و سدسات های بی‌رویه و دور از منطق سنی آمریکا در شور داخلی ایران، دست به راهسمنای‌های عظیم می‌زنند. چنانکه از سببها و پیام های احزاب، جمعیت‌ها، گروه‌ها و سازمان‌های مختلف نبرمی‌آید، طی امروز و فردا، تنها در تهران، بیش از ۲ میلیون زن و مرد و بیر و جوان، دست به راه پیشی

متن پیام‌های نیروها و شخصیت‌های مترقی بین‌المللی به

برادر مجاهد مسعود رجوی

بمناسبت سالروز شهادت بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق

پیام گروهی از نیروهای مترقی آلمان

مرکزیت سازمان مجاهدین خلق ایران - مسعود رجوی
 ندس وسیله صمیمانه‌ترین تبریکات انقلابی خود
 را به مناسبت بزرگداشت نهمین سالروز اعدام
 بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق و دوس دیگر از اعضای
 سازمان را تقدیم می‌داریم،
 بی‌شک این خون‌ها تاثیرات بس‌گرانقدری در
 آنگاه ساحس بوده‌های مردم سما و جنبش خویش آن‌ها
 علنه ساه حجابکار که در آنها به بیروری حلفان
 انحامد داسه است.

سازمان سما در این دوساله پس از انقلاب با
 عدم سهدای بساری بواسط رودرروی ارجاع حاکم
 بر ایران بایسد و ما سرحد امکان از سقوط انقلاب
 جلوگیری کند.

آقای مسعود رجوی! در آنها ما برای شما به
 عنوان سمبل سسل انقلابی ایران و سازمان آن‌زوی
 رسیدن به فله‌های رفیع بری از مبارزه‌ی صدام‌پریالیسی
 خلق محروم ایران را داریم.

- دوسام ۲۵/۵/۸۱، ۴ خرداد
- ✱ پروفیسور کالسن کلیه پروفیسور رشته‌سیاست در دانشگاه برلین غربی
 - ✱ کمیته همبستگی با خلق ایرلند علیه زندان‌های اج - بلاک آلمان غربی
 - ✱ اتحادیه‌ی عمومی دانشجویان عربی لیبی در آلمان غربی و برلین غربی
 - ✱ حزب سوسیالیست سیلی آلمان غربی شهر بوخوم
 - ✱ دفتر سوسیالیستی شهر فرانکفورت آلمان غربی
 - ✱ دکتر دانی امر (عضو دفتر سوسیالیستی)
 - ✱ جمعیت بلاش برای ایران، آلمان غربی شهر فرانکفورت

پیام

اتحادیه ملی دانشجویان بحرینی

در آمریکا

برادر مجاهد مسعود رجوی

حند روز دیگر سالروز شهادت سهدای چهارم
 خرداد می‌باشد روزی که رژیم شاه جلا د به کنتار
 همکی رهبران سازمان مجاهدین خلق ایران دست
 رد ولی مجاهد مسعود رجوی از کادر رهبری از
 سلول‌ها و شکنجه‌گاه‌های درخیمی ساواک، به‌دست
 بروان خلق ایران بیرون آمد، برادر رجوی در
 ادامه‌ی راه بنیانگذاران در حال حاضر رهبری
 مجاهدین را برای ساختن ایرانی انقلابی و
 دموکراتیک به عهده دارد. مبارزه و نبرد دائمی و
 مسمری که از میان انبوه سخت‌ترین و مشکل‌ترین
 مسائل عبور کرده و می‌کند. در این روز ما
 درودهای انقلابی خود را به سازمان مجاهدین
 خلق ایران و رهبری آن و برادر رجوی به خاطر
 نفس انقلابی آن‌ها و هم‌چنین به خاطر نقش آن‌ها
 در نسب بوده‌ها می‌فرسیم ما هم‌چنان بیشترین
 حمایت و سهدیر خود را از انقلاب ایران و
 دساوردهای انقلابی آن اعلام می‌کنیم، انقلابی
 که پایه‌های محکم‌ترین پایگاه امپریالیسم آمریکا را به
 لرزه انداخت، با دوردهای انقلابی

پاسخ برادر مجاهد مسعود رجوی به پیام‌های

شخصیت‌ها و نیروهای مترقی بین‌المللی

سام خدا

سام خلق‌های تحت‌ستم جهان

و دوسامی خلقی ندتسامی:

تخصیص نای والا مقام، اساتید و دانشمندان،
 دانشمندان، وکلای و حقوق‌دانان، روحانیون مبارز
 سیاسی، دانشجویان، روزنامه‌نگاران، مطبوعات،
 احزاب، اتحادیه‌ها، سندیکاها، سازمان‌ها، گروه‌ها،
 کسب‌وکارها، انجمن‌ها و همکاران مترقی مبارز و
 انقلابی که از سراسر جهان پیام‌های تبریک و
 تسلیت خود را به مناسبت چهارم خرداد سالگرد،
 گرامیداشت خاطره‌ی شهادت بنیانگذاران و دیگر
 شما رهبر سازمان مجاهدین خلق ایران به عنوان
 مناسبت و کادر رهبری سازمان ارسال داشته‌اند.
 سس وسیلند از جانب خود، کادر رهبری و
 سس مبارزان، برادران مجاهد صمیمانه‌ترین تشکر
 سبشاردن را اعلام می‌نمایم.

مدن تک پیام‌های محبت‌آمیز و افتخارآفرین
 شما که به مناسبت ۴ خرداد ارسال داشته‌اید بیانگر
 این است که شما برای آزادی انسان از قید هرگونه
 سس استعماری و سیاسی قائلید. چرا که چهارم
 خرداد روز شهادت بیست‌تازان انقلابی نسلی سو و
 برتران در ایران است که متعل فروزان انقلاب را در
 سس‌های سیره‌ی این خلق برافروختند و با سلاح جان
 در میدان شهادت به مصاف نابرابری‌ها شتافتند.
 رهبران آن، مجاهدین خلق و میلیتاری
 سس سیر امروز در فدا چون دیروز سر فراز این
 برده‌ها ایستاده‌اند تا با هرگونه استبداد، استعمار و
 سسار به سر شتکل و ما هر لباس که باشد بستیزند.

س و دیگر خواهران و برادران مجاهد همواره
 شانه‌های حمایت‌ها، همدردی‌ها و تلاش‌های شما در
 مان از آرمان‌های انقلابی سازمان و این نسل
 برنده بوده‌ایم. در دوران سیاه شاه مدفون که ما در
 سساحه‌ها، شکنجه‌گاه‌ها و میدان‌های تیر و اعدام
 رسیم شما نریاد اعتراف خود را به‌گوش جهانیان
 رسانیدید و ایک پس از انقلاب شگوه‌مند خلقمان
 سس در هر گناه این سازمان را که با پذیرش
 قساص‌های سیار رسالت دفاع از حریم آزادی و
 حقوق اساسی و دموکراتیک و میراث‌های گرانقدر
 انقلاب را به دوش کشیده در معرض تهاجم و تجاوز
 دید استقامت گردید، حمایت نمودید و پیام
 سس‌تان رسانیدید.

وقت است که در اینجا بار دیگر به خاطر
 سس‌های تلاش‌ها سیاست‌گذاری کنم. و به شما نوید
 سس‌م که این فریادها هرگز بی‌ثمر نخواهد ماند و در
 تاریخ انقلابی ایران معاصر فراموش نخواهد شد.

با درودهای انقلابی
 برادران مسعود رجوی

۱۰/۱ خرداد/۶۰

به مناسبت سالروز شهادت سبشاردن
 و اعضا - مرکزیت سازمان مجاهدین خلق ایران،
 سازمان‌های کارگری، احزاب، گروه‌ها، شخصیت‌های
 مترقی و فدائیمیرالست از کشورهای مختلف سس
 پیام‌هایی خطاب به برادر مجاهد مسعود رجوی
 کادر رهبری سازمان ارسال داشته‌اند
 در شانه‌های قابل تها موس به درم سس
 ارامضا‌های این پیام‌ها شدیم. داس سس
 سرحی از آنها را از نظر سس می‌گذرایم.

پیام حزب سوسیالیست فرانسه

مجاهد خلق مسعود رجوی

ماگرانی ذات خاطره‌ی آسانی که سس
 بره‌زری سسالت و آزادی سسارده شرسد، سس
 سوسالست داسه از سما مسعود رجوی سس سس
 درودهای اس حزب را به اعضا - سسارده و مبارز
 سهدای ۴ خرداد سسارده:
 حزب سوسیالیست فرانسه سسروا سس‌اللس

پیام طرفداران

جنبش چپ انقلابی مبر در انگلستان

مسعود رجوی و کادر رهبری سازمان
 بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق ایران سس
 سوده که راه را برای سسارده سساحه سس
 امپریالیستی کموند. ما سالروز سس
 بنیانگذاران را به سما سسرتک می‌گویم، سس
 خون سما رهبران اناهه ده‌سار براسس راه
 بنیانگذاران می‌باشد. سس سس ما سسارده
 ایران در ادامه‌ی سسارده‌ی اعلام‌سار حجاب سس
 ۱۲ ما به ۱۹۸۱

پیام اتحادیه‌ها و کمیته‌های

فلسطینی، عرب و السالوادور

در نورمن اوکلاه‌ها

مجاهد مسعود رجوی:

ما به مناسبت ۴ خرداد مصاد ۱۰ سالروز
 شهادت بنیانگذاران سازمان برافروختار مجاهدین
 خلق ایران به دست شاه حاس را به خلق بی‌سار
 ایران و سسارده‌ی سسل انقلابی‌سان سازمان مجاهدین
 خلق ایران و بخصوص به مجاهد مسعود رجوی به
 عنوان سسها یادگار باقی‌مانده‌ار سساردار سسب
 نه‌نیت می‌گوئیم. ما به سسارده مسعود رجوی به سس
 به خاطر مقاومت‌های فیهربانامی او و سس
 سسرماس در طول نسکی از سسارده‌ی دوران سس
 ایران بلکه به خاطر اس که آن حرکت سسرتک
 انقلابی که آن‌ها سسوج گردید امروز از سس روز
 دیگری برسکوه‌س و برده‌س سسب رهبری او و
 دیگر سسرماس علی‌رتم سس‌های سسارده‌ها
 ارجاعی به سس می‌نارد سسرتک می‌گویم.

- ✱ اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطینی سسارده
- ✱ اوکلاه‌سسی
- ✱ اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطینی سسارده
- ✱ نورمن اوکلاه‌ها
- ✱ کمیته برای فلسطین دمکراتیک
- ✱ سازمان دانشجویان عرب
- ✱ کمیته همبستگی با خلق السالوادور

۲۳ مه ۱۹۸۱



متن پیام‌های نیروها و شخصیت‌های مترقی بین‌المللی به برادر مجاهد مسعود رجوی

تلگراف نوری البلاء دبیرکل انجمن فرانسوی دوستی و همبستگی با خلق ایران

مسعود رجوی - کادر رهبری سازمان مجاهدین خلق ایران! امروز خود را در مراسم سالگرد شهادت حنیف فراد، سعید محسن، اصغر بدیع‌رادگان، بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق ایران و مجاهدین شهید رسول مسکین قام و محمود عسکری‌زاده که ۹ سال پس از بیس‌نای نسکون به دست رژیم جنایتکار شاه فریادی سدید همراهِ با سطا و دیگر

رهبران سازمان مجاهدین خلق ایران مهم می‌دانم و آرزوی موفقیت شما را در مسئولیت‌های سنگینی که در ادامه‌ی راه بنیانگذاران شهید و حقوق آریان‌های انقلابی آنان که حوس خلق ایران است، به دوس دارید آرزو می‌کنم.

نوری البلاء - دبیرکل انجمن فرانسوی دوستی و همبستگی با خلق ایران

۲۵ ماهه ۱۹۸۱

تلگراف حزب سوسیالیست فرانسه - استراسبورگ و چند گروه مترقی وضدامیرالیست دیگر در فرانسه

۹ سال پیش بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق ایران زیر رگبار گلوله‌های جنایتکاران شاه در بیس‌نای نسکون به شهادت رسیدید. شما که همواره بنواستناد اصالت و وحدت بهمنان را حفظ کنید و هم‌چنین در طریقی که بنیانگذاران برسم کرده بودند آن را گسترش بخشید و در طول ۲ سال اخیر بنواستناد در مقابل تحریکات محلیت حوس مسئولیت حوس را سنان بدهند.

۲۵ ماهه ۱۹۸۱

با ابراز سلبت حوس

فرانسسه - استراسبورگ
حیثی صدر ادرسی MART
فرانسسه - فدراستون برورس ملی (F.E.N)، فرانسسه
سدنکای وکلای فرانسسه

پیام جمعی از وکلا، روزنامه‌نگاران و استادان و نمایندگان کمیته‌ها و احزاب مترقی

آقای مسعود رجوی و دیگر رهبران سازمان مجاهدین خلق ایران.

۹ سال قبل در حین روزی بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق ایران با رنجبار کلوهی آدمکسان ساواک - ده خاک و حوس کسند سندن و حوس خود آغار انقلاب ایران را گواهی دادند. ما در زمان دیکتاتوری شاه احساسی حوسارس را افسه و محکوم کردیم و بر حوسجنیم که در حلوگری از اعدام سمانواستیم سهمی داسد با سسم حرا که سفا بنواستید در سرانطی سس دسوار اسالت وحدت حیثی حوس را حفظ کرده و آن را در ستر اصلی که بنیانگذاران برسم کرده بودند، سس برده و ازبفاء دهید و در طول ۲ سال گذشته سبب در مواجهه با احسان دنگری موفق گسند با احساس سدید مسئولیت انقلابی حوس از عکس‌العمل در مقابل تحریکات اخیراز مابند.

ما محدوداً سلبت خود را بدس مساب ابرار کرده با حلو سب موهبت سفا در سسبرد هرچه سسبر حیثی انقلابی و آراد سسبسان را که یکی از عوامل اصلی در جهت اسجاد آریانی صد امربالنسب، آراد، سسرو و مسفل با اسجاد سبای سسروجهای دموکراسیک می‌سند آرزو می‌کنم

* مسل سولار وکل حیثه آرای حیثی الحرار و سارمان آرای حیثی سلسطس.

* برنی بورکو سماندهی حرب سوسالسب در مجلس رسو - دسبرکل انجمن سس الطلی حابواده‌های زندانسان ساسی ایران در زمان شاه

* کرسسان بورکو عسو کسند همسنگی و دفاع از حلو بولساربو در سوئیس

* ماری لوئیس رئیس کسند سوئسی دفاع از زندانسان ساسی ایران در زمان شاه

* ماری فرانس اسمب لئ وکیل مرفی و سراسس فرانسوی

* سری فاکار وکیل مرفی و سراسس فرانسوی

* ران بل سسناد وکیل مرفی و سراسس فرانسوی

* علی مسلی وکیل مرفی و سراسس فرانسوی

* روزنان بویه وکیل مرفی و سراسس فرانسوی

* سلسس رد وکیل مرفی و سراسس فرانسوی

* آلریول لامس روزنامه نگار معروف فرانسوی

* سبرل روپول روزنامه نگار معروف فرانسوی

* دآسریکس آندرار د روزنامه نگار معروف فرانسوی

* بربر واوزیس روزنامه نگار معروف فرانسوی

* هوک فاره روزنامه نگار معروف فرانسوی

* ران لازسر روزنامه نگار معروف فرانسوی

* سسیرهالیواکس اسناد معروف دانسگاه باریس

* ران گودار کسبش مرفی فرانسوی

* زان کاردویل کسبش مرفی فرانسوی

۲۵ ماهه ۱۹۸۱

تلگراف نمایندگان کمیته F.M.L.N و F.D.R (السالوادور) در لندن

رفعا مسعود رجوی و کادر رهبری سازمان مجاهدین خلق ایران:

در بزرگداشت شهادت بنیانگذاران سازمان سفا متقدم که باید اسقام حیثی حسان را کرفب، که بهبرس راه آن مبارزه و سبرد برای حقوق اهدافی است که آن‌ها دسال می‌کردند یعنی:

ادامه‌ی مبارزه با بدسب آوردن حمانه‌های میسبی بر عدل برای خلق ایران.

خلق ما به سطح بالاتری از مبارزه‌ی خود در السالوادور رسنده است و برای رسدن به حیثی مرحلدهای فداکاری‌های زیادی سده است و عزم و محصم برای پیروزی سبائی، قوی‌ترین عامل حرکت انقلابی در السالوادور می‌سند و هم‌حیثی و وحدت بیروهای انقلابی و

هماهنگی آن‌ها و مبارزه‌ی آن‌ها بر علیه دکامیسیم و سکنارسم بعد با آرسی به اس سسرف بچسده است.

به عنوان سارطی که برای همان اهدافی مبارزه می‌کند که سفا می‌کند با سمام مواضع می‌خواهیم بگوئیم که سمام سارمان و حوس طور حمانسان از آن سسبب، در کمال حوس، سبهادت رهبران بنیانگذار سازمان سفا را حسان سلی عله خلق ایران می‌دانیم و اسدواریم حسحور همسده خلق سفا آن‌هایی را خواهد بروراند که مسئولیت رهبری مبارزه‌ی سفا را به عهده بکند.

بنابندگی حبهه F.M.L.N و F.D.R (السالوادور) در لندن

۲۵ ماهه ۱۹۸۱

پیام گروهی از نیروهای انقلابی وضدامیرالیست در آلمان غربی

کمیته مرکزی سازمان مجاهدین خلق ایران - مجاهد خلق مسعود رجوی درودهای انقلابی ما را به مساب فرارسدن ۲۵ ماهه به (چهار خرداد) شهادت بنیانگذاران صدیق سارمان مجاهدین خلق ایران سدنبرید، ۹ سال پس در حیثی روزی بنیانگذاران سازمان سفا همسره دوس دنگرا اعصای سارمان مجاهدین به دست عدال شاه حانس اس مردور امربالنسب‌های آمریکائی سرباران سدید. سرب سمان اس افراد و سار نیروهی ررمنده و حرکی ایران بر علیه دنگابوری شاه بود که راهکسای مبارزه‌ی صدامربالنسبی خلق ایران کردند و بدون سک اس حاساران سبم ارزنده‌ای را در برانداحس اسسداد نهلوی اسفا کردند.

اسک سفا (مسعود رجوی) به عنوان سبهارمانده‌ی اعصای اولدهی اس سارمان به همراه دنگر مجاهدین سنان داده‌اید که در طی اس دو ساله بدون سلبک حیثی سک کلوه و دادن بیس از ۵۰ فریادی بررگبری

بار مبارزه‌ی صدارحاعی - صدامربالنسبی را بر دوش کسده‌اند و در سب نه همین خاطر است که ارحاع حاکم بر ایران از هنج کوسی برای نابودی اس سارمان فروکار نمی‌کند. حنانکه سبهاراب سلسب امیر هواداران سمارا بر به حوس می‌کند. در اسها ما به عنوان سحسبها و سروهی صدامربالنسب آلمان عربی اس روز را به سفا و خلق ایران وسار انقلابسوان ایران سبرک کسند و آرزو می‌کنیم که بار هم سروزری‌های سسبری نصب سفا و مردم ایران کرد

دوسنه ۸۱/۵/۲۵

- ۱ - اسحادیه‌ی کارکران مراکی در آلمان عربی
- ۲ - اسحادیه‌ی کمونسب - های آلمان عربی
- ۳ - هسبب سحر سرندهی سسره‌ی آسویومی
- ۴ - دنگر لوربا، هاسرسس حبرکار روزنامه‌ی دی‌پوی
- ۵ - هسدماندهی آزادی بررک
- ۶ - هسبب سحر سرندهی روزنامه‌ی "ساک ساسوبک" ساحه‌ی هامبورگ

پیام اتحاد عمل سوسیالیستی

اسحادسه برای عمل سوسبالسسی به انقلاب ایران و سمام کسان که حان خود را در مبارزه علیه شاه فدا کردید منحصله سهدای مجاهدین خلق ایران درود می‌فرسند. آنها برای رسدن به حمانه‌ای که بر اساس سارهای انسانی ساسده اسد مبارزه کردند. اس مبارزه امروز هم ادامه دارد. و هرکوبه کوسس در حیث موهبت کردن آن و سارکوب آنها که ساررد را به سس می‌برند، سماند مورد اعراض واقع سود، همحس ساند با اعمالی که حیث وارد آوردن اسهامات گادب به افراد و منحصله به رهبران مجاهدین خلق می‌سود مخالف کردد ساند حقوق مجاهدین و رهبران آنها به عنوان سساران مبارزه علیه شاه و مبارزه‌ی صدامربالنسبی مورد احترام واقع سود اعمالی که حیث فریادی کردن رهبران مجاهدین و حاصان انقلاب اسحام می‌سود فقط به سفق امربالنسب خواهد بود و ساند با آنها مقابله سود.

۲۵/بند/۱۹۸۱

متن پیام‌های نیروها و شخصیت‌های مترقی بین‌المللی به برادر مجاهد مسعود رجوی

پیام گروهی از اتحادیه‌ها، انجمن‌ها و سازمان‌های ضد امپریالیست در هوستن

برادر مجاهد مسعود رجوی

به مناسبت چهارم خرداد که متصادف است با سالگرد سهادت سناکداران سازمان مجاهدین خلق ایران به دین ساه جانبگار، همسنگی خود را به خلق فهتمان ایران و حامدهی انقلابی معنی سازمان مجاهدین خلق ایران علی‌الخصوص برادر مجاهد مسعود رجوی به عنوان سنها جانبگار از سناکداران آن حسن انقلابی تاریخی که امروز به عنوان فصل مقاومت و انقلاب می‌باشد اعلام می‌داریم.

- * طرفداران انقلاب فلسطین (طرفداران الفتح) واحد هوستن .
- * اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطین ساحه جوس
- * کسبدهی همسنگی نا خلق السالوادور، ساحهی هوسن کراس
- * سازمان دانشجویان عرب ساحهی هوسن
- * کسبدهی همسنگی نیگاراگوئه ساحهی هوسن
- * انجمن دانشجویان آمریکای لاس ساحهی هوسن

۱۹۸۱/م/۲۲

پیام سندیکا و کلای فرانسسه و فدراسیون پرور ش ملی

مسعود رجوی و دیگر رهبران سازمان مجاهدین خلق ایران ۹ سال سن بسناکداران سازمان مجاهدین خلق رسر کلوله‌های جانبگار ساه در جلوی نای نیکون به سهادت رسدند. سنا سواسند رسالت و وحدت بیضمان را حفظ کرده و هم‌چنان در طرفی که بسناکداران آن را برسم کرده بودند اس بیضمان را کسرس دهنده. سنا هم‌چنین در طول دوسال اخیر سواسند در مقابل همدی تحرکات مسئولیت خود را بنام و کمال به دست کبرند. نا ابرار سایر از سناست سرکوبی که بر سنا روا می‌سرد برای سنا به عنوان عنصر اصلی اتحاد ایران صد امربالسنس، مسئول و آباد آرزوی موفقت می‌کنیم

پیام اتحادیه دانشجویان سیاهپوست و سرخپوست

ماه‌سماه مناسبت ۴ خرداد سربک عرس می‌باشیم روز ۴ خرداد نا دآور جسس جوسس و برحق بوده‌های ایران برای بدست آوردن حقوق حقهی خود می‌باشد. چهارم خرداد روز سربکداس سهادت بسناکداران سازمان مجاهدین خلق ایران می‌باشد که نا اسنار خون خود برحم سرح‌نام سوحند را بر افراسند، رهبران کوبی سازمان مجاهدین خلق ایران منجمله و علی‌الخصوص مسعود رجوی که بازمانده‌ی اولسن کادر رهبری می‌باشد سمرات‌دار آئین انقلابی سنانکداران سهدد بوده و ساسنهی جسس و بقدر می‌باشد. در حانمه ما درود خود را سنا سبلسبا و سمانی سل انقلاب می‌باشتم. چهارم خرداد به راسی عیدی منطبق به سمناسبت. * اتحادیهی دانشجویان سیاهپوست در ایوا سنی * اتحادیهی دانشجویان حی گانوه (مکزکی‌های امریکاتی لاتین و سر پوست امریکاتی)

۲۳ ماه مه ۱۹۸۱

پیام اعضاء و هواداران حزب دموکرات کردستان ایران در فرانسه

سارمان مجاهدین خلق ایران- بهران

سالروز سهادت بسناکداران سازمان را از سوی همدی اعضاء و هواداران حزب دموکرات کردستان ایران در فرانسه صمناسبت کرامی می‌داریم. سسکل سازمان مجاهدین خلق و به خصوص سهادت بسناکداران آن نقطهی عطفی در تاریخ سارزاران عادلانهی مردم ایران سهادت. همدی آزادی‌خواهان سگ می‌داسند که لندی سراسی انقلابی سازمان به سوی امربالسنس به و برده امربالسنس امریکا و اربخاع داخلی سمناسبت رسداسبت و اس مهم در سارزاران آن علیه رژیم واسندی سبیلوی و سراسر صد اربخاع کوبی حاکم بر کورسارمان به جوسی به اسباب رسیده اسب. آنچه امروز در سارمان به عنوان سربان سارزارانی می‌کدرد ادانهی انقلابی و منطقی راه سهادی برافشاری خون جسف برادها و سبره اسب. وحسب اربخاع حاکم از سربو س افکار سربنی خواهانهی سازمان در سمان خلق آزاده آن را به حبان راهی کسانده اسب که ساه‌حاشی سراسر سال‌ها صل سب عساون سمارکسبب اسلامی و سبره آن را نسفود. سراسر سنادیری و ادانهی سارزاران حق‌طلبانه سنا در سراسر رسنگی کردن سلطه‌های امربالسنسی به و برده امربالسنس امریکا و بحصل آزادی‌های دموکراتیک و احقاق حقوق رجمسکان، بر مسد - سسکار قدرت را به سگزار ارحف و اکادسب از آن کوبه و اداسده و در همنس رابطه دستگاه‌های دزوع- بردار اربخاع جسینی همناسبت سهاامات را نا عساونی از حمله "سمناسبت" منحرف از خط بسناکداران سازمان" و سبره به‌سورد اسفاده می‌کدارد. اما به رژیم تمهی اس ناوه‌سراسی‌ها سازمان مجاهدین خلق را دسبانهی صد امربالسنسی- صد اربخاعی خود را اسحاب و صحنه سناال کرده‌وار اسروسب که سمنواره سسمناسبتی اسنار سسری اربطقات محروم و سمدسده‌ی ایران و افکار عمومی جهان را بدست می‌آورد. سسمناسبتی سازمان از جسسبب ملی و دمکراتیک خلق کرد صحنهی در حسان دیگری بر سربک‌های ررسب صداسبت انقلابی و دفاع از مردم محروم و رحر کسبدهی کورسارمان دز سرباطی که سازمان‌های ایوا سوسبب و اربخاعی در جسبهی مسد اربخاع که سسراسر سنی در به اصطلاح سربوک سربوهای انقلابی و سراسر حطنهی جسسبب کردستان سارمان. سازمان مجاهدین خلق ایران سمنواره به سمناسبتی سسروی انقلابی به حمانب از حقوق و سارزاران خلق کرد بر حسانسناست، بدسبتهی اسب که وحسب اربخاع با احزاب و سارمان‌های فرصت‌طلب که در واسن‌کراتی سسلسم و رسوبی اسسوار اسب راهی را حر به سربکسان سخواهد برد. ما ضمن درودهای انقلابی و سربکداسبت خاطرهی سهادی بسناکداران سازمان از مقاومت برادران مجاهد خود علیه دسنگاوری و اربخاع صمناسبت سسمناسبتی نموده و آرزومند سربدسکی و همکارگی هرچه سسراسر سازمان‌ها و احزاب سربنی ایران به خصوص سنا و حزب خود سسسم، در سربو جسسبب همکارگی سربوری سربان صد امربالسنسی و صد اربخاعی و سهاامنا سسبببب انقلاب و حفظ دسساوردهای جوسسار آن قطعاً اسب. نا درود مجدد بهروان ناک سهادی سارمان اعضاء و هواداران حزب دمکرات کردستان ایران در فرانسه ۵ خرداد ۶۰

پیام گروهی از استادان و دانشجویان پلی تکنیک ایالتی ویرجینیا

برادر مجاهد مسعود رجوی

ما به مناسبت فرارسدن ۲۵ ماه می سهمس سالگرد سهادت بسناکداران سازمان مجاهدین خلق ایران همسنگی خود را با مردم ایران و سارمان انقلابی و مردمی و رهبری کسبده‌اس اعلام می‌کنیم، سنا سربنی اس سازمان سوسط آن فهتمان و سارور ساحب آن‌ها مقاومت همرباسان در رندان‌ها و سگم‌کده‌های رژیم ساه سواسند اسب یک حرکت عظیم انقلابی را در حانمهی ایران سوجود آورد. مجاهد مسعود سنا خود همراهِ آن سهدا سواسند سبکی از سربکوه‌سرس حمانسه‌های مقاومت را خلق کسند. ما صمناسبت سراسر سهاامات خود را به سارمان و به سبره سسب سنا به عنوان سنها بازماندهی کادر مرکزی قبل از سربه ۱۹۷۱ و سمناسبتی سل انقلابی ایران سقدم می‌کنیم. رسده نا د خاطرهی بسناکداران سازمان مجاهدین خلق ایران، درود بر سارمان مجاهدین خلق ایران

- * سازمان مطالعات حب پلی‌تکنیک ایالتی ویرجینیا
- * انجمن دانشجویان سن الملی
- * انجمن دانشجویان افریقای
- * انجمن دانشجویان عرب
- * دکتر دانسل براد برد، ایران سناس و اسناد مردم‌ساسی
- * دکتر ریک ساسمون اقتصاددان و اسناد داسکده سسپراسری

۲۳ مه ۱۹۸۱

پیام کنراد ا. ج سردبیر مجله ضد جاسوسی

سارمان مجاهدین خلق ایران- ایران- بهران برادر مجاهد مسعود رجوی:

۴ خرداد سالروز سهادت بسناکداران آن سازمان انقلابی را کرامی می‌داریم. همدی ما مقاومت‌های ساسکوه آن سهدان عالمدرد و سناو دسگر همرباسان را در رندان‌های ساه حاشی به نا د می‌آوریم، و امروزه سراسر حمانسه‌های دسگری در سن یک جریان عظیم انقلابی به‌نام مجاهدین خلق که در جسفبب ادانهی راه آن سهدان اسب سسسم ما صمناسبت سربکات خود را به سارمان مجاهدین و سسبب سنا به عنوان بازماندهی آن سسارزان و سمناسبتی سل انقلابی ایران سقدم می‌کنیم. رسده نا د سازمان مجاهدین خلق ایران

۲۳ مه ۱۹۸۱

پیام سرویس خبری رهائی- نیویورک

به مناسبت سالروز کسنا سهادی بسناکدار سازمان مجاهدین خلق ایران سرویس خبری رهائی همسنگی خود را به سارمانی که آن‌ها سببان سهادت و در همنس راه سراسر سسبب اعلام می‌دارد. ساه رسداسبت اما سارزهری علیه سربوهای اربخاعی و امربالسنسبب ادانه دارد، همسه مسسحکم نا د سنال آنان که رسدکی خود را برای انقلاب فدا سمودند.

سروس خبری رهائی- نیویورک

بقید رصفحه‌ی ۲۵

انقلاب فرهنگی

از: دکتر محمد ملکی

(اولس سرپرست داسگاه بهران
معد از سرورزی انقلاب)

“فست دوم” و “کودتای فرهنگی”

آزادها که قرآن نه با می آورده تا با ساخت غلط سقوط نظام تا و حاکمیت های استوار بر سرک تا برانند بر روی های سگی بر واقعیتها نه حدال غلبه احزاب فرحبریم رسالت کسای که در بنی زوداد های دهه های بر دیک سکوهای فعال بوده اند، رساندن وضعی که اتفاق افتاده است بدسل جوان و انقلابی می باشد تا آن تا که در خدمت صاحبان قدرت ظلم را وسله می یارند برای صاحبان آخربانی بر آب و دان نیاسد آنچه با نگار آدامی خانمستار آمد بر ناورها سساند و تاریخ را نه دلخواه حوسر سارست، که رمن و زبان اسانند. اس حسن جناب روبرو داران است، و اسد آن نه آنچه در نارکوئی و فابع سال های اخیر بی آمد کاهی اسد سرچند کوچک بر دانسن جای هرکس و هر گروه در سرورزی انقلابان که سرورسن سحت نکاسان کرده آنگونه که کتف سد نعدار بطو آت اللد حسینی بر اعتراض نه صوت فانون کاسبولاسون و سعید اسان نه برنده. آنچه سسار فائل مطالعه و بررسی می یاسد نکیس العمل مردم، گروهها و روحانست سس ار این ماحراس، کتفی اسد که مخالف آت اللد حسینی و گروهی از روحانسون نه رهبری اسان تا لاجدی انجمن های انالی و ولانی که در تاریخ ۱۶ مهرماه ۱۳۴۱ سس از بصوت هتات دولت مستسر سد و در آن عوام فریباند نه زبان جو رای داده سده بود و مودنا به رای سوکند مانسداگان سحای قرآن “کتاب آسمانی” آمده بود (۷) و کسیرس مخالفها سس ار بوطئد “انقلاب سفت” ساد و فرادوم گدائی که منحربه دستگیری و زندانی سدن آت اللد حسینی گردست، مردم روز ۱۵ خرداد ۴۲ همام گردست و هزاران کتف و مخروخ مبردی بر تمام بود و جمعی از روحانسان بر اعتراض سدن نه سس جانب دستگاه نه بهران هجرت گردست تا حرد را نه سپهرایی مفرقی کتف که در ممان آرها گروهی از مراعج از حمله آت اللد سرعصمداری، آت اللد محفی مرعی و آت اللد ملای دیدت می سد، اما

فائل بررسی اسد که سس از صوت فانون کاسبولاسون و اعتراض آت اللد حسینی و بطو نارچی اسان که از همه نه برزده روحانسون تم و حجت و بران اسلام حواسند تا فریاد کتف و آرام نسسند و ساند همن سحرایی سکی از غلغ سعید اسان در روز ۱۳ آبان ۴۲ سد برکتد و سس عراق سد در سس حال که اعتراضی را در کتف و کتار بوخود آورد ولی تمامی از سوی مردم صورت نکرست و بر خلاف آنچه آت اللد کتف بودست که “والله کماکاز اسد کسی که داد بزنت” و اللد مرکت کتیره اسد کسی که فریاد برست” حر معدودی از طلاب جوان و روحانسان مبارز و داسجوان و دکترا افسار مردم، اکبرست بران اسلام، علمای حجت، علمای تم سکوت گردست و کتف گردست و حتی بر غلبه عده ای که “فرمانده” می گردست نه ضدت بر حواسند و سنها گروهی از حمله سد علی حاصدای، علی فدوسی، اکبر رفصحایی، آدری قسی، حسعلی سنطری، صادی حلحالی، محمد بزدی و... شروع نه نامبراکتی برای مقامات از حمله هوندای کتف که سس از برور منصور نه حجت وزیر رسنه بود با عوام “حجاب آقای هویدا” شخص وزیر” نمودست و از او حواسند که به سعید آت اللد حسینی باان دهد و بای بند اصول فانون اساسی و اسلام ناسد (۹) ولی حکونه می سد سس از فنام ۱۵ خرداد و سرکوبی آن با آن همه کتسار و نسبت حکومت کودتا به وسلدی امیرالیزم جهانی این جس سوده های برخورد با حکومت را کارآ پیداست و حقدر باند دور از واقعیتها بود که در آن برهه از زمان و سس از آن همه تجربنه بازمم آزموده را آزمود و برای فرار از مسؤلت و دل خوش داسن و ساند گول زند خلق به جنین سوده های نسل جست به ویژه از سوی کسای که باید می دانسنست “فرهنگ نصیحت و اسدعا” در برخورد با اسان- های ره گم کرده “فالس” ساند موبر افند ولی وضعی با سعمت از دست دادگانی چون ساه و هویدا “مضوب علیهم” در سسیری باید “اندا” بانی و تا تمام توان به جنگ آن ها

بر واقعیت های عینی جامعه و سار سرمر بر حسن سازمانی بوخود می آید با نعضی عطفی ناسد بر “انقلاب فرهنگی” و آن کتفه که کتفه سد بزرگ برس رسالت انبیاء و صالحس و همه سازمان های انقلابی در طول تاریخ سعسر باور مردم بوده اسد و در این مرحله تاریخ کسور ما سس سازمان هایی حوسن سازمان ماهدسن خلق و مسفرکای حوسن آت اللد طالبانی و دکترا سرعینی بزرگ برس وطنفهی حوسر را سعسر فرهنگ حاکم بر جامعه و دکترونی در اندسه و روس و سس اسانها می دانسنست و تمام توان خود را در اس راه بکار گرفتست که آن “فرهنگ انقلابی” تا زمسنه ساز هر انقلاب اجتماعی اسد بوخود آتد، و اگر می بسنی فرنها “روحانست” حاکم که بزرگ برس وطنفاس آسا ساخن بوده های مسلمان تا اسلام راسنس بوده است بنواسست بلیغ کر ساسنه ای برای اسلام یاسد و سل جوان و سرکسده را با اسلام انقلابی و انقلاب ساز آسا سازد از آن روست که جز عده ای معدودی بعنه واسسه به حکومت و فتودالها و سرمایه داران و بازاربان و خانها بودند و از سوی آنها ععدیه می سدن، چرا که بوده ی کرسو و محروم خیزی بداردنا “وحوه سرعی” ببرزازد و باچار سرمایه داران گردانسدگان “حوزه ها” می سوند و “سرمانه” و “دس” در اربساط نکاسک با نکدیگر، و رساله های عملیه بوخندگر اسنمار و بازار مسلمانان مرکز رباحواری به نام “بیع” و زکوه واجب بر “شتر” به بر “موسور” و به طور کلی مذهب در خدمت مسکبران، مرفران، ملاء و طاغوسان سعی دشمنان رودر روی همه ی بیامیران بوخدی، بس باید نک “انقلاب فرهنگی” بوخود می آتد تا اسلام که به صورت وسیله ی نخدیر و حافظ حکومت های جابر از نفس انقلابی و بیوای خود سعی سده بود به جانگاه اصلی برگردد و این کار به دست دین باوران نه “دین فروسان” انجام سد دین باورای که ار “راه انبیاء” آموخته بودند که نختست باند انقلاب در فرهنگ جامع بوخود آورد تا بوده ها را با برخورداری از “ساخت” صحیح بحولات اجتماعی و واقعیت های عینی جامعه بر سرودیان، فرعونیان بوسقیان و همه ی زورمداران همین رابطو با این هدف پس از سالها مبارزه و کاربرد روس های گونه گون وشکست

فرهنگ های “مبارزه ی قابویی، صبر و اسطار، نصیحت، نامبراکتی... بدیع - زادگانها، طالبانیها، سرعینیها و کل سرخیها که محصول سالها مبارزه ی مردم بودند رسالت دکترونی سازی باور خلق و برائی تک “انقلاب فرهنگی” را به عهده گرفتست و سساز سالها بلاس و کوش موفق سدن در سورزه ی که حوقق وایسه به امیرالیزم بوخود آورده بود وامیدوار که جز چارو حاساک در آن تروید، سکوفه های انقلاب برویاسد و حسن سد که خلق نغیبر فرهنگ داده، وارد مندان سد و سب قدر به مطلع فجر بیوست و در سهر و روسا، دانسگاه و مدرسه و کارخانه و هر جا و همه جا آثار “انقلاب فرهنگی” نمایان سد. زنان و دخربانی که در “فرهنگ سرک ساهنساھی” جز به خود آرائی و مصرف نمی اندیسیدن و اگر چیزی می خوانسند رمان های آن حسانی و کتاب آسیری و مجلات آخربن مد لباس بود به مطالعه ی قرآن و بهج البلاغه و کتاب های سرعینی و... رو آوردست و بر حکومت شوریدست و فرنادسان از حلقوم مادر رضائیها که حسد سعید داده بود بلند که “هان بچه ها اسلحه هانان را زمن نکدارید” و زندانها برست از زبان و مردانی کتسها جرم آنها و حوادن و نگاهداری کتایی با نخس اعلامنه ای با عضویت در سازمانی انقلابی بود وسل مجهز به فرهنگ انقلابی سخت برین شکنجه ها را آنچنان آسان حمل می کرد که بزرگس برین محمصان شکجه ی امیرکا و اسرائیل شکفت زده می سدن، و هر روز نقطه ای شاهد برخورد مسلحانه ی انقلابیون با دژخیمان رژیم و باسداران نظام شرک و “انقلاب فرهنگی” با سرعت همه جا و همه چیز را نغیبر می داد طوفان آغاز شده بود و در حالی که کتیری از روشفکر نمایان سر در آخور “رفاه” کاذبی که نظام شرک بوخود آورده بود به نشخوار سرگرم سده بودند و در کار مقاطعه کاری و وکالت شرکت های بزرگ امیرالیسی، “ره - یافنگان” همه چیز خود را در راه گسرتش “فرهنگ انقلابی” اینار می گردست. همه جا فریاد بود علیه طبقای بودن جامعه، علیه صاحبان زر و زور و تزویر علیه ظلم و بی عدالتی، علیه اسنمار، اسنمار و اسبیداد و اسنمار، همه جا فریاد بود به نفع جامعه ی قسط اسلامی، به نفع جامعه ی بی طبقی بقیه در صفحه ۲۱

نقل از نشریه‌ی "رهائی"

تقارن عجیب

۱- مهندس عزت‌الله سحابی، در جلسه‌ی علمی مجلس شورای اسلامی، در ۱۷ فروردین ۶۰، گفت: "بخش نجارت در حدود ۱۲۰۰ میلیارد ریال در سال ۵۹ سود برده است. اس سود تاکنون در تاریخ ایران بی سابقه بوده است."

(این سود البته همانطوریکه سحابی در سخنان خود تصریح می‌کند، فقط سود یک بخش از بوررواری یعنی سرمایه‌داران بازار است). حساب کنید خمس و زکوه ۱۲۰ میلیارد تومان حقدار می‌شود؟ و اس یکی از "حبرات" چک چنانکارانه‌ی دولتهای ارجاعی ایران و عراق علیه‌ی جمعی است و به نفع سرمایه‌داران دو کشور است.

۲- بر اساس برآورد بحسی از حاکمیت (بنی‌صدر، سلامتیان و غیره) و محافل نزدیک به اس بحس، از جمله گزارش محرمانه‌ی کارستان سازمان برنامه، بودجه‌ی سال ۶۰ بین ۸۵ تا ۱۲۰ میلیارد تومان کسری دارد. و اس کسری بودجه (۸۵ و ۱۲۰ میلیارد تومان) نیز بزرگترین کسری بودجه در تاریخ ایران است (بودجه‌ی سال ۵۹ نیز "حدافل ۸۷۴ میلیارد ریال" کسری داشت. نگاه کنید به آخرین شماره‌ی محله‌ی "سروری" فصل از توصیف، شماره‌ی سیم، مهالی "بررگری کسری بودجه‌ی تاریخ ایران از بصورت مجلس کسب").

۳- نسخه‌کبری: دو ماه سناغه در تاریخ ایران: ۱۲۰ میلیارد (۱۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰) تومان فقط سود یک بخش از بوررواری یعنی سرمایه‌داران بازار، در سال ۵۹ و ۱۲۰ میلیارد تومان کسری بودجه‌ی دولت مکتبی در سال ۶۰ به دیگر سخن، کسری بودجه‌ی سال ۶۰ بنسب در سال ۵۹، به حبت سرمایه‌داران بازار سرازیر شده است. چه جای سکسی اس! مگر محمدعلی رجایی، نخست‌وزیر مکتب سرمایه‌داران، در جمع بازاربان همدان نکتسه بود "بازاریان سئون اصلی انقلاب بودند". در اس حال طبیعی است که "سویهای اصلی انقلاب" اگر یک‌تومان برای اسفرار از "عدل" اسلامی سرمایه‌گذاری کرده‌اند، هزارتومان سود ببرند. البته به سرتی که سهم امام و خمس و زکوه را فراموس نکنند.

کسر در آمد اوقاف و حزب جمهوری اسلامی

ونسکه در ردف افلام بودجه نس سنی سدی سال ۱۳۶۰ با رقمی بدملع ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به عنوان حبران کسر درآمد موقوفات عام (کمک) که برای سازمان اوقاف در نظر گرفته‌اند موحد سدیم حام بحسی موقوفات اسان قدس رضوی به حزب جمهوری اسلامی برای ما نداعی سد. کرحه‌اس مطلب برای دومنی بار در نکه‌ها مطرح می‌کردد لکن وقتی که دیده می‌شود دولت قسمی اربودجه عمومی مملکت را برای حبران کسر درآمد موقوفات اخصاص می‌دهد اس بکار حندان نامعقول به نظر نمی‌رسد با اولاً بودجه‌وسان به نموده‌ای از علل کسری بودجه واقف‌کردند بانا مردم مسلمان ایران موجه کردند که داعمان مکتب حکونه برخلاف مکتب درآمد‌های عمومی را به مصرف اسمال خصوصاسان می‌رسانند. بانا ساند اس با‌آوری موجب‌کردد دولت کنترول نسری در مصرف درآمد‌های موقوفات معمول دارد. دلا قسمی از گزارش موقوفات آسان قدس رضوی مسدرج در و بره‌نامه باردهم مهرماه سال ۱۳۵۸ که به مناسبت ولادت هشتمی بیسوی اسلامی حضرت علی‌س (موسی‌الرضا) (ع) سر یافته است کلیسه می‌شود و نظر جوانندگان را به صفت بنح گزارش (بدون نسبر) حلب می‌نماید.

از لایحه بودجه سال ۱۳۶۰

- آستان قدس رضوی
بخش ۲ - خدمات اجتماعی
- ۱- امانه نظر رئیس موقوفات
 - ۲- برار هیات مسرتو حضا
 - ۳- کت‌های بلا نوبه به مسمدان
 - ۴- وام به مسمدان
 - ۵- کمک بعدی به کمسه‌ها و حزب جمهوری اسلامی و اسداران
 - ۶- مسمری ماهانه به مسمدان
 - ۷- انحص حمایت ریدامان ماهانه
 - ۸- سازمان باسنادان ماهانه
 - ۹- هزینه بجرسی از جروداد

رقم به هزار ریال	مبلغ	مبلغ	مبلغ
۲۷۷۲۲۰	۶۵۰۰۰۰	۵۷۰۰۰	۲۳۰۰۵۶
		۵۵۰۰۰	۱۱۲۰۰۰
		۱۰۰۰۰	

نامه سرگشاده سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران خطاب به نمایندگان مجلس

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران در رابطه با اطلاعیه دادستانی و لایحه‌ی مربوط به فعالیت احزاب طی نامه‌ی سرگشاده‌ی به نمایندگان مجلس، نقطه‌نظرات خود را اعلام نموده است. در زیر قسمت‌های عمده‌ی این نامه را می‌خوانید:

دهقانان، مسلح بوده‌اند که مورد سرکوب واقع شده‌اند؟ مگر دفاع سازمان‌های دانشجویی، دستک‌های کارمندان، اتحادیه‌ها و کانون‌های دموکراتیک زنان، نویسندگان و غیره مسلح بوده‌اند که معطل شده‌اند؟ اگر منظور از مبارزه‌ی مسلحانه، مقاومت خلق کرد باشد، امروز دیگر بر همگان روشن شده است که خلق کرد خواهان جنگ نبوده و طالب صلح است و هزاران بار اسهامات نجزیه‌طلبی را رد کرده و اعلام کرده‌است که خواهان بحق حقوق دمکراتیک حویس در چارچوب کنور ایران است. در کردسان نیز این گروه‌ها و سازمان‌ها نیستند که می‌جنگند بلکه نموده‌های زحمکت خلق کردند که در مقابل جنگ تحمیلی از خانه و کاشانه‌ی خود دفاع می‌کنند و طالب بقیده در صفحه‌ی ۳۳

آیا این به معنای ممنوع کردن مبارزات کارگران، دهقانان و دیگر اصناف راحمکت منهن ما برای رسیدن به خواست‌های برحوسان نیست؟ بر هر کسی که اندکی آگاهی داسه ساند روس اسب که در اسحا دیگر مبارزه‌ی مسلحانه مطرح نیست بلکه اعصاب کارگران غیرمانوسی اعلام می‌شود، و اعصاب در زهرمی اسدائی‌ترین حقوق کارگران و راحمکتان است که در سراسر جهان به رسمیت شناخته شده است. از نظر دادستان کل کسور، کارگرانی که به مبارزه علیه سرمایه‌داران برخیزند و به منظور احقاق حقوق ابتدائی خوینی دست به اعصاب، نحصن و... زنند، مورد بیگرد قانونی فرار می‌گیرند. در اطلاعیه‌ی دادستان کل انقلاب هر نوع مبارزه‌ی کارگران و دهقانان، هر اعتراض کارمندان، دانشجوین، معلمین و دانش-

... آیا اطلاعیه‌ی دادستان کل کسور و لایحه‌ی مربوط به فعالیت احزاب، سازمان‌ها، گروه‌ها هدفی جز مخو کامل آزادی‌های سیاسی و سرکوب و اختناق را دنبال می‌کند؟ آیا طرح گروه‌های مسلح و سرپوشی برای سلب آزادی‌ها و سرکوب نموده‌ها نیست؟ در این اطلاعیه‌ی جنجالی وانمود شده‌است که گویا فقط گروه‌ها و احزابی که اعضای خود را مسلح کرده و با رژیم جمهوری اسلامی مبارزه‌ی مسلحانه کنند، غیرقانونی می‌باشند و سایر احزاب و گروه‌ها آزادند و حق فعالیت سیاسی علنی دارند، اما اگر در همین اطلاعیه اندکی دقیق شویم،

... آنگاه می‌بینیم که هدف واقعی از تنظیم این اطلاعیه جلوگیری از هرگونه فعالیت سیاسی-اعلامی علنی، هرگونه فعالیت -های دموکراتیک و صغی است. در ماده‌ی ۸ این اطلاعیه آمده است:

۸- کلیه احزاب و گروه‌ها مجاز به تشویق و تحریک به اعصاب، کم‌کاری، نحص و با هر نوع اخلال در موسسات مختلف کشور نیستند و چنانچه مواردی مشاهده شود، متخلفین تحت بیگرد قانونی فراری می‌گیرند.

ما سوال می‌کنیم که آیا "اعصاب"، "کم‌کاری"، "نحصن" که در این ماده ممنوع شده است به معنای نفی هرگونه مبارزه‌ی سیاسی - انقلابی، نفی هرگونه مبارزه‌ی سیاسی - روشنی نیست؟

بودجه ۱۳۶۰:

بودجه عمومی دولت یا صورت مخارج خصوصی دولتمردان، کوششی دیگر در راه احیاء اقتصاد وابسته

و آن هم نه دور از هر نوع نظارت، و نه دنبال تصمیمات حلقه‌ساعدی به اصطلاح مکتبی. آنچه در اقتصاد ایران به‌حکم می‌خورد بحران نیست، از کارسازدگی و ورسکتگی است. اقتصاد ایران بر اساس الگوی سازمان یافته که در سال‌های پس از جنگ دوم جهانی، در محافل سرمایه‌داری جهانی مدیون سدنا حفظه الله "جهان آزاد" را در برابر "حظر کمونیسم" محافظت کند با کوشش ۲۸ مرداد، کوشش مستمری برای بنیاده کردن این الگو در ایران آغاز شد. سرمایه‌های خارجی، شرکت‌های خارجی، صنایع وابسته، بخش رزرو نیروی دولت، کسری بازار داخلی و غیر آن کلام بنیادین و توسعه‌ی آینده می‌باشد "سرمایه‌داری سرمایه‌داری" نامیده می‌شود از مشخصات اصلی جامعه‌ی وابسته و "اقتصاد معتمد" است که از دوران محمدرضاخانی به یادگار مانده است.

جامعه و اقتصادی که مگر به‌همین قدر قدرت و حقیقت دولتی قدر قدرت و خودتکبر و آن هم در دایره امرتالیسم جهانی و با برخورداری از "زبان بی‌بسی" و "بصیرت و توانمندی" انطباق ایران، نشان اراده‌ی طبیعی است بناچار به علی‌رغم جامعه و اقتصاد انطباق ایران بی‌اعتباری الگوی اقتصادی وابسته را اعلام داشت و سیستم ارادتی الگوی اقتصادی دیگری را در برنامه‌ی کار خود قرار داد. جوس و حرویس سوراها و فریادهای "برگ برامرتالیسم" جلوه‌هایی از این خواست تاریخی و تاریخی بود. در این معنی است که باید گفت هدف انطباق ایران حل و رفع مشکلات جامعه و اقتصاد محمدرضاخانی نبود بلکه پی‌ریزی اقتصاد و جامعه‌ی دیگر بود که از استقلال اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و... برخوردار باشد و با نامی حق مبارکت مردم در حقوق دموکراتیک را در کلیه سطوح واقعیت اجتماعی از کارگاه با دستگاه، از روسا تا ایالت و در میان جرد و کلا و زن و مرد برقرار سازد و ارسوس که آنجا که صحبت از بحران اقتصادی می‌شود بلویحا

چهارچوب روابط و مساسات اقتصادی و اجتماعی موجود بدینوسیله تلقی می‌شود و کوشش برای حل بحران، نه کوشش برای احیاء اقتصاد محمدرضاخانی می‌باشد. آنچه در این بودجه به‌حکم می‌خورد کوشش بی‌برده‌ای است برای حل بحران نظام اقتصادی موجود و نه بی‌بردی اقتصادی دیگر. در این معنی است که این بودجه، مشخصات اصلی اقتصاد را که دولتمردان کوششی به انطباق ایران ارادتی داشته‌اند روس می‌دارد. دولت می‌گوید ما جرح داریم درآمد هم نداریم. اگر هم بگوئیم که وضع حسن است "بر روانی" نامطلوبی دارد. (همان محتاجه) پس بهتر است به فکر نامش درآمد باشیم. این درآمد هم باید از محلی نامش سود که همه به آسانی ناور کنند که قابل وصول است و سکی هم در واقعیت آن بکنند. بهرین صانع درآمد، نفت است. پس بگوئیم که برای بحران هزینه‌ها، نفت صادر می‌کنیم و درآمد حاصل از صدور نفت را به‌صرف هزینه‌ها می‌پردازیم. نه این نیست خود را از تحت درباری ما محبت هزینه‌ها رها کرده‌ام. البته می‌گوئیم همی این هزینه‌ها ضروری است چون واضح است که ما فقط نفت به‌تعال را صرف هزینه‌های ضد در صد ضروری می‌کنیم. و چون این هزینه‌ها ضروری است اگر بگوئیم برای نامش این هزینه‌های ضروری، درآمدی نداریم یعنی ورسکتیسم. و ورسکتیسم هم در سان حکومتی نیست که در این دو ساله به اندازه‌ی بحران سال (و بلکه بیشتر) خدمت کرده و کارهای یک نهاد بنیاد یعنی "تجدید داسگاهی" در طی چند ماه فعالیت و آن هم در زمان تعطیلی دانشگاه‌ها پس از کارنامه‌ی است که در طول عمر دانشگاه‌ها انجام شده (وزیر علوم، ۲۲/۲/۱۳۶۰) ناوریدارند: "سند ارکارها، احراعات و اکتشافات حواهران و برادران صنعت بی‌حسرت" (شماخا).

بنابراین با حسن کارنامه‌ی مسعسی که نمی‌توان صحبت از ورسکتگی کرد. به همین دلیل است که تا این که در حد سال احیر، درآمد ملی کاهش تراوانی نامند است این کاهش ایزی در اوضاع و احوال مالی دولت بکنند است: بودجه‌ی اسالنه سپا کسری ندارد تروسی هم دارد. و البته این به نام معنی معرجه است. معرجه‌ی در عداد معرجه‌ی مرحوم دکتر صاحب در دوران هشتاد و نه مرحوم بنیادین نیست است که باید نفت صادر کنیم. کار دیگری نگار ما ساخته نیست. و بنیادین نیست است که بودجه‌ی به مجلس می‌بریم که ۲۲/۱ درصد از کل درآمد آن را درآمد نفت نامش می‌کند. (در دوران محمدرضاخانی هم فقط در سال‌های ۵۳ و ۵۴ بود که سهم نفت در درآمد دولت از این حد تجاوز کرد. بنسبت ۸۲ درصد بود که به سال ۵۳ منقوع دارد. در سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ این نسبت به بنسبت ۷۲/۲ و ۶۲/۱ در صد بود). و باز هم به این ترتیب است که برای بنیادین ورسکتگی، از یکی از بنیادین علطی که اقتصاد آرنامهری دیدند آورده بود ناری می‌گرم کافی است که سرهای نفت را باز کنیم تا سئل بول سرازیر شود: و پول هم که حلال مشکلات است. پس دیگر آینده با ماست. و بر مکتب لعنت و سمار و باز می‌توانیم شروع کنیم به خواندن بحر طولی. در حسن استدلالی، حدیث حیز نه کلی به فراموشی سرنده شده‌است. اولاً بنیادین از این هم گفتیم که انطباق ایران، آن اقتصادی را که بر پایه‌ی صادرات نفت و واردات کالا و بنکان سواری و دلایل باری و باجگیری و انگلساری بود بی‌اعتبار و محکوم اعلام کرد. آن اقتصادی بود که در زمان سرمایه‌داری جهانی رسد و بنیادین بافته بود: نوعی سرمایه‌داری بنیادینی با همه‌ی دلایلها، واسطه‌ها و انگلها، و طفلی‌ها پس با همه‌ی کمبودورها و نرسند هاشن. بحران اقتصادی سال‌های ۵۶ و ۵۷ از آن، بحران اقتصادی نظام اسارت‌بار "سرمایه‌داری بنیادینی" بود. انطباق ایران حل و رفع این بحران را وظیفه‌ی خود می‌داند پی‌ریزی نظام اقتصادی دیگر بر پایه‌ی

می‌کنند تعلا قیمت‌های خود را انرا پس می‌دهد و آن‌ها را در سطح قیمت‌های دسامر گذسد (۳۶ تا ۴۱ دلار) بکند می‌دارد در برابر این بازار اساع شده، تروسندگان پس از نس به ساست صحیف قیمت ساد می‌برند و کم بنسند معاملاتی که به قیمت‌های ناخن بر از او یک صورت می‌کنند. سابر اس همتی فرائس سان می‌دهد که در وضع کوشی بنمی‌توان به افزاس قیمت‌ها آمدنی داشت و نه به عطف فراوان برای نفت. و درست در حین وضعی است که ما می‌خواهیم صادرات نفت خود را افزاس دهم. و باز هم درست در حین وضعی است که دولتمردان ۷۳ درصد بودجه‌ی خود را بر اساس درآمد نفت اسوار کرده‌اند و به ملت ایران "سوت آهوی سگار ناکرده به دست" را می‌فروشد. حساب‌هایی که بر حسن اساسی اسوار باشد نه واقعیت به همان اندازه نزدیک است که حساب‌های آن مرد باسنا با کوره‌ی ماسس. نالنا، اسحا عرض از کوره‌ی ماس، همان بودجه‌ی معادل است: مقصودسان از بودجه‌ی معادل اسست که اگر ما بنواسم روزانه ۲/۵ میلیون بسکه نفت صادر کنیم و این نفت را هم سکنای ۳۷ دلار بفروسم کل عواند ما تا آخر سال ۳۴ میلیارد دلار خواهد شد که از این مقدار تا ۳۲ مليار دس را صرف هزینه‌ها می‌کنیم. آنچه هم زیاد آمد می‌گذاریم بنسوانی اسکاس و تا بهر بگوئیم در بازارهای جهانی به کار می‌گذاریم "حرا که طبق اطلاعات رسنده از طرف برادران صنعت بانک مرکزی امکان بهره‌برداری از ارز هست." "ما که انطباق کردداسم و سفار فکر می‌کنیم می‌توانیم از تدابیر ارزی احتمالی خود بهره‌ی صحیح و معقول بنرم. کارسان معهد و با اسان و دلسور بانک مرکزی ایران به اس مهم حداکثر استفاده را برد و فعال در صحنه‌ی بی‌المطبی کار کرد" (دبیر کمیسیون بودجه‌ی هیئت دولت، کپهان ۳ خرداد) حدا فوت! "فعال در صحنه‌ی بقید در صفحه ۲۴

چه کسی بر لبه پرتگاه قرار دارد "مجاهدین خلق" یا دبیر اول حزب توده ایران؟

افغان برای استقلال افغانستان با وجود نظریه سلطنت طلب او و اعوان و انصارش از نظر عینی مبارزه انقلابی است، زیرا این مبارزه، امپریالیسم را ضعیف و قوایش را تجزیه می کند و آن را از ریشه متزلزل می سازد" (مسائل لنینیسم نقل شده در نامه مردم شماره ۴۶۸، مقاله مجاهدین خلق در لبه پرتگاه).

با ذکر نقل قول فوق، دبیر اول برای روشن نمودن وضع خود در حال حاضر، به سادگی طبقه کارگر و سربد وی بر علیه سرمایه داران را از افلاک ایران حذف نموده است و همان حد کلمه‌ی نفی ضرورت دموکراسی، آن هم در نهضت‌های ملی استقلال طلبانه‌ی اوائل اس قرن، وی را فریفته و به دامی افکنده است که بر همه‌ی ادعاهای مارکسیستی وی، خط قرمز پهنی می‌کشد. وی که از "یاقین" نقل قول فوق، مثل بورژوازی که حاه نعش فوران کرده باشد، ذوق زده است، ادامه می‌دهد:

"... گویا سطح تئوریک آن‌ها (یعنی استالین)، در مواجهه با مسائل غامض عصر ما چندان از شما کم‌تر نباشد. این تجربه بر آن است که درست صدرمد خلاف تصور شما، نهضت‌ها و عناصری که حتی نظریه‌ی سلطنت طلب دارند و متکی بر دموکراسی نیستند، اما در صحنه‌ی عمل با امپریالیسم درگیرند، انقلابی‌اند. روشن هست؟ انقلابی‌اند. (چه تحکیمی!!) و تا وقتی که کسی در راستای تاریخ، نقش انقلابی ایفا می‌کند مبارزه برای واژگونی او، صرف نظر از نیت حسناتی که، حیانا می‌تواند محرک این مبارزه باشد، فقط یک معنی دارد: کمک به امپریالیسم یا به زبان دیگر، کمک به ضد انقلاب..." (همان مقاله).

مسائل غامض عصر ما و وجه مشخص انقلاب ایران، در اندیشه‌ی دبیر اول، با مسائل مبارزه‌ی امیر افغان، بر علیه استعمار انگلستان در ۶۳ سال پیش، منطبق و یکسان گردیده است!!

تردستی شگفت‌آوری است تاریخ یک فصل کامل به عقب برمی‌خورد و مسائل مبارزه برای کسب استقلال و به دور افکندن قیودات مستعمره‌گی، با مسائل مبارزه‌ی دوران ما، یعنی عمدتاً مبارزه در راه استفسرار

سوسیالیسم، آن هم به صورتی طلبکارانه، یکی از آب در می‌آید!!

هم در جاه‌مندی که فرماسیون کاملاً سنگین و جا افتاده نظام عشیرتی و فئودالی تنسها فرم حاکم بوده، در آن از اشکال مختلف بورژوازی و خوردد بورژوازی و به طریق اولی از طبقه کارگر، حسی تصویر نیز نمی‌رفته است، و هم در ایران امروز، که زحمتکشان و پرولتاریا از نظر کمی و کیفی به تفوق رسیده، که حتی دموکراسی بورژوازی دست پائین شمرده می‌شود و برای پیروزی بر سرمایه‌داری و دموکراسی بودهای است که سربد در حریان است، که یکدو حسی سازمان و حزب طراز بوسی طعمه کارگر در بساط آن عرضه می‌شود هنگامی که مبارزه، کرچه با هدف‌های غیریکسان، درمی‌گیرد از طرف ایوروتیسم، مسائل یکسانی مطرح می‌گردد و ارزش های یکسانی برای مبارزین، برای ترکیب نیروهای مبارز و برای هژمونی مبارزه توصیه می‌شود!!

ایوروتیسم، پس از دهه‌ها امیر افغان و بالاسرا امیرافغان درکتسور ما، از جنگلیون انقلابیون آذربایجان و خراسان گرفته تا مصلحی و بس ار فهیرمانان برجسته‌ی ررم پرولتاریا، از عدالتسور رزمندگان حزب کمونیست ما ارانی و روربه و دیگران، ایک آسکار می‌سارد که: اگر یکامیر افغان هم پیدا شده، جدا غنیم است و ما نایستی با بوضع دموکراسی او را بردجاییم!!

راسی که ایوروتیسم به کمپ از این هم فایع است و در این باره که مبارزه برای برفراری دموکراسی را عرصسور می‌سارد، مجرم نیست. زیرا او به دنبال اقدام بوده‌ای و مبارزه‌ی انقلابی، بلکه سه دنبال حرکت در راستای باید این جا دریسب و آن حاسی حاکمیت است، حسی اگر اس حاکمیت، فقط در حد امیر افغان فئودال، انقلابی و یا در حد محمدرضا شاه "اصلاح طلب" باشد!!

و همین‌ها که مسائل یک فصل گذشته‌ی تاریخ کسوری عقب افتاده را، به عنوان مسائل غامض عصر و انقلاب ما وانمود می‌کنند، چه گونه فقط خود را به باد استهزا و مسخر می‌گیرند، و می‌که به مجاهدین

چنین می‌نویسد: "... آن‌ها (مجاهدین)

درحالی که تجزیه‌ی انقلابات و کلمات قصار انقلابیون دیگر کشورها را - گیرم گسیختن، مخدوش، جدا از عصر خود، ریشنگن شده از شرایط مکانی خویش - به جا و بی‌جا به رخ ما می‌کشند و ما را به درس گرفتن از آن‌ها دعوت می‌کنند" (همان مقاله)

بدین ترتیب، کاملاً طبیعی به نظر می‌آید که دبیر اول، این ساگرد "با استعداد!" مارکس و انگلس و لنین اصرار کند که در دوران انقلاب ملی دموکراتیک، با محورای حرکت به سوی سوسیالیسم، هرکسی اگر بخواهد انقلابیون ار فاس امیر افغان فئودال را سافط کند، محدود سارد و همان سر جای خویش بماند، بی‌دره‌ای ار فاق، ضدانقلاب است!!

پس ار این هماغوسی دهی ناپاک با مسائل معاصر، دیگر نمی‌توان جلوی راد و ولدا حاکم حزب انگیز ایوروتیسمی را گرفت که از سکم برآمده‌ی اندیشه دبیر اول "فولسند" می‌گردد:

"ملاحظه کنید کمی اعتنایی و پایمال کردن دموکراسی... اولاً می‌تواند سایه نه سایه استقلال طلبی و امپریالیسم ستیرد بیاند و ثانیاً در مبارزه با امپریالیسم که در عصر ماضل جز نقتن درجه‌ی دوم را احراز نکند..."

"... خرده بورژوازی سنتی و غیرسنتی (ایران) هم که به هر دلیل با امپریالیسم گلاویز است، تا وقتی که درگیر این‌گینه و ستیز است... به خود عینی جزه‌ی جهانی "فولسند" امپریالیستی است."

(همان مقاله)
جینس نفس و نگارهایی که دبیر اول پروازهای سیاسی می‌زند، به هیچ وجه تصادفی نیست و سها در راستای همان درک ایوروتیسمی و خورده - بورژوازی ار مسائل معاصر است که امکان دبیر می‌گردد. او امیر افغان فئودال را مظهر مبارزه‌ی انقلابی معاصر می‌داند و در بحبوحه‌ی کسوتش پرولتاریای کسورهای درحال رسد، برای به نظم درآوردن مبارزه‌ی صدامپریالیستی در وی هر نوع خرده بورژوازی را که به هر دلیل با امپریالیسم در ستیز می‌افتد، حسی اگر این خرده بورژوازی حاکم باشد و بعنوان

ناکنک اسحکام حاکمیت خویش، برای همسوتی ظاهری با بودهی انقلابی، ساده رور در "هناهیوی" صدامپریالیستی عرق برسد، حسی از حسیهی جهاسی صد امپریالیستی می‌سازد! در اس صورت آن عراق وحس کسور از حسیبری اسلامی به آمریکا سارا می‌گوسد و دربارهی سربد ما آن سمار می‌دهند و در همس حد، آما کم بر ار اس ها صدامپریالیست اند؟! لنین می‌گوید:

"... ایوروتیست فقط آن چیزی نه فکرش خطور می‌کند که در محیط عامی کری خوردد بورژوازی و رگود "رهمیتی"، در بیرامون خود می‌سیند و آن هم فقط "شوراهای شهرداری" است! و اما در باره‌ی انقلاب پرولتاریا، ایوروتیست حتی فکر آن را هم ار سر نه در کردد است."

(لنین، دولت و انقلاب) نه راسی که آتفسر ساسی امروز ایران، حر محیط عامی کری خوردد بورژوازی ماسی ندارد و دربارهی معسرات رزمی ساسی جامعه، آرحه که نه وسله‌ی حاکمیت خرده بورژوازی به بحاس گذارد می‌شود. حر رگود زهورتسی، نسبت "تخلات" در دوسال گذشته هر بر دوران سلطنت یهلوی راد ساخته است (!!!)

"انقلاب فرهنگی" و "کودتای فرهنگی"

بوجدی، به بقع جاهه‌ای بر اساس "عرقان، برابری، آزادی". همه‌ها فریاد بود و سگرها یکی یکی به دست "ره نافتگان شبح می‌سند، مساجد که اکثراً سوب و کور بود و مولیان آن‌ها در کار خواندن نماز و قفس مسالهای آن هم از روی توضیح المسائل های "قابوسی" و حیح‌آوری "وجوهات" و دیگر هیح، بد دست جوانان انقلابی مسلمان می‌افزاد و فریاد آتینسا بر آقاقان" که خود ناند فریاد می‌کردند و می‌گرددند که "هم فاسقم" و مسجد تبدیل به سگری برای مبارزه. کم کم (انقلاب فرهنگی) همه‌ی پاسداران سرک را به وحس افکنده بود، حطر را روز به روز نزدیکتر می‌دیدند، باید به هر وسیله از گسرنس مویجی که برخاسه بود جلوگیری کرد، چه باید کرد؟ ار مبارزه‌ی رو

در دو سال گذشته ۵ هزار مدرسه‌ی تازه ساخته شده است" (نامه مردم شماره ۲۴۱) و آن کسانی که نه سبتها در برآکدن اس آمار سراسر بفلت ما خرده بورژوازی حاکم همصدانی می‌کند، بلکه آسکارا سبب سوسند که همان مدارس کدسند بر فایع معلم است، که اس اس آمیس و سروس سران حلی سبب و صدها هزار مدرسه دیکر، ما و سنی که بر ساسی آمورس و سروس سوسالیستی نسبت، اردل فرهنگی مادرهای خواهد کاسب و ار دهه سراسر اس راه‌ها هم‌اگر ساخته شده ناسبت بی‌عسر در مساسبات ظالماندی انحصادی، فقط بورژوازی سوب خواهد سربد بلکه سر عکس، اس خرده تارهای سطحی - منظر و همقدر همان "شوراهای شهرداری" را نه برده، تارهای انقلابی درحسان وانمود می‌کندو آن نما رادل حوس می‌سارند و اس همه را با سرحم سیدی کردن سثوری‌های حام، بی‌سبب نامارکسیسم، که سهرارای بارمالیدن "اس‌سثوری‌ها" به سحنان مارکس و انگلس و لنین و اسالسن، می‌خواستند مارکسیستی وانمودن سارند. لسه حسی کسانی حوامبورجیست های سورد اساره‌ی لسنر که حسی

نقشه در صفحه‌ی ۲۲

نقشه در صفحه‌ی ۱۸

در رو کاری ساخته نسبت، همصدی راه‌ها را اسحان کرده بودسد. تک راه مانده بود و آن هم منحرف کردن حرکتی که آغاز شده بود بایک (کودتای فرهنگی).
حسب ناند پیام‌آوران "انقلاب فرهنگی" را از میان سراسب و آنگاه این دروغ بزرگ را در باور مردم ساسبت که سنها "ان طبیفه" نواسسد انقلاب اسلامی را به پیروزی برساند ما سنوان در موقعیت ساسبت به دست همان "طبیفه" انقلاب را به کانال دلخواه هدایت کرد و "کودتای فرهنگی" را که هدفش پیروزی اسلام بو سقیاسی "بر" اسلام بودری" و نابودی آن "فرهنگ انقلابی" انقلاب ساز است سحقی بحسد و بدین ترتیب کودتا آغاز سد. دساله دارد (ادامه دارد)

نظم و آرامش در درون دانشگاه

غیدار صفحی ۲۲

بر ساریس دارند و حکومت می‌نویسند دوری چهارساله دانشکده‌ی حقوق را در یک سال طی کنند (در حالی که گروهی از آنان سراسر از حد واحد درسی را بگذرانده‌اند) من معلم باشی برای آن ندارم سارنگان حد بگویند!

با آن که سل انقلاب حدان هوسار و آگاه است که نه آسای و سلندی امراض این و آن می‌شود، بار هم نماند اس همدار را داد که اگر دولتمردان به حفظ نظم و آرامش در دانشگاه علاقه دارند باید از انقلاب احتیلاف‌های خود به درون دانشگاه خودداری کنند و دانشجویان را وسلطی سیر قدرت‌سازند. پس از آن دانشگاه از آزار این احتیلاف‌ها رنج بسیار برده است و در آمده بر این امر آن نسبت. ماضیه، ماند برسی داد که گروه‌های خارج از دانشگاه حر در موارد استثنائی می‌توانند این محل را مرکز رادبیطا‌های و درگیری‌های خود سازند و آن را محل مناسبی برای دست فروسان و دوره گردان و متحد فروسان کند. حرم دانشگاه باید مقدس بر آن باشد که برای هر حادثی حرئی که در تاریخ ساسی حر کشور به طور نامحربان دارد، در نیم‌برسد ساریس، بهر آن ورود دست‌های ساسی و انجام مراسم سحرانی و نظایر آن اجازتی مقامات دانشگاهی نماند تا صاحبان اصلی حادب می‌توانند در ارزشانی انالی و لروم این اقدام‌ها و معنی و ماسک آن، به کوبانی که محل کار آموزش نماند، دحالی مستقیم نماند نماند.

عقیدار صفحی ۱۹
در ساحت ساحت سدن حقوق دموکراتیک بوده‌ها، چهارحوبی که حسن حقوقی را تضمین کند محترم خواهد بود، اما در غیراین صورت به سبها هسکوبه "قانون" و محدودسی را که سلب کننده‌ی حقوق دموکراتیک و آزادی‌های ساسی بوده‌ها نماند، به رسمت نخواهد ساحت، بلکه بی‌کربانه علیه آن به مبارزه برخواهد حواس. سارمان ما با بوجه‌ها و وضع سیاسی کوبی و سراط‌تووالعاده حساس جامعه بار دیگر ساحت و عواطف ساسی از بصوبت حسن لاحتی‌ها را به نماندگان مجلس کوس رد کرده و آماده است تا سرتک در یک مناظره و بحث رادبو بلوبروسی که بدون ساسور حسن کردد حقایق را هر چه سسیرا نماند در زمان کدارد و مواضع خود را بوضوح دهد و از رادبو بلوبروسی می‌خواهد که رسمه را برای برگزاری این بحث و مناظره فراهم کند.

تا بود امربالسم جهانی به سرگردکی امربالسم آمریکا و ناگاه داخلین

سارمان حرکهای فدائی خلق ایران ۶۵/۲/۲۷

است و از هم‌اکنون باید در یاد آن به اعتنای ساد انقلاب فرهنگی همدار داد. حاضر در اصباح دانشکده‌های متوسطه علوم ساسی، اگر از حد رعایت حق مقدم رسدهای فنی و برسی برابر رود و مؤکول به اجرای ساسات‌های و بردای سود، ماده‌های است برای براغ که نماند از آن بهربر کرد.

سعی من دانشجویان یک رسد از اس هم زسده‌بر است: هم‌اکنون در زمان تعطیل دانشگاه‌ها و در حالی که سایر دانشجویان به انتظار کبودن دانشگاه با ده‌ها مشکل مادی و معنوی روبرو هستند، سواری عالی قضائی حدود دوسبت نفر از دانشجویان حقوق را اساحت کرده‌است تا در کلاس کارآموزی وزارت دادگسری معقول حاصل یاسندو پس از طی دوری تکساله به کار قضائی کناره‌ده شوند. حال اگر برسند سود که اس گروه ما حد صابطائی برگزیده سده‌اند و حد اسناری

باید دنبال کرد تا فعالیت‌ها رشد رصه نظم معقول پیدا کند فعالیت‌های ساسی در کنار آموزش و تحقیق رسد نماند و مکل آن سود و دانشجویان سندرارد که سسین اقدام ضروری برای هر فعالیت برهم زدن کلاس‌ها و سسین سسدها است. ساری به اسدلال و فلسفه‌فانی نسبت، اسفرا و ساهده در این رسنه ساد برسی وسلطی آگاهی است. هر بروهنده‌ای می‌تواند با اندکی کوسس و مامل سوده‌های موقی رفتار با دانشجویان و اسادان را در دنیا ملاحظه کند و از آن سندر کرد.

۴- سعی سس دانشجویان رسدهای حاصلی در نارکسانی دانشگاه سبر خود عامل مهم بی‌نظمی و اعتساس

سازند. در درون دانشگاه نیز نماند امکان فعالیت‌های ساسی و بجه‌های آزاد و سحرانی فراهم آمد. هدف دانشگاه بهیاند، به‌ساختن مهردهائی برای ماسین تکوولوری محدود سود. هدف والا بر از این است. باید اسان‌های مفکر و خلایق و مخصص و معهد به‌پارآمد. دانشمندی که خود را وابسته به سروس‌ت مردم و کوسرش ببیند و صلاحیتی را که در سبجی کوسس جمع فراهم آمده است در خدمت جمع فرار دهد. رسیدن به اس هدف والا نیاز به سمرس و تبلیغ و حرجه دارد که نماند زمسندی آن در دانشگاه فراهم آمد.

اس هدف را، حتی به نه‌های حمل بارهای سدروسی‌ها،

برزلز اداری و دلپهری ساسی از برحورد اندسندی محقق تا بفرک راجع به سسرتب علم صدمه می‌رسد. هیچ آزادی بی‌نماند بی‌مرد و حد نماند. ولی اس چهارحوب نماند حیان فراهم سود که به محیوا صدمه برسند برنامه‌های آموزشی و تحقیق نباید در بی ساحت اسان‌های یاسد که سبها به ساسب دولت ببندسند و جهان سنی لازم را پیدا نکند ۳- برای حفظ آرامش دانشگاه، نماند امکان فعالیت سالم و معقول گروه‌های ساسی را در حدود قانون ساسی در خارج از محیط‌های آموزشی فراهم آورد تا اعتنای گروه‌ها دانشگاه را سبها محل امن اقدام‌های خود سازند و همدی فعالیت‌ها را در آن سمرکر

نامه سرگشاده سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران

خطاب به نمایندگان مجلس

ررم برور و احسان، سرتک و حقق، و همدی بوده‌های رحمتکس ایران در برابر آن خواهد اسناد. بوده‌ها اس آزادی‌ها و حقوق دموکراتیک را ما ساررات سحت و حوسب خود به کف آورده‌اند و از آن دفاع خواهد کرد. بصوبت و اجرای حسن لاحتی‌های ساسی عظیم نسبت به انقلاب و خلق - های بحث سم ایران است.

بارج ساررات همدی خلق‌های جهان و ایران نماند نبوده‌است که برور، سکتحه، حققان و سرتک و محو آزادی‌ها و حقوق دموکراتیک بوده‌ها هسکگاه سوانسه‌است سدی در برابر موج حروسان سارروری انقلابی بوده‌ها اتحاد کند. سسل حروسان و سسرورده‌ی بارج کسانی را که نخواهند مام و سسرتب و سگامل جامعه و بارج نماند سدر خواهد افکند.

سارمان ما از هم اکسوز عواطف و حوسب بصوبت و اجرای اس لاحتی را به نمایندگان مجلس "سوزای اسلامی" همدار می‌دهد و مسئولیت آن را بر عهده‌ی کسانی می‌داند که بر اس لاحتی صحه بنگارد. بدون سببه سارمان ما، در صورت به رسمت ساحت‌سدن و معنی آزادی فعالیت ساسی - انقلابی

خلق کرد بحمل سده است از صلحی دموکراتیک، ار آن‌سی‌سی که بوام ما ساسائی حقوق حقه‌ی خلق کرد نماند دفاع می‌کنیم. و به سهم خود آماده‌ه‌ام تا آنکه به سبروی بوده‌های رحمتکس خلق کرد رسمه را برای مذاکره و برفراری آن‌سی‌سی در کردستان، به سراطی که معصم سناسائی حقوق حقه‌ی خلق کرد نماند، فراهم کنیم. ما حسن صلحی را در سراط کوبی به سدر رحمتکسان خلق کرد و همدی رحمتکسان ایران می‌دانیم. اگر حقوق حقه‌ی خلق را محترم سسارند آنگاه خواهد دند که آن‌س خصوص‌ها در کردستان به سردی خواهد کردانند و صلح برقرار خواهد سد.

... آفانان نمایندگان مجلس! امروز سلاسی که برای بصوبت و اجرای لاحتی غیر قانونی کردن اجزای صوب می‌کرد، هر حد لندی بر آن موجهی سارمان ما و سارمان مجاهدین خلق ایران است، لیکن کوسسی است برای محو کندی آزادی‌های ساسی و نمانال نمودن دستاوردهای نام خوسب بهمن ماه، کوسسی است برای برپانهادن ابتدائی‌ترین حقوق کارگران و همدی رحمتکسان جامعه و برفراری

نامین حقوق دموکراتیک حوسب هستند. و هر آینه حقوق دموکراتیک خلق بحث سسم کرد معصم کردد، صلح در آحا برقرار خواهد سد و دیگر حکم موردی خواهد نماند. موضع سارمان ما سبر در اس مورد کاملاً صریح و مسحتب است، ما اعتقاد داریم سلاح نماند در دست بوده‌های مردم و در احسان سوزاهای انقلابی برار کردد، اس بوده‌های مملوسوی مردم هستند که نماند سسح و سلح سوبد. آن‌ها به بهرین نحو و موبربرسی سکل می‌توانند از سماع خود در برابر امربالسم جهانی به سرگردکی امربالسم آمریکا و واسسکان و سحدس داخلین دفاع کنند و سبار همی اعتقادمان بود که از مصادره‌ی سلاح‌های "ارسی ساسه‌ساشی" بوسط بوده‌های مردم در تمام بهمن‌ماه دفاع کردیم و هم امروز سبر از اس اعتقاد دفاع می‌کنیم.

در سراط کوبی سبر سارروری سیاسی را محور فعالیت خود فرار داده‌ه‌ام و بسح و سسکل و ارفعا، آگاهی ساسی کارگران، دهقانان و همدی زحمتکسان سمنیمان را وظیفی اصلسی خود می‌دانیم و در کردستان نیز که مازهی مسلحانه به

چه کسی

بر لبه پرتگاه قرار دارد...

فکر انقلاب رولبری را از سر به در کرده‌اند. بسند و بخواهند بود.

ما واقعا در این باره که می‌گوئیم دسر اول و سرکا. فقط قدر و منزلت خورده بورژوازی، آن هم فقط حسن حاکم سدوی آن را، درک می‌کنید، فقط بدان اهمیت می‌دهند و ما سرحد خان صافی آن دفاع می‌نمایند، نه سراسیمه پنهان بگریزیم. آنها همان برای خورده بورژوازی حاکم سند سرب می‌کنند و در شرایط فعلی جوامع در آمد کم جمع به بحال می‌نمایند که است:

تحت در ساراهی خورده بورژوازی و وجود تاریخی، سیاسی و طبقاتی آن، در راستای ضرورت‌ها و عطف جامعه و در ظرفیت یک تحت اصولی، ماسد هر گنگا تن و بیرون و جوی سازنده، می‌تواند حاصل حیر و هدایت کننده باشد، اما تحت و بحال جاری بیرون معاضی خورده بورژوازی و محدود کردن پیک سویدی این بیروی اجتماعی، اغلب از چنین ضرورت و اقتضای بیروی می‌گذرد. این هیاهو و حد لسی است در پاسخ به حرکت توده ایران...

(حیدر مبرگان، جیب‌روها و مسئله خورده بورژوازی و ... ص ۲۳، انتشارات حزب توده ایران) سئورس‌های حزب توده ایران، با اصحاب اعلام می‌کنند که هر روبرونی با خورده بورژوازی ایران، خود به خود، روبرویی با رهبران حزب توده ایران از کار در می‌آید. اما طبعی کارگر حد؟ هیچ. آنها به حساب نمی‌آیند و رهبران دائما از آنان می‌طلبند آهسته بروید و آهسته بنامند و از هر گونه درخواستی از حاکمیت خورده بورژوازی حسم بسوسند و محل اساس این فرزند عرب در دانهی دسر اول بسوسند.

بازی، بسوسند آن سبها بغل فولی که دسر اول "موفق" شده است. با کتابان رباب در آثار اسالین در بی لروم دموکراسی در جسن‌های ملی بنامند، نه این خا محتر می‌سود که:

... آیا خورده بورژوازی به قول شما سبکی ایران، از امیر سلطنت طلب افغان، که سزای آغتشند به ارتجاعی‌های فتودالی بود، ارتجاعی تر است؟ آیا رژیم کنونی که حداقلش

بودجه ۱۳۶۰: بودجه عمومی...

سب الملی "معنی حد" تفاوت اس تعالبت در صحنهی سب الملی ما آن تعالبت ایران را در نفس بحال عربی ورسکسکان به مقصود سنای سرمانداری ظاهر کرده بود کدام است؟ ما اس موجودی از حی می‌کنیم؟ سرمانداری می‌کنیم؟ بهره می‌گیریم؟ بورس‌سازی می‌کنیم؟ چه می‌کنیم؟ ارز اضافی را چه بخواهید کرد؟ خوب است "معهدان با اسما و دلسور" ماسخی به اس سوالات بدهند که ماسخ اسما به سبها مردم ایران راروس می‌کنند لکه موجب ارساد و راهمایی همی برادران بقی بر ارز هم بخواهند سد؟

و زانما، اس حرف‌ها را گمباری بگذاریم و تک کمی هم به وضع بولند خودمان نگاه کنیم:

فلا بولند رورانهی ما حدود ۱/۵ تا ۱/۶ میلیون سکه است. از اس مقدار ۵۰۰ هزار سکه مصرف داخلی را ماسی می‌کند و حدود ۱/۱ میلیون سکه هم صادر می‌سود می‌بندند کجا به چه قسمی و به چه سراطی؟ در سب معلوم بسبب می‌دانیم که ۲۰۰ هزار سکه در روز به راس صادر می‌سود. ۱۷۰ هزار سکه در روز را سرک‌های سل و سسین سربولیم می‌خرید. چهل هزار سکه در روز را سوری می‌خرد و ۲۰۰ هزار سکه هم دیگر کشورهای اروپای سرفی، فرس اس ۲۲۰ هزار سکه فاعندا ناند بر اساس فرارادهای سپاری "راد رسد عمر سرمانداری" صورت بکند از اس که خرداران بقدی بق حد کسوزجانی همسد (و مالا خادرات به هند خادراته است) اطلاعاتی نداریم و مهم بر اس که اس سراط فروس (فصم هر سکه، بوع بق، ارز برداحی، سجودی برداحی و و) اطلاعاتی نداریم. فرصی کنیم که بقدی بق را بدون بحصفت و

به اس منظور ناند هم خردارانی اسسد که بق ما را سکنای ۲۷ دلار خرد و هم ما قادر باسبم که بق را بولند و صادر کنیم. وضع بازار را که دیدیم. حسن عطسی در بازار بق دبدد بقی سوسد. هممحا صحت از تزویی عرسد بر بقا صاسب. اما آنا ما می‌بوانیم اس مقدار بقرا صادر کنیم؟ معاون وزارت بق در مصاحبهی با محرکزاری نارس (۷ خرداد) در مورد امکان صدور ۲/۵ (و

می‌بواند بدون آن سر کند. اگر از نظر رهبران حزب بوده اس عناصر، "عبرمسئول" و "ساساس" همسد، سس دیگر خرا برای کسایس هدف خود و سب گزین اس دسب به داسی "مسئول بس" و "سنا حسد سده برس" عنصر، بقی دولت، می‌رسند و به او عسج و لاند می‌کنند، و چرا دولت اسس "عبرمسئولان ساساس" را گرامی می‌دارد و به درخواست‌های اسان وقعی بقی بگذارند!!

به سکنای ۲۷ دلار آن هم به طور بق می‌فروسم.

خوب، حال اگر بخواهیم متوسط صدور بق رورانهی ما در سال جاری (که هم‌اکنون بس از دو ماه از آغاز آن کدسد است) ۲/۵ میلیون سکه ناند چه ناند بکنیم؟ بحسب ناند فراموس بکنیم که مصرف داخلی ما حدود ۵۰۰ هزار سکه در روز است ساراس ناند ۳ میلیون سکه در روز بق بولند بکنیم با سوانم مدارانی در حدود ۲/۵ میلیون سکه در روز داسه باسبم. و در نایی ما بوجه به اس که هم‌اکنون دو ماه و سبم (بعنی ۷۷ روز) از آغاز سال جاری کدسد است و حناحه عرض کنیم که اس لانه ما نمان خرداد به بصوت رسد در ۹۲ روز از ۲۶۵ روز سال، بولند ما حدود ۱/۶ میلیون سکه در روز بوده است. در سجده در ۹ ماه باقی‌ماندهی سال ناند بولند خود را بقدر افراس دهم که ما بوجه به بولند متوسط سه ماهه بی‌رورس اردسبب، خرداد، بولند متوسط روراندی ما در سال به ۳ میلیون سکه رسد. حساب ساده‌ای ساس می‌دهد که برای حصول به اس هدف مسموی باید دو ۲۷۲ روز باقی‌ماندهی سال، حدود ۲/۵ میلیون سکه بق بولند بکنیم و ۳ میلیون سکه‌ی آن را صادر کنیم.

حصول بق حسن هدفی ممکن به اس منظور ناند هم خردارانی اسسد که بق ما را سکنای ۲۷ دلار خرد و هم ما قادر باسبم که بق را بولند و صادر کنیم. وضع بازار را که دیدیم. حسن عطسی در بازار بق دبدد بقی سوسد. هممحا صحت از تزویی عرسد بر بقا صاسب. اما آنا ما می‌بوانیم اس مقدار بقرا صادر کنیم؟ معاون وزارت بق در مصاحبهی با محرکزاری نارس (۷ خرداد) در مورد امکان صدور ۲/۵ (و

می‌بواند بدون آن سر کند. اگر از نظر رهبران حزب بوده اس عناصر، "عبرمسئول" و "ساساس" همسد، سس دیگر خرا برای کسایس هدف خود و سب گزین اس دسب به داسی "مسئول بس" و "سنا حسد سده برس" عنصر، بقی دولت، می‌رسند و به او عسج و لاند می‌کنند، و چرا دولت اسس "عبرمسئولان ساساس" را گرامی می‌دارد و به درخواست‌های اسان وقعی بقی بگذارند!!

۱۶ آذر شماری ۶۸ (دفتر مامد "مردم" فعلا در افعال عناصر "ساساس" از سس ار جیدی، عبرمسئول!) است. (نامه‌های مردم از زمان افعال دفتر حزب تا شماری ۱۳۱۹، ۵ سپتامبر ۱۳۵۹) السند اس حجلات را لاند به عسوار "اخرای" می‌رسنه است ولی در مسمی، حر "سوروسبسم رورمه" حزن بسبب و ناند بدسرفب که اس دوات به اسوروسبسم معناد سده، دبگر

به ۳ میلیون سکه در روز کتب: " برای ماسی اس بودجه ناند رورانه به سبار ۲/۵ میلیون سکه بق به خارج صادر سوسد که ما بوجه بق جبک، فعلا "سور اس مقدار امکان بانب بسبب" (بکند از ماس) و بق هم سبورمداند اصافه می‌کند "مکن است در آندده محور سوس اس مقدار را به ۳/۵ میلیون سکه در روز بسز بساسم."

چه آگرواسی زبانی! محصصان بقرواسد که اس لسرال است سارادیکال؟ بودخانی می‌دهند و می‌کوسند بودخانی اس معادل (و حتی یکی هم بصحیح می‌کند که حبر بکوند "بودخی معادل" بکوند "بودخی ساسب"، کبها، ۳۰ اردسبب). در هر حال فعلا به همان معادل اکتفا کنیم: بسبا بقص اس بودخی معادل در اس اسب که ما می‌بوانیم عاتلس را برقرار کنیم: برای اس‌کار باند بق صادر کنیم و فعلا هم به ما می‌بوانیم بقی صادر کنیم و به اگر هم سوانم سسری بقا می‌سود.

تخود بسبب که دولتمداران کفنهاند "عرسد و بقاصا، عربی است!" اس بسودی هماس اصصاد به اصطلاح مکیبی بی‌عرسد و بقاصت که بودخاس هم "معادل" می‌سود! و باهم بسجود بسبب که وقعی از رور بسابع درباردی سبم بق در بودخه و فروسی بق در بازار جهانی می‌رسد جواب می‌دهد" معلوم است که بودخه سال ۶۰ سراس بق اسب. و بق درباردی سناج کاشس اجنبالی قسب بق اصافه می‌کند "اگر به ساسب به سرفی به عربی خود ادامه بدهیم هیچ سرسی بخواهیم داسب" (کبها، ۳۰ اردسبب). به عرسد به بقاصا، و به سرفی بدعربی، و اسبب راز اصلی بودخی معادل صد امربالسسی!

" در سال حکومت قانون، دفتر حزب توده ایران را بار بس دجید... امید وانتظار ما از مقامات مسئول آن است که در "سال حکومت قانون"، دبیرخادی کمیتهی مرکزی حزب توده ایران و دفتر حزب و ماهی مردم در تهران و شهرستان‌ها... بد صاحب اصلی آن - حزب توده ایران - بازگردانند" (مردم، شماره ۴۷۸، (ادامدداد)



متن پیام‌های نیروها و شخصیت‌های مترقی بین‌المللی به برادر مجاهد مسعود رحوی

پیام انجمن کشیشان موحد زندان ایوا سیتی

۹ سال قبل در حبس زوری اعضای بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق ایران به وسطی حلالان ساه به منزل رسیدند، از آن زمان چهارم خرداد به عنوان روز بزرگداشت حبس آزادی خواهانه بوده‌های ایران محسوب می‌گردد. امروز سازمان مجاهدین خلق ایران ادامه دهندگان این حبس برحق می‌باشد. رحوی یکی از بارماندگان همان کادر رهبری اولیه می‌باشد که هنوز فعالانه راه‌آن شهدا را ادامه می‌دهد، ما اسان را به طور احص سانسدهی بحسین دانسه و هم حبس به میلیسیای دلیر و بمای سسل انقلاب نه خاطر مقاومت حماسه آفرینسان در راه آزادی سبریک می‌گوئیم.

انجمن کشيسان موحد زندان آيواسيتي - آيووا
۲۲ مه ۱۹۸۱

تلگراف گروه حمایت کنندگان حاکمیت انقلابی گرانادا

رهبری سازمان مجاهدین خلق ایران - مسعود رحوی ما حمایت کننده‌ی NJM عمیق ترین همدردی خود را به رهبری و رفقای سازمان مجاهدین خلق ایران در بهمین سالگرد شهادت بنیانگذاران، به وسطی عوامل جنایتکار ساواک محسوسا بهلولی، دست سانسدهی آمریکا بنفدیم می‌دارم. در هر حال اگر چه اکنون زمان سسلب است ولی ما احساس می‌کنیم که ناند اظهار سادمانی سمود، چرا که علی‌رغم اس‌صربهی وحسانه. سازمان سجاهدین خلق با قدرت و وسعت نه تنها در ایران بلکه هم‌حبسین در سطح جهانی رسد کرده و ما احساس می‌کنیم که این سانهی احراز و بحرك سازمان است. هنگامی که رژیم عاصب بهلولی ۵ رهسو انقلابی سها را سبرباران کرد تصور می‌کرد که ما اس‌کار قادر خواهد بود که آزادهی خلق ایران را مبتنی بر مبارزهی علیه رژیم جاهطلب و طالبان را سبر از سن سبرد، در عوض با اس‌کار او اس‌س مقاومتی را برافروخت که سراسجامس به سرتگونی وی انجامسد. ما گروه حمایت کننده NJM در لندن سبناهت‌هایی بین مبارزه برای آزادی در گرانادا بر علیه دیکتاتوری بی‌رحمانه "جری" (JERY) و مبارزهی سازمان مجاهدین خلق ایران در ایران می‌بینیم. در آن هنگام در سال ۱۹۷۳ رهبران ما سگحه سدد و مردم ما سرتکوب گردیدند، حسری که به سگسبه خونین سناحه سد. این سرتکار همان حبری است که بیک سال قبلس در ایران برای رهبری و رفقای مجاهد اتفاق افتاد. در سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۹ ما مانند برادران ایرانی خود در جنگال بک عاغل آمریکا رچر کشیدیم مردم ما هم‌حبسین به‌فصل رسیدند و آسیب ددند و برور سددند. ولی مانند رفقای سازمان سجاهدین خلق ار طریق مبارزهی مسلحانه بود که ما سواسیم "جری" دست‌نشاندهی آمریکا را سگسب دهیم.

نور انقلابی سازمان مجاهدین خلق ایران علی‌رغم ضربات سدید، مانند آنچه در ۲۵ مه ۱۹۷۲ انجام گرفت تنها باعث قدرت بحسین س‌آزادهی رفقای سازمان مجاهدین خلق ایران در مبارزه خواهد بود. بنابرین پس ار کدست ۹ سال ما گروه حمایت کننده NJM در لندن نه رفقای مجاهد خود می‌گوئیم که آزادهی خود را حفظ کنید، انقلاب خود را قدرت بحسند. پس به سوی اسقلال واقعی، و امترالیسم را به هر سکلس از بین سبرید.

۲۵ مه ۱۹۸۱

پیام شخصیت‌ها و نیروهای مترقی در شهرهای

لوس آنجلس سانتیاگو، سیاتل واشینگتن، پورتلند، بوجین

- برادر مجاهد مسعود رحوی:
- * گرامی باد چهارم خرداد سالروز شهادت بنیانگذاران کبیر سازمان مجاهدین خلق ایران، بدون سک اس حرکت انقلابی عظیم که به دست مجاهدین طاند
 - * حبس برادر، سمد محسن و علی‌اصغر بن‌دیع رادگان بنیان کداسه سد نه وسطی مقاومت فهزمانانهی دنگر مجاهدان دریدد و ربر سکحه اسحکام سسری نافت. درودهای انقلابی ما به سها که فهزمانانه در ریدان‌ها مقاومت نمودند و امروز سماندهی حفصی این سسل انقلابی می‌ناسید.
 - * امضا کنندگان:
 - * لیسلی خاکوئیس وکیل مرفی لوس آنجلس
 - * کمپنه همسنگی با خلق السالوادور لوس آنجلس
 - * کاسا السالوادور - لوس آنجلس
 - * نسک فورس امریکای مرکزی، لوس آنجلس
 - * حبس حدسد همسنگی با اسقلال و سوسالیسم بوربوریکو در لوس آنجلس
 - * کمپنه سازماندهی بربری فایر (بوربوریکو) در لوس آنجلس
 - * الیونی اسناد ریان فراسه در دانشگاه (UC LA) لوس آنجلس
 - * هاگ‌بیری اسناد حقوق سیاسی در دانشگاه UC LA در لوس آنجلس
 - * مرکز اطلاعاتی گوانالا، لوس آنجلس
 - * سرب. ن. کرون. استاد جامعه‌شناسی دانشگاه ایالتی لوس آنجلس
 - * کمپنه برای دمکراسی جهانی در شهر سانتیاگو کالیفرنیا
 - * اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطینی سانتیاگو کالیفرنیا
 - * سازمان دانشجویان عرب، سهر بوجین اورگان
 - * اعتلاف حمایت از رهائی شهر کوروالس اورگان
 - * جیمز دی کول
 - * ادوین سرتگوس اسناد تاریخ دانشگاه ایالتی اورگان
 - * مایکل اسپرنبرگر اسناد زبان دانشگاه ایالتی اورگان
 - * ریچارد سال - کلینن اسناد سهرهای مرفی دانشگاه ایالتی اورگان
 - * اتحادیه فیلیپینی‌های دمکراتیک KDP لوس آنجلس
 - * انجمن دانشجویان یا کسان سهر سابل واسینگتن
 - * دکترنام و سمن پروفوسور فلسفه دانشگاه ایالتی سانتیاگو کالیفرنیا
- نوجه: امضاء کنندگان فوق هر کدام جداگانه سن لگزام را ارسال دانسه‌اند که برای احصار سمانی امضاءها را یکجا زیر سن یادداشت کرده‌ام.

پیام حزب سوسیالیست ایوا سیتی

حزب سوسیالیست ایوا چهارم خرداد را همراه با مردم ایران جس می‌گیرد.

ما می‌دانیم که آن‌ها می‌توانند رهبران ما را به صل برسانند اما سیر می‌دانیم که مبارزه روند خود را دنبال نموده و هم‌چنان با حبسیت بیسری ادامه دارند اسام این خون‌ها سسگرفته سود.

رحوی هم‌چنان که امروزه از پیسازان می‌یاسد در آن روزها نبر از پیشنازان بود و تا آخرین روز زندگی حوس نیز حبس خواهد بود. نه سمانی اعضاء و هواداران و مردم تحت سنم این هواداران بالقوی مجاهدین و هم‌حبسین میلیسیا پیام همسنگی خود را بنفدیم می‌داریم، مبارزه هم‌چنان با برجاست

پیام کمیته‌ی همبستگی جنوب آفریقا اوکلند کالیفرنیا

به مسعود رحوی:

در سالروز شهادت بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق ایران به بزرگداشت شما می‌پیوندم آنان مقاومتی فهزمانانه را بر علیه شاه‌بنیان نهادند. برادر مسعود شما همانند آنان در ادامه‌ی راه بنیانگذاران مجاهدین مقاومتی فهزمانانه و حماسه‌آفرین را خلق نمودید. صمیمانه‌ترین درودهای خود را بالاحص به سها به عنوان بازماندهی آن پیسازان بنفدیم می‌داریم، رنده باد سازمان مجاهدین خلق ایران

۲۳ می

پیام

گروهی از استادان و دانشجویان

دانشگاه ایالتی شمال تگزاس

به برادر مجاهد مسعود رحوی

سالگرد شهادت بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق ایران را معسم سمرده پسینانی خود را از سما به عنوان نمابندهی سسل انقلابی ایران اعلام می‌دارم. ما این سالگرد را گرامی می‌دارم زیرا جریان افخار آمیزی است که به وسطی آن بنیانگذاران، پایه‌ریزی سده و سوسط افرادی مقاومت و انقلابی نظیر شما ادامه یافتند، کسانی که امروز ما وظیفهی حطیر رهبری سکی از سگرسده‌ترین حربانات ضدامیرالیسی کسور انقلابی ایران علی‌رغم سمان کوشش‌های ارجاعی در سوقف کردن، این جران را رهبری می‌کنسد.

- * جان بی‌نامپسون، پروفوسور علوم سیاسی دانشگاه ایالتی شمالی تگزاس
- * رولنه وگمن دوچمین پروفوسور علوم آمورس دانشگاه ایالتی شمال تگزاس
- * گروهی از دانشجویان بحربی ضدامرالیسد در سن‌س تگزاس

متن پیام‌های نیروها و شخصیت‌های مترقی بین‌المللی به برادر مجاهد مسعود رجوی

پیام کارلوس پین یا کوا

نمایندگی جبهه‌ی
دموکراتیک انقلابی السالوادور
سانفرانسیسکو

سازمان مجاهدین خلق ایران - مجاهد مسعود رجوی،
ما این سطور را برای برکداس ۵ شهید شما
در چهار خرداد می‌نویسیم. سازمان شما و رهبران
آن نالایق‌ترین ارباب‌های جنس انقلابی ایران را دارا
هستید. اعمال شما در ادامه‌ی راه شهیدان
بوده برای ما که نصف جهان از شما دوریم آمد
حسن است.

تلگراف

گروه کمونیستی انقلابی (C.G.R)
انگلستان

در بهمن سالگرد شهادت بنیانگذاران و رفقای
سازمان مجاهدین خلق، گروه کمونیستی انقلابی
(RCG) درودهای انقلابی و همبستگی خود را
خطاب به سازمان مجاهدین خلق ایران و رهبران
اعلام می‌دارد.

سازمان مجاهدین خلق ایران و رهبران در
طی این مدت ۹ سال به عنوان یکی از نیروهای
مبارزات سیاسی - نظامی خلق‌های ایران نفس فاطم و
حنایی در تمام مراحل مبارزاتی که به سقوط و نابودی
رزم صفور راه انجامید، ایفا نمودید.

مبارزه‌ی سیاسی و مسلحانه قبل از نابودی رزم شاه
و نفس حنایی‌اس در تمام دوره ۱۹۷۹ موضع فاطم صد
امیرالسنی و شهادت تعداد زیادی از اعضا و
هواداران - شما حاکمی و شاهد بر خصوصیات
انقلابی و صد امیرالسنی آن سازمان می‌باشد. امروز
جبهه بسپرد مبارزه برای آزادی انقلابی که بدون آن
مبارزه صد امیرالسنی خلق‌های ایران قادر به
ادامه با نیروی بهائی نمی‌باشد، سازمان مجاهدین
خلق و رهبران به حق سزا دادند که ادامه دهنده
و وارث سنت انقلابی و صد امیرالسنی بنیانگذاران
این سازمان که در سرد علمه امیرالسنی به شهادت
رسیده‌اند می‌باشد.

سازمان مجاهدین خلق ایران و رهبران در
مقاومت علیه حقیقت جناح انحصارطلب مرتجع، سزا
دادند که برحم دموکراسی انقلابی را که بحسن بار
بوسیله بنیانگذاران این سازمان باحترام در آمد
هم‌چنان بر دوش خود، هر چند برافراشته‌تر حمل
می‌نمایند. گروه کمونیستی انقلابی در انگلستان به
سجاعت و اراده‌ی خلق‌های انقلابی ایران و سازمان
مجاهدین خلق ایران در کوشش به منظور کشت بی‌روزی
کامل در مبارزه‌ی صد امیرالسنی درود می‌فرستد.

پیام اتحادیه‌ی ملی وکلادرا ایوا سیتی

۹ سال قبل در روز چهارم خرداد بنیانگذاران
سازمان مجاهدین خلق ایران جان خود را برای ملت
ایران فدا نمودید. در این روز، شهادت آنان در
رندان‌های شاه را به خاطر می‌آوریم و آرزو می‌کنیم که به
خاطر آن فدا گسند را ارج می‌نهیم. رجوی یکی از
معدود نارماندگان بحسن کادر رهبری امروزه در کنار
رهبریت کومی سازمان مجاهدین خلق ایران ادامه
دهنده‌ی راه انسان می‌باشد. به‌مناسبت این روز
هم‌چنین به‌میلینیا و تمامی نسل انقلابی ایران این
رهروان صدیق راه انقلابی سازمان مجاهدین خلق
ایران بخاطر مبارزات قهرمانانه‌شان تبریک عرض می‌نمائیم.

پیام

کمیته‌ی فلسطین دموکراتیک
کالیفرنیا

سازمان مجاهدین خلق ایران - تهران - ایران
برادر مجاهد مسعود رجوی:

ما سالروز چهارم خرداد سالروز شهادت
بنیانگذاران کبر سازمان مجاهدین خلق ایران را
گرامی می‌داریم. ما مبارزه‌ی قهرمانانه‌ی سوده‌ای
ایران را به رهبری سازمان‌های حقیقتا انقلابی که
سما یکی از مهم‌ترین فاکتورهای آن بودند را گرامی
می‌داریم. ما اکنون مبارزه‌ی عادلانه‌ی دموکراتیک
داخل ایران را برای دامن آزادی بسیر و برای
بندس آوردن استقلال اقتصادی داخل ایران
سیاسی می‌کنیم. رنده‌نادر مبارزه‌ی سوده‌های
ایران، رنده‌نادر مردم فلسطین، رنده‌نادر مبارزه‌ی
مردم جهان.

پیام کمیته مرکزی

سازمان کارگران انقلابی در آمریکا
ایوا سیتی

چهارم خرداد روزی است که یادآور مبارزات
برخو مردم ایران برای بدست آوردن حقوق حقه‌ی
خود می‌باشد. در این روز بنیانگذاران سحاع
سازمان مجاهدین خلق ایران جان خود را در راه
آزادی فدا نمودید، رهبران کومی سازمان مجاهدین
خلق ایران محطه رجوی میراث‌داران و رهروان
راه بنیانگذاران می‌باشند، رجوی شما، بازمانده
از اولس گروه رهبری کننده‌ی آن سازمان می‌باشد
که امروز ادامه دهنده‌ی حبش انقلابی آنان است
. درود بر میلینیا و تمامی نسل انقلاب به خاطر
مبارزات قهرمانانه‌شان در راه برافراختن سازمان
مجاهدین خلق ایران.

۱۹۸۱/۵/۲۲

پیام رئیس دانشکده‌ی شیمی

دانشگاه لینکلن
وا نچمن دانشجویان فلسطینی
فیلا دلفیا

سازمان مجاهدین خلق ایران - تهران - ایران
برادر مجاهد مسعود رجوی:

فرارسیدن سالروز شهادت بنیانگذاران کبر
سازمان مجاهدین خلق ایران را گرامی می‌داریم،
پایه‌ریزی این سازمان به وسیله‌ی آن قهرمانان و
نارورساحس آن با مقاومت هم‌زمان در رندان و
سکته‌گاه‌های رزم شاه توانسته است یک حرکت
عظیم انقلابی را در جامعه‌ی ایران بوجود آورد،
برادر مسعود، شما خود همراه آن شهیدا بواسطه
یکی از برکوه‌ترین حماسه‌های مقاومت را خلق کنید
ما صمیمانه‌ترین بهنیت‌های خود را به ویره به
سحسی چون شما به‌عنوان بازمانده‌ی آن پیمان‌سازان
و نماینده‌ی نسل انقلابی ایران تقدیم می‌کنیم.

اس - سی - سو باراد رئیس دانشکده‌ی شیمی
دانشگاه لینکلن پستلوانیا

اجمن دانشجویان فلسطینی در فیلا دلفیا
۱۹۸۱/۵/۲۲

پیام سازمان دانشجویان عرب

ایوا سیتی

درود بر شما به‌مناسبت ۴ خرداد
این روز یادآور مبارزه‌ی سوده‌های ایران برای
آزادی و دموکراسی می‌باشد هم‌چنین این روز، روز
برکداس شهادت بنیانگذاران سازمان مجاهدین
خلق ایران می‌باشد که به وسیله‌ی جلادان شاه در
رندان به شهادت رسیدند. امروز رهبران سازمان
مجاهدین خلق ایران برحم سرحی که به وسیله
بنیانگذاران سازمان برافراشته شده بود بر دوش
حمل می‌نمایند. مسعود رجوی که یکی از بارماندگان
گروه اولیه است علی‌الخصوص ساسندی بحسن و
بقدیر می‌باشد. ما هم‌چنین به میلینیا و تمامی
نسل انقلابی برای مبارزه‌ی سحاعانه‌شان تبریک
می‌گوئیم
۱۹۸۱/۵/۲۳

پیام

حزب دموکرات کردستان ایران
تشکیلات اروپا

سپیده‌دم خونین ۴ خرداد ۵۱ یادآور خون
رزمندگان مجاهدی است که در آستانه‌ی سفر
نوطه‌آميز نیکسون جنایتکار به ایران رزم
خونخوار بهلولی به‌ناجوانمردانه‌ترین اعمال دست
زده و خون ناکسین فرزندان خلق را به
زمن ریخت. بنیانگذاران سازمان که به دنبال
درک وظیفه‌ی تاریخی خویش برای آزادی خلق از
فید هرگونه ظلم و استعمار فیکتبه دست گرفته و با
شهادت انقلابی‌سان راه‌جیش مسلحانه‌ی خلق را
روسی بسیری بحسبندند. ما بهمین سالگرد
شهادت بنیانگذاران را به شما رهبران سازمان که
شما ادامه دهنده‌گان راه آنان می‌باشید تبریک
می‌گوئیم و بیروزی کاملتان را بر دشمنان خونخواران
حواستارم.

حواذانه نادر خاطر شهیدی رزمنده‌ی خلق

پیام جمعی از

نیروهای مترقی در کالیفرنیا

سازمان مجاهدین خلق ایران - تهران - ایران
برادر مجاهد مسعود رجوی

فرارسیدن چهارم خرداد سالروز شهادت
بنیانگذاران کبر سازمان مجاهدین خلق ایران را
گرامی می‌داریم. با درگیری این سازمان بوسیله آن
قهرمانان و بارور سحس آن با مقاومت هم‌زمان
در رندان‌ها و سکته‌گاه‌های شاه توانسته است یک
حرکت عظیم انقلابی را در جامعه‌ی ایران بوجود
آورد، برادر مسعود: شما خود همراه آن شهیدا
بواسطه یکی از برکوه‌ترین حماسه‌های مقاومت را
خلق کنید. ما صمیمانه‌ترین بهنیت‌های خود را
بالاحص به سحس شما به عنوان بازمانده‌ی آن
پیمان‌سازان و نماینده‌ی نسل انقلابی ایران تقدیم
می‌کنیم رنده‌نادر سازمان مجاهدین خلق ایران
* اتحادیه‌ی عمومی دانشجویان فلسطینی (کالیفرنیا)
* بنیاد عربی فلسطینی در کالیفرنیا

متن پیام‌های نیروها و شخصیت‌های مترقی بین‌المللی به برادر مجاهد مسعود رجوی

پیام پدر کالوندیس

دبیر اول کمیته

اتحاد با خلق السالوادور

در منطقه‌ی غرب میانه

هم‌حون روز جهانی کارگر چهارم خرداد در ایران روزی است برای به خاطر آوردن جنبش برای آزادی و نیل به جامعه‌ی بی‌طبقه‌ی سوحدی. چهارم خرداد هم‌حین روز بزرگداشت شهدای اعضای بنیانگذار سازمان مجاهدین خلق ایران می‌باشد که ۹ سال پیش در زندان شاه به وقوع پیوست. امروز سازمان مجاهدین خلق ایران تحت رهبری فعلی و به خصوص شخص مسعود رجوی که یکی از بازماندگان کمیته بنیانگذار سازمان می‌باشد طریق جنبش انقلابی را ادامه می‌دهد. درود بر میلیسیا و نسل انقلاب در این روز انقلابی

۱۹۸۱/مه/۲۳

شتر انحصار طلبی

برد در خانه

کارمندان غیر حزبی

شبکه دوم تلویزیون

براسی که 'سهر صد کلانبر' و جهسمبه با مسائلی برای مرجعین تازه به قدرت رسیده و غم‌له و آگره‌ی آن است. بدن 'سرب' به اگر در دوران فتوادلنسه این جان‌ها و جان‌زاده‌ها بودند که هر کدام بر گوشه‌ای از مملکت حکمرانی می‌کردند، امروز از انواع و اقسام به اصطلاح فساد و حاکم 'سرع' گرفته تا 'آب'ها و 'آبات' کوناگون و بوه و بواده و بیره‌های آنان، با انواع و اقسام امامان روزهای جمعه و غنره جمعه و امامزاده‌های آنان هر کدام سهر و ده و محلله‌ی را فرق و بیول حکمرانی خود کرده است. و البته اسمال 'سال فابون'!!! است والا...

ولی از حق نباید گذسه که در میان ناسامانی‌ها و از هم گسیختگی‌ها و لیبسوی موجود که در نوع خود تاریخ بی‌نظیر است مرجعین حاکم بر سر یک موضوع اتفاق نظر و هماهنگی کامل دارند و این هم یکی دیگر از ویژگی‌های کم‌نظیر حضرات است که حتی با انواع فزون و سطانی‌اش نیز قابل مقایسه نیست. این

پیام انجمن دانشجویان امریکای

لاتین در ایوا سیتی

آقای مسعود رجوی:

۴ خرداد هم‌حون هر روز انقلابی دیکر برای بزرگداشت جنبش‌های بوحیدی ارانام دیکر بکک می‌گردد، به علاوه ۴ خرداد روز احترام به شهدای بنیانگذار سازمان مجاهدین خلق ایران که ۹ سال قبل به دست شاه به قتل رسیدند می‌باشد. امروز رهبری کنونی سازمان مجاهدین، به خصوص شخص شما ادامه دهندگان راه جنبش انقلابی هستید. آقای رجوی ما شما را به عنوان یک نارمانده آر آن گروه بنیانگذار به همراه منلسنا و تمامی نسل انقلاب سایشی بحسن می‌دانم.

۲۲ ماه مه ۱۹۸۱

پیام اتحادیه ملی دانشجویان

و کمیته حقوق بشر فلسطین

درد بی‌ترویت می‌شیگان

برادر مسعود رجوی

۹ سال پیش در حبس زوری برادران شما بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق ایران به وسیله‌ی رژیم شاه شهید شدید. انقلابیون حوایی که امیدوار پایه‌گذاری کردن حرکت بوده‌ای بر علیه دیکتاتوری و امپریالیسم بودند. حماسه‌ی مقاومت آن‌ها زیر سدیدترین سگجه‌ها و احساق امروز، سرلوحه‌ی انقلابیون جوان می‌باشد ما گرم‌ترین تبریک خود را به شما به عنوان یکی از دنبال‌کنندگان بنیانگذاران انقلابی مجاهدین و به عنوان پیساز انقلاب ایران ارائه می‌کنیم

۲۳ مه ۱۹۸۱

پیام جنبش جدید همبستگی با استقلال و سوسنالیسم پور نور یکو

شهر برکلی

بمجاهد مسعود رجوی:

ما به مناسبت نهمین سالگرد شهادت ۳ بنیانگذار و دو عضو دیکر سازمان مجاهدین به شما و سازمان مجاهدین خلق ایران نهایت می‌گوئیم، حرکت انقلابی حماسه‌آفرینی که توسط آنان بنیان گذاشته شد و مقاومت هم‌زمان با ماندن شما در مقابل اسارت و سگجه بالاخره امروز به‌دست‌های خود نایل گردیده است. ما به نسل انقلابی شما به همین مناسبت نهایت می‌گوئیم.

۲۳ مه ۸۱

پیام کمیته همبستگی

با خلق السالوادور

و امریکای لاتین در ایوا سیتی

ما جوسوف هسسم که از فرصت بدست آمده استفاده نموده‌ام نام همسگی و نائند و بحسن خود را بخدمت رهبریت سازمان مجاهدین خلق ایران رسانم. ۹ سال قبل در حبس زوری قادر رهبری سازمان مجاهدین در درون زندان‌های شاه به شهادت رسید، در حبس زوری ما مبارزات تمامی مردم ایران را برای آزادی گرامی دانستیم، سازمان مجاهدین و شخص مسعود رجوی را به عنوان بارمانده از گروه بنیانگذاران و ادامه‌دهندگان مواضع اولندی این سازمان سانشی بحسن و نائند می‌دانم. درود و نهایت بر منلسنا و تمامی نسل انقلاب به خاطر فیرمائی و از خودگذشتگی آنان در اهداف انقلابی سازمان مجاهدین خلق ایران.

۲۱/مه/۱۹۸۱

تقدیرنامه ۲۸

هشدار مجاهدین

خلق ایران -

شاخه‌های نذران

توطئه‌گر وابسته به حزب چماق‌دار حاکم و ارگان‌های مسلحتن صورت می‌گیرد هشدار می‌دهند و ضمن محکوم کردن این زورهای ضد مردمی و جنگ افروزی، به انحصارطلبان و ایادی مسلحتان سرانجام تکیه‌گران و زندانبانان و توطئه‌گران آریامه‌ری را یادآور می‌شود.

ما اطمینان داریم که تمامی این دسیسه‌چینی‌های ارتجاعی در پرتو هوشیاری و مقاومت انقلابی مردم قهرمان نذران نقش بر آب خواهد شد. چرا که بنا به سنن خدشه‌ناپذیر تاریخ و مشیت محکوم الهی دسیسه‌چینی‌های توطئه‌گران محکوم به شکست است و سرانجام تمامی مرتجعین و جتایتکاران تاریخ جز خسران و تباهی نبوده و نیست.

مجاهدین خلق ایران -

شاخه‌ی نذران

۵/خرداد/۶۰

فرستاده و رفت و آمدها را کسرل می‌کند.

— بر خلاف نص صریح قانون اساسی خود حصرات برگزاری راهپیمائی و مسک را با اطلاعیه‌ی مسوع اعلام می‌کند و در همان حال با صدور اطلاعیه‌ی دیگری حزب حاکم امت شهید پرور را به راهپیمائی دعوت می‌کند.

خلاصه کیم، آس خرص و آز مرجعین حاکم اکنون حان بالا گرفته است که هر فرد و جماعتی را که کوچکترین "نمایزی"، دعت کبید "نمایز" و به حتی احلاف با مرجعین داشته باشد در بر می‌گیرد.

و اکنون نوبت آن دسه‌از کارمندان شبکه‌ی دوم رادیو - تلویزیون که به نظر می‌رسد حاضر نشده‌اند جسم و کوس را کاملاً بسنه و در خدمت حضرات درآیند، رسیده و با صدور بخشنامه، کریمی رئیس

حزبی شبکه‌ی ۲ و به کمک ژ-۳ بدسان ارجاع از کار برکنار شود تا سورچشمی‌های حزبی جای آنها را بگیرد. و این هنوز از سایج سحر است.

بالا می‌برند و بعد از آن با حد "سیطان" سزلسان دادند.

از آن زمان تاکنون نیز اهرم‌های حکومتی یکی پس از دیگری به انحصار درآمد. از هوی مفسه و فضاثبه و مجربه گرفته تا رادیو تلویزیون و مطبوعات و البته مسحد و میر غضب شده‌ی رسول خدا که مرجعین آن را ارت و مراب بارخی خود می‌دانند جای خود دارند...

سوهی کاربیز در "قانونی" برین شکلتی که نازگی‌ها و بعد از اسقرار نهادهای قانونی!! به صرافت آن افشاده‌اند، صدور بحسامه و اطلاعیه است و بعد اعزام ر-۳ بدسان حافظ قانون برای اجرای بخشنامه!

بعنوان مثال: — به اصطلاح دادستانی انقلاب برای فعالیت احزاب و گروه‌ها اطلاعیه‌ی ۱۰ ماده‌ای صادر می‌کند درحالی که لایحه‌ی کذائی احزاب در مجلس مورد شور و بررسی "قانونی"!! است. — هنوز بانک مرکزی و هلال احمر رسما و قانوناً!! به بیول در نیامده دادستانی با صدور اطلاعیه "مامور" به درب آن

عروه‌الونقی مرجعین که همگی بدان جنگ زده و کوچکترین خدشه بدان را نیز تحمل نمی‌کنند جز "انحصارطلبی نام و نام" چیز دیگری نیست. کفیم "انحصارطلبی" اما راسس را بخواهید برای خود ما هم از همان ابتدا اینگونه عمق و گستردگی آن آسکار شده بود و اکنون هر روز که می‌گذرد چهره‌های باز هم کره‌بری از این خصوصیت را شاهد هستیم بنحوی که اگر بخواهیم این خصمه را در یک جمله خلاصه کیم اسگونه خواهد بود: "من" و "حزب من" و فقط "من" و غیراز "من" و دیگر هیچکس.

ملاحظه کنید: حصرات در همان ابتدا با درک غریزی و طبقاتی خویش حطر بیروهای انقلابی و مرفی را درک کرده و با انواع واقسام حربه‌ها به جنگ آنان رفسه و به اصطلاح حسابشان را با آنها بصفیه کردند. سپس سوبت رهبران حکومتی رسید. همامها که نا دیروز که بدانان احسباح داشتند آنان را نا عرش‌اعلی و "دولت امام‌زمان"

هشدار مجاهدین خلق ایران - شاخه مازندران درباره تحریکات و توطئه‌های جاری علیه مجاهدین در مازندران

تبریک مجاهدین خلق ایران به رئیس جمهور بمناسبت افشای قراردادهای استعماری

حمایت عموم طبقات و نیروهای ملی، مردمی و انقلابی است. و به نام نخستین رئیس جمهور ایران در تاریخ معاصر ما ثبت خواهد شد.

از این حیث، ما آرزو مند آنیم که رئیس جمهور ایران، فارغ از هرگونه مداخلات قدرت در "بالا"، با اتکال به اراده‌ی استقلال طلبانه‌ی تمام طبقات و اقشار "پائینی" خلق، در آینده نیز به افشای هرگونه قرارداد و توافق نامهی اسارت بار امپریالیستی و مقاومت در برابر عوام فریبی‌های انحصار طلبان داده و حمایت پایدار کلیه رزمندگان راستین راه استقلال و آزادی جمهوری اسلامی را بگشایند.

مجاهدین خلق ایران
۶۰/۱ خرداد/۶۰

بنام خدا
و
بنام خلق قهرمان ایران

آقای رئیس جمهور
دکتر بنی صدر

سازمان مجاهدین خلق ایران، بدین وسیله ضمیمانه‌ترین تبریکات خود به مناسبت افشای قراردادهای استعماری (همچون توافق نامهی خیانت بار ایران آمریکا بر سر آزادی جاسوس‌های گروگان آمریکائی و قرارداد تالیوت) را به اطلاع شخص ریاست جمهوری و قاطبه‌ی خلق قهرمانان می‌رساند.

اقدامات افشارانیدی اخیر شما در این مورد، بی‌شکمانه حائز اهمیت بسیار ارزنده‌ای در مسیر احقاق حاکمیت ملی و قویا شایسته‌ی

شلاق می‌زنند. در همین چند هفته‌ی گذشته بیش از ۵۰ تن از این زنان مسلمان را به زیر شکنجه برده‌اند. منجمله در تاریخ ۶۰/۲/۲۳ یکی از خواهران را در حال فروش نثریه دستگیر کرده و پس از ضرب و تتم و تکه یارده گردن لباس او در خیابان، او را به زندان برده و در آنجا سیر مورد انواع ضرب و شتم و بی‌حرمتی قرار می‌دهند. مصباح جنایتکار که از روحیه‌ی انقلابی این خواهر قهرمان به عجز افتاده بود او را به ۱۲۰ ضربه شلاق در یک نوبت محکوم می‌کند.

این خواهر بعد از ۸۰ ضربه شلاق بی‌هوش می‌شود ولی جلادان مصباح همچنان به زدن شلاق ادامه می‌دهند تا آنجا که خود شکنجه‌گران به وحشت افتاده و فکر می‌کنند که او به شهادت رسیده‌است.

آنها از انتقال این خواهر قهرمان به بیمارستان نیز خودداری می‌کنند هنگام انتقال این خواهر به زندان او که از شدت ضربات شلاق قادر به راه رفتن نبود مجبور می‌شود که روی چهار دست و پا حرکت کند. این تنها نمونه‌ای از یک جریان فذ خلقی و ضد انسانی شکنجه در شهرهای مختلف مازندران است که توسط حاکمانی نظیر حاکم ضد شرع بابل و ساری صورت می‌گیرد.

۳- انفجار خانه‌ی یکی از هواداران در بابل: حدود ساعت ۱ و ۳۰ دقیقه نیمه شب ۶۰/۲/۲۶ اردیبهشت در قسمت جنوبی خانه‌ی یکی از هواداران در بابل انفجار مهیبی به وقوع پیوست. این انفجار موجب ریختن قسمتی از سقف خانه و آتش گرفتن آن گردید که خوشبختانه به علت خالی بودن خانه در آن شب آسیب جانی به کسب وارد نشدید. شواهد و نمونه‌ها حاکی از آن است که این انفجار توسط عناصر متکوک وابسته به ارگان‌های رسمی صورت گرفته‌است.

۴- آدم ربائی در آمل و استفاده از خانه‌های امن: در تاریخ پنجشنبه ۶۰/۲/۳۱ فردی که در حال عبور از یکی از خیابان‌ها بود توسط اتومبیل سیرغ با چند سرنشین متعلق به سپاه آمل ربوده می‌شود. یکی از هواداران سازمان که تنها شاهد این آدم ربائی بود

فوق طاغوتی که حول این بیدادگاه صورت گرفت و صرف نظر از خوف محاکمه‌ی ۶ تن از هواداران سازمان که آنها را در سلول‌های جداگانه زندانی کرده بودند این صحنه نمایش نشان داد که مرتجعین بدون رعایت ابتدائی‌ترین حقوق قانونی و انسانی دستگیرشدگان، حتی از پخش بدون سانسور همان دادگاه فرمایشی هم وحشت کردند، چرا که در هر صورت پخش بدون سانسور صحنه‌های همان دادگاه نیز علیرغم همه‌ی تزییناتی که برای محاکمه شوندگان، چه قبل و چه در جریان دادگاه صورت گرفته بود، خیلی از حقایق و جنایات - های چماق‌داران حاکمان انحصار طلب نیز افشا می‌گردید. از جمله ضرب و شتم‌ها و شکنجه - هائی که از همان آغاز دستگیری بر هواداران و مردم دستگیر شده وارد آمده بود و تعرض به جان و مال و خانه و زندگی مردم که خاطرات چماق‌داران آریامهری را در ذهن‌ها زنده می‌کرد ...

به نام خدا
و
به نام خلق قهرمان ایران

بطوریکه هموطنان آگاه و انقلابی ما در مازندران اطلاع دارند از همان آغاز اولین روز - های سال جدید که بنا بود "سال حاکمیت قانون" باشد، موج حمله و هجوم و توطئه‌ی حزب ارتجاعی و ایادی مسلحش بر علیه مجاهدین خلق در سراسر مازندران ابعاد تازه‌ای به خود گرفت. تا آنجا که این سیاست‌های سرکوبگرانه‌ی ضد مردمی منجمله به گلوله‌بستن مردم و گشتار ناجوانمردانه‌ی خواهران مجاهد سیه‌منقره‌ی خواجا و فاطمه‌ی رعیمی، عرض کمتر از یک ماهه منجر به شهادت ۵ تن از مجاهدین خلق در مازندران گردید ... بدنبال شکست توطئه‌ی سراسری اخیر و در پی چیران این شکست‌ها، انحصار طلبان و جنگ‌افروزان قصد آن دارند که ضمن ایجاد یک سری تشنجات و حادثه‌آفرینی‌ها در شهرهای مختلف مازندران مجدداً زمینه سازی کرده و یک جریان صفیه و سرکوب خونین مجاهدین خلق را برآوردند.

تنها به جرم حمایت مردم در انتخابات مجلس تحت فشار و دستگیری آن هم با حکم رسمی قرار می‌دهند.

۶- بالاخره در ردیف همین سلسله تحریکات و قتل‌های انگیزی‌های آتش‌فروزانه خبر سراسر کذب و مجعول مندرج در ستون آخر صفحه‌ی چهارم روزنامه‌ی ارگان حزب چماق‌دار حاکم به تاریخ ۶۰/۳/۳ خرداد/۶۰ است. گزارش خبری فوق که حاکی از حمله‌ی هواداران مجاهدین به دفتر حزب چماق‌داران (موسوم به جمهوری) در امیرکلاهی بابل است یکی دیگر از همان شگردهای تبلیغاتی و رسوائی است که بوسیله‌ی این روزنامه‌ی دسیسه‌پرداز ارتجاعی برای جوسازی و بهانه جویی به منظور آتش‌فروزی‌های احتمالی آینده طرح‌ریزی شده‌است مردم قهرمان مازندران! اینها همه جدای از تهاجمات و دستگیری‌های مستمری است که هر روزه در شهرهای سراسر مازندران صورت می‌گیرد بطوریکه هم‌اکنون بیش از ۳۰۰ تن از هواداران سازمان و میلیشیای قهرمان در زندان‌های مازندران به سر می‌برند.

مجاهدین خلق ایران ... شاخه‌ی مازندران نسبت به همه این حوادث که مستقیماً از جانب چهره‌های شناخته شده‌ی بقیه در صفحه‌ی ۳۷

فردای همان روز بوسیله‌ی یک بیگان قرمز رنگ مورد تهاجم قرار می‌گیرد و ربوده می‌شود. پس از ربودن این برادر هوادار، وی را به خانه‌ی امنی منتقل می‌کنند که فرد ربوده شده‌ی روز قبل نیز در آنجا زندانی بوده‌است. پس از یک سری بازجویی از این برادر با تظاهر به اینکه او را اشتباهی ربوده‌اند، آزادش می‌کنند. پس از پی بردن به اشتباه خود مجدداً شب یکشنبه ۶۰/۳/۳ برای دستگیری این برادر به محل سکونت او مراجعه می‌کنند و باعث نگرانی شدید مردم می‌شوند.

۵- یورش به خانسه‌ی شیخ محمد مزیدی گاندیدای مجاهدین خلق در علی‌آباد گرگان در جریان انتخابات مجلس شورا به منظور دستگیری وی.

در تاریخ ۶۰/۲/۱۵ سپاه پاسداران علی‌آباد ما در دست داشتن حکمی از دادگاه ویژه حوزه‌ی علمیه‌ی قم مبنی بر دستگیری شیخ محمد مزیدی، گاندیدای مجاهدین خلق در دوری انتخابات مجلس به رفته و خواستار دستگیری وی می‌گردند که با افشگری او و حمایت گسترده‌ی مردم مواجه می‌شوند. این اقدام مستبدانه نشانی از آخرین تهاجمات انحصار طلبان به آزادی‌های قانونی است که یک گاندیدای

۲- شکنجه‌ی وحشیانه و هولناک هواداران سازمان بخصوص خواهران، توسط مصباح جنایتکار، حاکم ضد شرع و مدتی است که یک جریان حمله و هجوم به فروشندگان نثریه و سپس دستگیری و شکنجه‌ی آنان در بابل توسط عناصر مسلح سپاه و کمیته و بدستور مستقیم مصباح جنایتکار صورت می‌گیرد. این جنایت به یک جریان گسترده و لجام گسیخته تبدیل شده‌است بطوریکه در چند هفته‌ی اخیر بر بدن قریب ۱۰۰ تن از خواهران و برادران میلیشیای بیش از ۲۰۰۰ صربه شلاق جلادان مصباح فرود آمده‌است. که تعدادی از آنها بخصوص خواهران به علت کثرت ضربات شلاق تا سر حد مرگ پیش رفته‌اند. حکم‌های ضد انقلابی حاکم ضد شرع بابل که ابتدا با ۳۰ و ۶۰ صربه شلاق صادر می‌شده، اکنون در اوج درماندگی ناشی از مقاومت قهرمانانه‌ی میلیتیای به ۱۲۰ و ۱۳۰ ضربه شلاق تبدیل شده‌است مصباح و جلادانش به شیوه‌ی اسلاف ساواکی‌شان بیشرمانه و بدون رعایت کمترین ملاحظات انسانی و اسلامی ساعت‌ها بر بدن خواهران و برادران با

۱- تبلیغات ساواک‌گمانانه
مرتجعین حول بیدادگاه تعدادی از هواداران سازمان در گلوگاه: بدنبال تهاجم وحشیانه‌ی چماق‌داران و عناصر مسلح سپاه و کمیته به مردم و خانه‌وگا‌شاندی آنها و بدنبال دستگیری تعدادی از هواداران سازمان و پس از ضرب و جرح‌ها و شکنجه‌ی آنان، در تاریخ دوشنبه ۶۰/۲/۲۱ ۶۰ خوشخو دادستان به اصطلاح انقلاب به شهر برای ۲۶ تن از آنان بدون هیچگونه اعلام قبلی دادگاهی فرمایشی ترتیب داده که ساواک‌گمانانه آن را در دونوبت در تاریخ‌های جمعه ۶۰/۲/۲۵ و جمعه ۶۰/۳/۱ از تلویزیون به نمایش می‌گذارد. صرف نظر از تبلیغات

اینک ما برخی از این تحریکات و توطئه‌های فتنه‌انگیزانه‌ی را که در هفته‌ی اخیر در نقاط مختلف شهرهای شمالی صورت گرفته‌است با اطلاع هم‌میهنان عزیز بویژه مردم قهرمان مازندران می‌رسانیم تا با آگاهی برای این دسیسه‌چینی‌های ارتجاعی، همچون گذشته با هوشیاری و مقاومت قهرمانانه‌ی خود آنها را نقش بر آب سازند:

۱- تبلیغات ساواک‌گمانانه
مرتجعین حول بیدادگاه تعدادی از هواداران سازمان در گلوگاه: بدنبال تهاجم وحشیانه‌ی چماق‌داران و عناصر مسلح سپاه و کمیته به مردم و خانه‌وگا‌شاندی آنها و بدنبال دستگیری تعدادی از هواداران سازمان و پس از ضرب و جرح‌ها و شکنجه‌ی آنان، در تاریخ دوشنبه ۶۰/۲/۲۱ ۶۰ خوشخو دادستان به اصطلاح انقلاب به شهر برای ۲۶ تن از آنان بدون هیچگونه اعلام قبلی دادگاهی فرمایشی ترتیب داده که ساواک‌گمانانه آن را در دونوبت در تاریخ‌های جمعه ۶۰/۲/۲۵ و جمعه ۶۰/۳/۱ از تلویزیون به نمایش می‌گذارد. صرف نظر از تبلیغات



"خرداد" های خونین

و شمه‌ای از عملیات مسلحانه مجاهدین خلق بر علیه امپریالیسم

در هجدهمین سالگرد قیام خونین ۱۵ خرداد و نهمین سالگرد شهادت بنیانگذاران کبیر و اعضای کادر مرکزی سازمان مجاهدین خلق ایران مناسب دیدیم گزارشی داشته باشیم هرچند کوتاه از "خرداد" های دور. از آن زمان که مانند امروز مرزهای انقلاب و ضدانقلاب، اسلام و ارتجاع اینگونه توسط مرتجعین حاکم مخدوش نشده بود. آن زمان که بسیاری از مدعیان کنونی در لانه‌ها خزیده بودند و در یک کلام آن زمان که پشتوانه‌ی گفتار عمل بود و توشه‌ی راه جانی که می‌بایستی برکف گرفته باشی. گفتیم در آن ایام معیار اصالت و درجه‌ی انقلابی بودن هر فرد یا گروهی با مبارزه رویاروی و قهرآمیز با امپریالیسم و سرسیردگان داخلی یعنی رژیم دیکتاتوری محمدرضاشاهی شناخته می‌شد. بر این روال بی‌مناسبت نیست نگاهی داشته باشیم بر فهرمانی‌های فرزندان رسید و دلاور خلق در آن دوران سا ضما از این طریق به وضع حال مدعیان امروزی مبارزه با امپریالیسم که خاموشان و سیاس گویان جاگزان دیروزی درگاه ملوکانه بودند نیز پی ببریم.

۱۰ و ۹ خرداد ۵۱: دیدار نیکسون جنایتکار رئیس جمهور وقت آمریکا از بهران

۱۰ خرداد ۵۱: اعدام انقلابی ژنرال پرایس سرمستشار نظامی امپریالیسم آمریکا در ایران

انفجار اداری اطلاعات آمریکا در تهران

قسمتهائی از اطلاعاتی نظامی شماره ۳ "مجاهدین خلق ایران"

۱- صبحگاه امروز در ساعت ۷/۵ اتومبیل مسناری شماره ۲ حامل ژنرال هوئی، هارولد پرایس سرمستشار هوئی آمریکا در ایران و همراهانش در خیابان قیطره در حالیکه به وسیله اتومبیل دیگری از مأمورین امنیتی آمریکائی محافظت می‌شد مورد حمله‌ی مجاهدین قرار گرفت و به کلی منهدم شد.

۲- صبحگاه همین روز در ساعت ۴/۵ دقیقه بمب ساعتی بر قدرتی که از جانب مجاهدین کارگذاری شده بود، اداره‌ی اطلاعات آمریکا، این لانه‌ی

جاسوسی و بوطنه را در خیابان صبا درهم سکس. ... ۲ ... این اقدامات هدفهائی معدودی را تعقیب می‌کرد: اولاً: پاسخ کوبنده‌ای بود به جنایه‌های وحشتناک رژیم علیه گرامی‌ترین و دلاورترین فرزندان خلق ایران. ... ثانیاً: نابودی عناصر متجاوز و بوطنه‌گر آمریکائی. ... ثالثاً: اعلام پشتیبانی از جنبشهای آزادیبخش جهانی در گسترده‌ساختن جبهه‌ی نبرد ضد امپریالیسم، بخصوص انقلاب خلق قهرمان ویتنام. ... ما از این بیس حملات خود را منوجه‌ی مناطقی خواهیم ساخت که دشمن رابه سختی بدر آورد. و همان ختونسسی را که از دشمن آموحماهم علیه او به کار خواهیم برد. ...

مجاهدین خلق ایران ۵۱/۳/۱۰

۱۳ خرداد ۵۲:

اعدام انقلابی سرهنگ‌ها و کینز مستشار نظامی امپریالیسم آمریکا در ایران

قسمتهائی از اطلاعاتی سیاسی - نظامی شماره ۱۶ ... این اعدام تنها پاسخ کوچکی بود به خونهای که تنها طی دوسال به دست جلادان شاه این جرنومه‌های کتاف و پلیدی و به فرمان اربابان امریکائی‌اش در تهران و اهواز و سندج از پیکر فرزندان خلق بر زمین ریخت. ... این اعدام پاسخی بود به خونهای سرخی که در ۱۵ خرداد خونبار بر کفپوش خیابانها پاشید و پاسخی است به حضور ۱۰۰۰۰ مستشار امریکائی و انگلیسی در ایران. ...

مجاهدین خلق ایران ۱۵ خرداد ۵۲ برابر با هجدهمین سالگرد جنایت خونین شاه

۴ خرداد ۵۳:

عملیات ضد امپریالیستی مجاهدین به مناسبت بزرگداشت دومین سالروز شهادت ۴ خرداد

قسمتهائی از اطلاعاتی سیاسی - نظامی شماره ۱۹: "درس چهارم خرداد ۵۳" مصادف با سالروز بیزاریان ۵ س از گرامی‌ترین فرزندان زنده‌ی خلق محمد حنیف‌نژاد، سعید محسن، علی اصغر بدیع‌زادگان، محمود عسگریزاده و رسول مسکین‌فام سه واحد چریکی از مجاهدین در سه عمل بمب‌گذاری هماهنگ علیه سه موسسه امپریالیستی - صهیونیستی بار دیگر ادامه - و گسترش راه مبارزه‌ی مسلحانه و اراده‌ی خلل ناپذیر بیسگامان مسلح خلق را به ادامه‌ی این راه آسگار اعلام نمودند. هدفهای مورد حمله عبارت بودند از:

۱- ساختمان سرکب امریکائی - اسرائیلی جنرال با انفجار دو بمب

۲- سرکب انگلیسی - درباری بیمه‌ی بئورکسیر با انفجار یک بمب نیرومند

۳- سرکب اسرائیلی سکتواریس با انفجار دو بمب

طنین انفجارهای پی‌در پی بمبهای دست‌ساز مجاهدین ... بار دیگر مخالفت قهرآمیز ما را با هرگونه نفوذ و حاکمیت سرمایه‌داری خونخوار بین‌المللی اعلام کرد.

بار دیگر وابستگی و نوکر صفتی رژیم شاه خائن را به کنیف‌ترین منافع امپریالیستی و صهیونیستی آشکار ساخت. و هم چنین یادآور خون‌رزمندگان مجاهدی گردید که در سحرگاه

۴ خرداد ۵۱ بر زمین ریخته شد. ...

خرداد ۵۴:

انفجار فرمانداری و استانداری و حزب رستاخیز در زنجان، تبریز و قزوین

۴ خرداد ۵۸:

"جلادان مسخ شده و مغرور چنین سعوری نداشتند که این پرونده‌ها از شعور جهان زنده و ملت ما محو نمی‌شود. گرچه بگویند با آنها را با تبلیغات فریبنده‌ی خود محو کنند. امروز برای تجلیل، از شهدائی جمع شده‌اید که از خون پاک آنها سه از هفت سال سیلاب‌ها برخاست. ... آنها شاگردان مومن و دلداده‌ی مکتب قرآن بوده، گوهرهایی بودند که در تاریکی درخشیدند. از خداوند توفیق شما برادران و فرزندان عزیز را برای تکمیل اندیشه‌های قرآنی آنها می‌طلبم و امیدوارم با تجربیات فکری و عملی، شما هر نقضی و کمبودی را جبران کنید و این انقلاب عظیم را بسازید و شکوفاتر به ثمر برسانید." از پیام پدر طالقانی به مناسبت ۴ خرداد ۵۸

۲ خرداد ۶۰:

اطلاعاتی لاجوردی به اصطلاح دادستان انقلاب مرکز:

خرداد ۵۸ اولین اعتراض سراسری ...

بقیه از صفحه ۱۲

گردید که در بخش‌هایی از آن آمده است:

" ما خواهان اجرای هر چه سریع‌تر خواسته‌های زیر می‌باشیم:

۱- افشای همه‌ی قراردادها - هائی که پس از کودنای ننگین ۲۸ مرداد ۳۲ با آمریکا بسته شده است. و آگاه کردن مردم از وضع و سرانجام این قراردادها در دوران انقلاب.

۲- افشای همه‌ی رشوه‌ها و پول‌هایی که توسط عمال رژیم سابق با هبات حاکمه‌ی آمریکا و غارتگران آمریکائی رد و بدل شده است.

۳- ابطال همه‌ی قراردادها - های استعماری، اعم از نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بویژه قراردادهای باسارتبار نفت.

۴- اخراج تمامی مستشاران آمریکائی از ایران.

۵- ملی کردن انحصارات بانکها و سرمایه‌های آمریکائی در ایران."

اکنون در حالی که دو سال از آن تاریخ می‌گذرد مرتجعین حاکم نه تنها کوچکترین قدمی در راه تحقق خواسته‌های مردم و تعمیم مبارزات ضد امپریالیستی خلق بر نداشته‌اند. نه تنها قراردادهای نظامی، سیاسی و اقتصادی اسارتبار با امپریالیسم افشاء و انقاع نشده. قراردادهای محرمانه و آشکار دیگری هم منعقد گردید. حضرات به استخدام مستشار نظامی در ارزش پرداخته، محرمانه و دور از چشم خلق قراردادهای چندین ده میلیون دلاری خرید اسلحه با امپریالیست‌ها تنظیم می‌کنند و وثیقه‌ها و

"سازمان مجاهدین خلق ایران در روز ۴ خرداد با برنامه ریزی حساب شده‌ی تصمیم بر آن دارد که ... با برگزاری مراسمی در صدد مقابله با قانون درآمده و هرج و مرج حشدی (!!) در جامعه بیافرینند. به کلیدی افراد خصوصاً هواداران بی‌اطلاع (!!) این سازمان اعلام می‌نماید که ... برگزاری مسیبه به معنای نفی صریح قانون است. و با کمال قاطعیت از این مراسم جلوگیری خواهد شد."

۴ خرداد ۶۰:

قسمتی از اطلاعاتی سازمان مجاهدین خلق ایران:

"به جهت حتمی نمودن بوطنه‌های جنایت‌بار و رویدادهای آتش‌افروزی و جنگ طلبان فتنه‌انگیزان و آیدای مرجعین انحصارطلب که بلاوفه مشغول بوطنه‌چینی برای افروختن جنگ داخلی هستند. مجاهدین خلق ایران امسال به مناسبت ۴ خرداد در سراسر کشور هیجگونه مراسمی نخواهند داشت. ..."

امسال گرچه ۴ خرداد بدون مراسم یادبود گذشت، اما خلق ما مطمئناً در آینده علیرغم خواست مرجعین حاکم باز هم خواهد توانست با آزادی کامل یاد شهیدان خود را گرامی داشته و منجمله مراسم یادبود و بزرگداشت شهدای ۴ خرداد را با شکوه هر چه نامر برگزار کند.

چرا که "خرداد" با پیشنهادهای از "خردادهای خونین" همچون سارهای درخشان در آسمان خونین انقلاب این میهن همچنان خواهد درخشید.

آشکارا قرارداد ۲۰ میلیارد تومانی با امپریالیسم انگلیس می‌بندد. مبارزه‌ی ضد امپریالیستی را در گروگان‌گیری خلاصه کردند و در این ماجرا نیز احقاق حقوق خلق را بحث‌المنافع انحصارطلبانه و ارتجاعی خود قرار دادند، به نحوی که در پایان ماجرا به نسلیم زبونانه در برابر امپریالیسم بن داده و هیچ‌یک از شرایط ۴ گانه خود حضرات که ضما از حداقل خواسته‌ها نیز بسیار کمتر بود برآورد نشده، سهل‌است اکنون به بین بی‌کفایی آقایان طلب حساب‌های ترک‌های آمریکائی از امثال اسرف و القانیان باید از کبسمی این مردم محروم پرداختت سود براسی، که در مبارزه‌ی ضد امپریالیستی از حرف با عمل فاصله زیادی است.



انحصارطلبان تحمل بحث آزاد با هواداران را نیز ندارند!

نتیجه دو مورد "بحث آزاد" در زنجان و قزوین

گزارش جلسهای بحث آزاد زنجان

حیدی سن آقای سعد حسینی موسوی رئیس جهاد ریحان طی اطلاعنامی، برادران ما را به بحث آزاد دعوت می کند. که بدینال آن در تاریخ ۲۵/۲/۶۰ طی جلسهای به همت مناسب در یکی از مساجد، سن آقای موسوی و یکی از مبلغین مساجد محاهدین بحث آزاد!! مبرور صورت گرفت. لازم به اشاره است که ناظرین در بحث ابتدا ۴۰۰ نفر بودند که در انتهای جلسه به ۷۰ نفر تقلیل یافته بود.

اما بحث فون در حالی است که حزب محافظداران (موسوم به جمهوری) مناسب معضلی از گذشتهائی دسرکل خود و الهام دهندهی محافظداران و حزب مردم فروس بوده و نادمن موسوم به اکثریت و همچنین گردانندهی سرسری امت به نام بحث آزاد!!! را در تلویزیون برست داده بود، با برعم خود حناات و اعمال جمع صد مردمی حوس را شروع حلوه دهد.

در جلسهای بحث آزاد ریحان کر چه طرف دعوت کننده عدهای از طرفداران خود را سرک داده بود که شعار مرگ بر مافوقرا هزار حیدی در فضای جلسه سرمی دادند. نمایندهی هواداران محاهدین خلق در ریحان با طرح سوالات دربارهی مصائب و محاطرات انقلاب و معرفی حران حاکم به عنوان عامل اصلی همنی بدجنیهای انقلاب و مردم، حزب محافظداران موسوم به جمهوری را رسوا نمود. و این در حالی بود که آقای سندحسین موسوی سنی داس بحای ناسح به سؤال "علت کسار مجاهدین"، نابت کند که محاهدین خلق در مردهی مافوقین اند و با اسفاددی ارجحائی از آسمی "قاتل الکفار و المنافقین" (خود ایسان حوادهدای فائل الکفار ... و الا آندای بهاس صورت در قرآن وجود ندارد.) حکم قتل و کسار محاهدین را از جلسهای بحث آزاد!!! صادر نماند.

حال به خلاصهائی از آنچه در جلسه گذشت بوجه گفت:

هوادار سرکب کننده در بحث که در این جلسه به عنوان طرف دوم بحث سرکب کرده بود در ابتدای جلسه سن از بدکرات لارم برای اتحاد و حفظ جو سالم گفت:

"می دانسد من درحالی در مناظره و بحث آزاد سرکب کرده ام که انادی ومدعیان آن بحث آزاد! جنحردست، تلک حواهران و برادرانمان را می سکافسد، و ... ۳- بدستان، کل های سرخ محمدی از بوسان محاهدین خلق را بربری کند، و برحمانه و ددمسانه، اصل برین و انقلابی برین فرزندان خلق را به بند کسده و برر و حسانه برین سکجهها فرار می دهد. اعتراضات مسالمت آمیز مردم را بخون می کند و ... " وی در ادامه ی صحیحین ضی اشاره به انواع مصیبات وارده بر محاهدین و هواداران که در زندان بحث و حسیانه برین سکجهها فرار دارند، با ست و رور "مارلسان مورد بهندید و هجوم محافظداران و ناساران فرار می کرد، با خواندن "حدیث "من سمع رجلا ینادی یا للمسلمین فلم یجبه فلیس مسلم" خطاب به حاضرین گفت:

سر در این بحث فریاد مظلومانیدی ماران سوکوار در سجات فرزندانسان و همجنس فرناذ نادران بهرمان محاهدین درسد، را نکوس سنا می رسام و بحث را با حدی سوال از آقای موسوی شروع می کنم.

سوالاتی که در این بحث از آقای سندحسین موسوی حواسه سد به آسها حرات داده بود همد در بارهی مسائل اساسی بوجود کسور بود، منحلک:

۱- کسار همد محاهد خلق به جرم دفاع از آزادی و سر فرهنگ انقلابی اسلام بدست اندادی حزب محافظداران (موسوم به جمهوری) را چگونه بوجه می کند؟

۲- محافظداران درسام ۱۴ اسفند و دانسگاه بهران حد کسائی بودند؟
۳- سکجهی فون بهران سنی و سکجهی هواداران و ناداران محاهد خلق را در زندان ها، از کجای اسلام مورد اعتقائی بود آموخته اند؟
۴- دربارهی حداقل ۱۵ میلیارد دلار خسارت مالی به اقتصاد کسور و آزادی تروکانها چه حوائی دارند و چگونه غارت اسوال جلسی را تک حرکب شد امیرالنسی!! بلعسی

می کند؟
۵- غارت اموال بناد مستضعفین توسط آفانان بهسی و امثالهم را چگونه تک عمل مکنی و انقلابی می دانسد؟

۶- چرا مدعیان اسلام و مردم! خانه های مردم مستضعف را در گرمدرهی کرج و خاک سفید بهران برسران و بران می کنند؟

۷- ملاقات های بهسی (دسر کل حزب به اصطلاح جمهوری) با جاسوسان آمریکائی و امثال هویرر برای چه بود؟

۸- ... اما آفانان سیدحسین موسوی در جواب به سوالات فون، به بحثهای غیرسناسی و انحرافی آ میر مرداحمه و برین از صحبتهای فریبکارانه و نگرانی که ضعیف آن به سکجه مجاهدین در زندانها اقرار می کند و حزب به اصطلاح جمهوری را محافظداری می سانسد می گوید: "حالا گفته، اسان را می بیزیم ... آن عالم (مفهوم بهسی) دردیده، حزب هم محافظه ماهم ببخسد مردورم اما لطفاً معنا نکید که مجاهدین زیرناستین چند!!؟ سرین در مورد بوحید چیده!!؟ وقتی که قبول کردم آتوبت مکنه محافظداری باسم!!!

برادر شوادار سرکب کننده در بحث در جواب می گوید: "دوسال پیشی از انقلاب می گذرد رگسی بیامسد بیسیسم ایندئولوری است حسب ... ایندئولوری است بسبب که ما این را لای کتابها بگذاریم، بلکه ایندئولوری ما عنوان راهنمای عمل برای ما مطرح بوده، وقتی شما به ما می گوئید سانشد ایندئولورسان را نکوئید، شما که دو سال و اندی از انقلاب می گذرد برای مردم چه کرده اند؟ ... مکتب شما، ایندئولوری شما، منسلور چه کرده اند ... سانشد سررسی کسد کارخانی را تا کسور انجام دادند. سسد آسا وفا با اسلام باب و بوحیدی حضرت علی علیه السلام مطابق می کند." او بد اس وسله اس واقعیه را بد روسی بیان کرد که بوحید حمری سسد که سوسه سادگی آن را سنا فرست ورنه ندک کسد و اسلام بنجان کسوی اسما هبچگونه صلاحیتی ندارند که دعوائی نظیر دفاع از بوحید و اسلام دانسد باشند، چرا که از همان آثار جذف عبارت "حافعی بوحیدی" از من پیشتهنادی

ماده مربوطه بعرف "جمهوری اسلامی" در مجلس حرکان، و حی قلیل بر آن، صدست تمام عمار خود را در عمل کردها با "بوحید" به مردم نسان دادند.

حال بکدار که حزب مردم فروس بوده و نادمن موسوم به اکثریت در کمال ربوسی ومدلت به نظیر مرتجعین و حزب محافظداریان برادرید و مفاصلا مبلغینای رزمده مستولست دفاع از حقوق مردم و خون شهدای والا مقام خلق را در مقابل ارجحاع و امیرالنسیسم به عهده کرد. همجنس مبلغینای محاهد خلق علاوه بر دفاع از حقوق خلق در مقابل ارجحاع در بررو حرکت انقلابی و اسلامی خود لسان اسلام بساهی و مکتب سانی را از اندام بلند ارجحاع دریده واو را عریان در معرض آگاهی بوندها فرار می دهد.

گزارش جلسهای بحث آزاد قزوین

در ساعت ۱۸ و ۴۵ دقیقه روز جمعه ۲۵/۲/۶۰ در یکی از مساجد قزوین جلسهای بحث و مناظره های ما بین تک داسرا مور ۱۵ سالدی هوادار سازمان محاهدین خلق ایران، و آقای احمد نصری معاون ساسی اسانداری شکل سد. در این جلسه عدهی زیادی از مردم و جمعی از ناسداران سرکب کرده بودند. در ابتدای جلسه آقای احمد نصری به مدد سه ربع ساعت با سن کسدن مناحب ایندئولوریک "ولایت فقه" و "امامت" و بر حسب زند و انبها مات ناروا و ناسازگوتی های معمول به محاهدین و طرح انحرافی مسائل کسد در زندان رزم ساه، وقت جلسه را انحصاراً به خود احصائی می دهد و جو جلسه را علیه مبلغینای محاهد سرکب کننده در جلسدی مناظره، سسد می شد.

سر از بانان اس مدت هوادار سارمان با خواندن آیه های از قرآن به بنیانگذاران سارمان و علی مهیدوست و شهید مظلوم اصغر اجوائی قدس درود می فرسد و آنگاه می گوید: این قبیل بحثهای ایندئولوریک در شهرستانهای

دیگر نیز برای جو سازی بر علیه مجاهدین برست داده سد که مدارک آن موجود است... ما از بیسهاد آقای بی صدر که مساحی را برای بحث بیسهاد کردند، حمایت کرده ایم، ما برای بحث سراطی فاطمیه ... وی هنگامی که قصد داس سراطی بحث آزاد از نظر مجاهدین را بیان کند با ساداری از حاضرین اعتراض کرده و می گوید: می بایستی قبلاً می گفتید چه سراطی دارید، و سپس میکروفون را از او گرفته می گوید: سوکه عضو نیستی ... ما با عضو سازمان می خواستیم بحث کنیم"

مردمی که ساهد این صحنه بودند با اعتراض جلسه را ترک کرده و یکی از آنان می گوید: "مگر جلسهای رسمی نیست" و دیگری می برسد: چرا میکروفون را از دست او می گیرید و نمی گذارید صحبت کند ...

با ترک جلسه توسط مردم، بنها معدودی از جمعیت اول جلسه که برخی سان پاسدار و جمافدار بوده در جلسه باقی می مانسد و سه این برنیست معلوم می سوسد که هواداران بحث آزاد!!! مورد ادعائی انحصارطلبان عوام فریب چه کسانی هسد.

ناسداران در بارهی ولایت فقیه صحبت کرده و دربارهی آقای احمد نصری به سوالاتی دربارهی زندان رزمی سناد و توجیهی موضع گیریهای ارجحاعی و صدیحاهدیشان در آن سراطی ناسح می دهد. و سر از آن هوادار مجاهدین خلق که برای بار دوم قصد داسست صحبت حاضر، جلسه را به هم می ریزند و مبلغینا با هل داده و از جلسه بیرون می کنند. و به این ترتیب تک مار دسکر معلوم می سوسد که بحث آزاد سورا دعائی مرتجعین به ضنها مضمون روستگری ندارد، بلکه هکفهقی، رمنفشاری سیاسی و بدلیغاتی برای سزگوب سنا شد بین خبر در، جد اول و کسد وسهد و انبها بار برای سرجعدنی. که هر روز چفدگام بیسز به سبب استبداد تحت لوائ "دین" و "قانون" سر می دارد است. چیزی که به کمک مسحدیش (جهبهی مسحد ارجحاع) هم قادر شوواهم بود به آن تامل آید.

بقیه در صفحه ۱۵

افشای یکی از مراکز شکنجه واحد اطلاعات و تحقیقات سپاه پاسداران در شیراز

افراد تک واحد بوده اند.

وی در سن (مرکز جدید سناه پاسداران در سران) کار می کند و بد احتمال قوی در رانندگی با حسن تحقیقات دادگاه انقلاب سراسری می باشد.

معنی با فردی که سرپرست سیم ۴ نفره می باشد در حد نوبت در حوالی دروازه کاروان فرار داسه است. فرد اخیر اگر چه در جریان بودن و سگهی محمود بطور مستقیم سرک نداسه ولی یکی از طراحان و گردانندگان خانه های امن می باشد.

مسحبات ظاهری فرد اخیر بدین فرار است: قد حدود ۱۷۰ سانت، سن حدود ۲۵ سال، چهره سفید، جسم ریکی (زاع با آبی) اس فرد سرحمدی با تک موپورسنگل هوندای ۱۲۵ آبی دیده شده است. محل کار او سرحمدی در سن می باشد.

در ربر مسحبات وسائط بطنی را که محمدعلی معنی و هم جنس سرپرست سیم ۴ نفره خانه ی امن به کمک آن ها به مراکز مختلف علی و محلی بزد داسه اند، می آوریم: ۱ - دوجرحی کورسی منطبق به محمدعلی معنی ۲ - موپورسنگل هوندای ۱۲۵ فرم

بقیه در صفحه ۳۲

ساره بلخ: ۰۲۸۶۴۰
مسحبات ظاهری: قد حدود ۱۶۰ سانت، سن ۲۳ سال، هیکل متوسط، نارسی نسبتا بر معمولاً اورنگ سناه را می پوشد و با تک دوجرحی کورسی فرم و نا موپور سنگل هوندای ۱۲۵ فرم رف و آمد می کند.

نامه ی تهدید آمیزی که بعد از فرار برادر محمود از خانه ی امن در ماه شین وی انداخته اند

از گروه که تهدید ما را
برای این که ما را از خانه ی امن دور کند
از کار ما منافع ما را می برد
ترا به مرکز محکوم کردیم
در دادگاه ما که در همین محله است
به حکم دادگاه محکوم شد
محکوم کردیم
در انتظار مرگش هستیم
شما را که تلاش ما را به سرانجام رسانید
روز تولد ما را

مزدوران اربحاج کر حد با فرار اس برادر محمود به نخلی منزل مذکور می شوند اما ردهای بسیاری از جودیه های می گذارند که با بی کسری آن توسط برادرانمان در سران اطلاعات دقیق و دقیقی از اس سگهی سگهی که تحت عنوان واحد تحقیق و اطلاعات در سناه سران و تحت نظر مسئولین رده بالای سناه سیکل شده است بدست می آید.

مردوران اربحاج حیدرور بعد در هراس از ضربه های که جوده اند نامه های تهدید آمیز با امضای جعلی "گروه یوحیدی بار" در ماس برادر محمود انداخته و بدین ترتیب سعی می کنند با تهدید وی به ترک مانع افشای جنایات خود شوند تحقیقات بعدی نشان داد که خانه ی مذکور همان خانه های اس که برادر علی محمد فائق را نیز در آنجا سگهی کرده و سوزانده اند با تطبیق اطلاعات معلوم شده است که افراد دستاندر کار نیز در هر دومورد

که "به صورتی برسد حای آن می ماند". بعد از تک ساعت و نیم که پاسداران حسه می شوند برای خوردن ناهار به اطاق دیگر می روند.

برادر محمود از اس فرصت استفاده کرده و با بار کردن سحره ی اطاق به داخل حیاط رفته و در آنجا نیز بعد از نالارسی از دیوار بوالست خودس را به داخل باغ محاور منزل مذکور انداخته و بدین ترتیب موفق به فرار می شود.

(در عکس خانه ی امن مذکور که بعداً بهمه شده است، باغ مجاور نیز مشخص است)

محمود در حالی که سیدبا از ضربات منب و لکدی که به پهلو سینه ی او زده بودید در ناراحتی به سر می برده به بیمارستان سعدی رفته و در آنجا توسط پزشکان مسئول و سرافتمند آن بیمارستان سسری می شود. گواهی پرسک بیمارستان سعدی وجود آثار ضربه بر پهلو محمود را ثابت می کند:

گواهی پزشکی که در مورد وجود آثار ضربه بر پهلو

شماره
تاریخ
هوست

جمهوری اسلامی ایران
بیمارستان سعدی
دانشگاه شیراز

محمد میرزا
وارده به بیمارستان سعدی
مراجعه و معاینه در تاریخ ۵۹/۱۱/۲
مورد آه ایشان همانند شرح
زده شده است.

دانشگاه شیراز
SHIRAZ UNIVERSITY

آقای محمود میرزا به علت ضربه ی وارده به پهلو در تاریخ ۵۹/۱۱/۲ مراجعه و ۵۹/۱۱/۳ تحت نظر بوده اند ایشان هماتوری هم شده بودند.

تحقیقات بعدی و
افشای عوامل
دستاندر کار شکنجه

در اس ماجرا ۴ نفر، (سه مرد و یک زن) سرک داسه اند که برادران ما در سران بعد از تحقیق و سیکری هویت آنان را به سرح ربر مشخص کرده اند:

السه میل از بعضی هویت این افراد لازم است که توضیح داده شود بیگان سورمهای ریکی که توسط آن، برادر محمود به اس خانه ی امن برده اند سراسناتی شده است و مسحبات آن بدین فرار است:

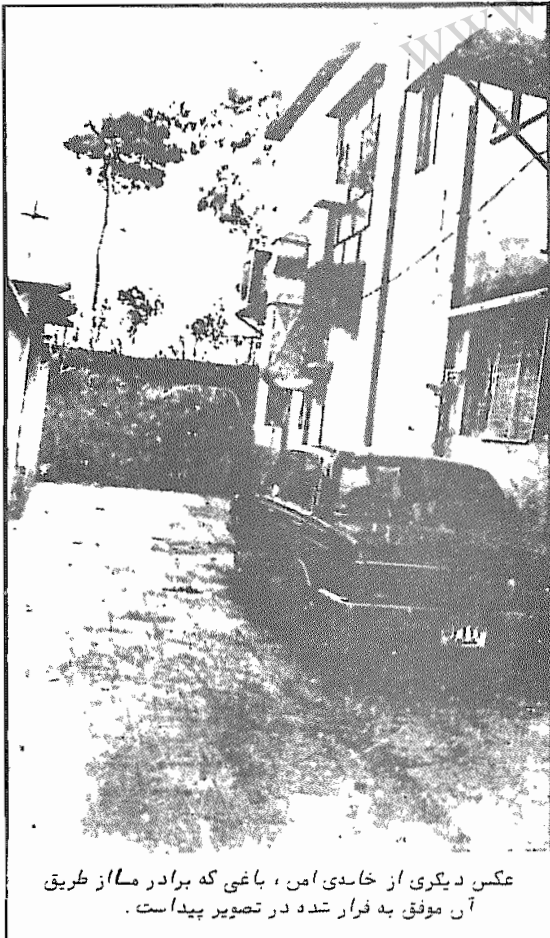
(۷۱۳۹۲ تهران - ب) اس ایومبیل بعداً در حد مکان علی و سمد علی سناه نیز دیده شده است که عکس های آن موجود است.

مشخصات

فرد تعقیب کننده

نام این فرد محمدعلی معنی (هدایت) فرزند علی محمد می باشد.

آدرس وی: حیابان قالی کپه، محله ی بی بی دختران، کوچه ناهزاده جبال، بلاک ۱۵



عکس دیگری از خادی امن، باغی که برادر ما از طریق آن موفق به فرار شده در تصویر پیدا است.

۴ - نیکان اسپن فرمز
با نارسند شماره ۹۱۷۴۴
۵ - نیکان شماره
(۹۹۹۵۴ - تهران ۲۵)
۶ - نیکان مدل ۵۹ شماره
(۱۵۶۱۶ - تهران ۲۵) که این
نازجو در تاریخ ۱۱/۱۲ ساعت
۷ و ۴ دقیقه صبح با آن
مرکز سناه (بیت) شده است.
۷ - ب - ام - سفید شماره
(۲۳۵۵۵ - تهران ص) که همین
فرد در تاریخ ۱۱/۱۲ ساعت
۸ صبح با آن از مرکز سناه سرو
آمده است.

با توجه به مجموعه ای
اطلاعات و اسناد ارائه شده که
صرفاً افشا کننده بخشی از
حیاتیات مرتجعین حاکم است.
آنان را هم هیئت بررسی سکنجه
مدعی است که سکنجه نامه و
ساحه و برداشتی گروهی است؟
همانطور که بارها اعلام
کرده ایم تک ناردیکر بر اعلام
می کنیم که ما حاضریم در تک
مطابره ای تلویزیونی رسیده
مجموعه ای اطلاعاتی را که از
سنگه های امن و سکنجه گران
اس حاشه ها بدست آورده ایم
در معرض تصاویر مردم سپهر
قرار دهیم. حاشه های امنی که
آنچه افشا شد تنها تک مورد از
آن می باشد. حاشه های امنی
که افراد آن از نهاد های رسمی
بوده و عمدتاً تحت رهبری و
هدایت مستقیم مسئولین این
نهادها و ارکانها عمل می کنند
ما در شماره های آینده
اسامی و مشخصات تعداد دیگری
از سکنجه گران در حاشه های امن
و سر ریدانها را افشا خواهیم
کرد. و سنگه ای آخر اینکه همان
کوره که در حلال گراس سر
گنیم سکنجه گران بعد از فرار از
محمود از آن حاشه برای کور کردن
ردها حاشه ای مذکور را تخلیه
کرده اند. ما برای اینکه هیچگونه
سک و سفتهای نمانی نماید.
ضمیمه چاپ و عکس اس
حاشه و درج قسمتی از آدرس
آن مجدداً تا کنید می کنیم که در
حال حاضر اس حاشه مستوفی
است به همین جهت برای حفظ
آرامش و حرمت ساکنین جدید
آن از ذکر آدرس دقیق آن
حود داری می کنیم.

البتة پیشنهاد می کنیم
مسئولین سیاه در سیراز به
جود جرئت داده و در مطابره ای
تلویزیونی شرکت نموده و
مطالب گراس فوق را سکند
کنند.
آدرس حاشه ای اس به شرح
زیر است:
تیراز: حباسان سادر
۴ راه کمرک، خنابان سیراز
کوجه ۰۰۰۰



حال حاضر در مدرسه راهمائی
محبوبه محدس همگل در
سمت معلم امور برسی (ساواک
جدید مدارس) انجام وظیفه!
می کند.

مشخصات و اطلاعاتی
در مورد بازجو
و سکنجه گران امن



تصویری از خانه امنی در تیراز که برادران محمود میر
علی محمد فاتح را در آن تکسج کرده و سوزانده اند. آدرس
این خانه در استهای گزارش آمده است.

مشخصات ظاهری: قد حدود
۱۶۵ سانت، هیکل سنا ورزیده
س حدود ۳ سال. چهره
سپید رو، ریس پر، عینکی.
موهای وسط سر کمی ریحنه
است.

این فرد علاوه بر آنکه
فرماندهی سیم را به عهده
داسنه مسئول اصلی بازجوئی
بیر می باشد.
فرد آخر در بیت (مرکز
جدید سناه سیراز) کار می کند.
و معمولاً با تک نیکان طوسی
روس بدون شماره رفت و آمد
می کند.

سایر امکانات مورد استفاده؛
این بازجوی حاشه ای اس به قرار
زیر است:

- ۱- نیکان آبی آسمانی مدل ۵۹
بد شماره (۶۶۵۲۱ - سیراز ۱۱)
- ۲ - لنس درور شماره
(۵۷۲۱۸ - سیراز ۱۱)
- ۳ - نیکان آبی آسمانی مدل
۵۹ شماره (۳۲۶۹۴ - آبادان ۱۱)

تقدیر صحتی ۳۱

افشای یکی از مراکز سکنجه و احداث اطلاعات و تحقیقات سیاه پاسداران در سیراز

اس (در رفت و آمد است.
طوبانی و محس ریحان سر
از دیگر افراد اس مرکز سناه
مخفی هستند.

را سندی ابوسل مذکور
در اکثر درگیری های فالانرها
سافرو سکنجه گران
سیراز به دوره سیراز "مهاجد"
و سر درگیری با محسین
حکمرده در حاشان خاکسای
دیده شده است.

وسایط نقلیه مورد استفاده
افراد اس مرکز به اصطلاح
تحقیقاتی که در واقع نفس
هدایت و رهبری کننده ی حاشه
های امن و سیم های ۴ نفره را
دارند به قرار زیر است:

۱- نیکان سرمای شماره
(۷۱۳۹۲ - تهران ص) مدل نائین
اس همان ماسینی است که به
وسایله ی آن برادر محمود سیراز
حاشان رسیده و به حاشه ای امن
برده اند.
۲- ژاپری سویی (ریگاری س)
به شماره (۷۹۸۹۲ - تهران ص)
اس ماسین فیللا مورد استفاده
ساواک بوده که مبرات آنها به
مرتجعین حاکم رسیده است و
مخبر به بی سیم می باشد.

۳ - ریان ررد رنگ به
شماره ۳۸۷۱۴.

۴ - سوزاری به شماره ی
۱۳۶۳۱۱ - سیراز)

۵ - نیکان سورهای به
شماره ی ۵۱۶۶۵.

۶ - نیکان فرمز بدون
شماره.

۷ - تعداد سه عدد موبور
سنگت هودای ۱۲۵ فرمز رنگ
کی از موبور سنگت ها مغلق
به طوبانی است.

صما رسول سل (از رهبران
حافظدار و فالانرها در سیراز)
سر به اس محل رفت و آمد
داسنه است.

همچنین حامی فرماندهی
سیاه سیراز و معاون وی نیز
بعضی از روزها تمام وقت در
اس مرکز فعالیت می کنند.

مشخصات تخصصی
که در ربودن
برادر محمود میر
شرکت داشته است

بعد از فرار محمود بدست
آمدن اطلاعات اولیه از فیافه و

۳ - موبور سنگت هودای
۱۱۱۰ آبی

۴ - موبور با ماها ۸۰ سینی
طوسی رنگ

۵ - ریان آبی به شماره ی
(۹۸۶۶۶ - تهران ص) که سجن
بسی معنی با آن به مرکز
جدید سناه رسیده است.

۶ - هیلمن سفید به شماره
(۲۳۴۴۵ - تهران ص) که سجن
بسی معنی با آن از مرکز سناه
برگشته است.

۷ - ماسین رنو سنج سفید
به شماره (۳۲۶۶۵ - سیراز ۱۱)

۸ - نیکان فیهوای ممالیک
بدون شماره که مورد استفاده ی
معنی بود داس.

۹ - سیمع شماره (۱۳۶۵۳
- تهران ص) به رنگ سرنمالیک با
۴ سربس در حالی که سربس
نیم ۴ نفره (حاشه ای امن) در
صندلی جلو و کنار دست راننده
نشسته بود از مرکز سناه خارج
شده و به سنار حمله می رود.

۱۰ - موبوای باری آبی رنگ
بدون شماره در حالی که سربس
نیم حاشه ای امن سوار آن بوده
به مرکز سناه وارد می شود.

مشخصات و اطلاعاتی

در باره ی فردی که در

ماجرای ربودن برادر

محمود میر

سمت را نندگی است

را بعد هدایت شده است

مشخصات ظاهری: قد حدود
۱۸۰-۱۷۵ سانت، لاغر اندام،
س حدود ۲۷ سال.

چهره سیر روس، سنبل
دارد، بعد از ماجرای فرار
محمود و لو روس فضا؛ رس
پرتسوری خود را براسه است
صورت کوچک.

این فرد در ساختمان
کنسولگری سابق آمریکا در سیراز
که در حال حاضر از مراکز نیمه
علنی - نیمه مخفی واحد تحقیق
سیاه است کار می کند.

این فرد معمولاً بین
ساختمان کنسولگری و "سناد
خبری" (از دیگر مراکز سیاه

بررسی لایحه قصاص (۱)

بررسی مختصری
پیرامون عملکردهای مرتجعین
تحت عنوان "جاری کردن حدود اسلام"

خوردن آن‌ها را عیب می‌سمای، مباحس پس ایشان دو دسه‌اند:

یا برادر دینی و عقیدتی مو هستند، و بادر خلقت و اسباب با مو مشاهده، که از پیش گرفتار لغزش شده و عوامل و شرایط بدکاری به آنان رو آورده و بعد از با به سهو در دسرسشان قرار گرفته است پس با بخشش و گذسب خود آنان را عفو کن. هم‌چنان که دوست داری خدا با بخشش و گذسش مو را ببامزد..."

(سبح‌البلاده ص ۹۸۴)

همان طور که می‌دایم در عصر پیامبر نیز احکام جزائی اسلام (و مسجمله احکام فصاص) به هیچ وجه ابدا به ساکن وضع و جاری سدسب، بلکه همگام و هم‌آهنگ با دگرگونی انقلابی و بنیادی نظام مسطح جاهلی به موقع احرا کداسه سدسب. سنها در این صور اسب که می‌وان در ب خورد با احکامی که در فرآن آمده و با در زمان بنامر اسلام اجرا می‌سده، روح و جوهر عملکرد آن‌ها را (که مسلما در جهت بسسرد انقلاب و نکامل اجتماعی اسب) به درسی بسحن داد و نحوه یباده کردن و مصادق اصول محکم (یعنی نظرگاه‌های ناب‌وباسدار) آن را در هر سراط و مناسب با مفضضات اجتماعی-ساریخی، ادراک نمود.

بنابراین در سراط کنونی جامعه‌ی مادی و بن‌وصوب لایحه به منظور قابوسی کردن صدور و اجرای چنین احکامی به‌صورب مجرد و جدا از یک حرکب انقلابی در جهت تعبیر بنیادی جامعه، آن هم در همان اشکال و قالب‌های جامعه‌ی شبانی ۱۴۰۰ سال پیش، دقیقا بر ضد هدف و روح حاکم بر این احکام می‌باند. در عمل بسب اعمال قاطعیت‌ها و خسوب‌های فرس و سطلانی حضرات به منظور مقابله با جرائم (به جای پیدا کردن راه حل‌های معقول و مسعطف)، صرفنظر از بانبرات موقت و گذرا و مقطعی آن، به طور اصولی و ریشه‌ای هیچ کمکی به حل مساله نمی‌کند و نتیجه‌ی جز شفه کردن صف

اجرای احکام فصاص و حدود دزدی و زنا و... آن هم با اسبباط دکامبک و بسبار بسار ساده لوحانه‌ی که فسرین از این مسائل دارند، اساسا بسجده‌ی نحواهد بسحبسب بدیهی اسب که مخالف ما (مجاهدین) با اجرای چنین احکامی از یک موضع انقلابی بوحیدی به عمل می‌آید و در جوهر خود مبسب این اصل اساسی اسب که راه- حل‌های سطحی و خسوب- آمبزی‌ماسد سلاق‌زدن گران- فروش و سنگسار کردن زناکار برای حل مسائلی ماسد گزایی و فحشاء- نه سنها "اسلامی" بسبب، بلکه عیبها و بنیادا با اسلام اصیل و انقلابی که پیوسه در برچورد با مسائل اجتماعیه به "رسها" بوجه می‌کند، بیگانه و معابر اسب. چرا که بدیهی اسب در یک نکرش عمیق بوحیدی بسبب- مسائل اجتماعیه، فی‌المسل ریسدی گزایی و گرافروشی و سایر مشکلات اجتماعیه و اقصادی از اسب قبیل، نه در اجحافات کوچک و پراکده‌ی این فروسده‌ی جز با آن محکر خرده‌ها، بلکه بهابا در وابسگی شدید اصماد جامعه به امبرالیسم و نابودی بسلبدات ملی برفع سرمایه- داران وابسه و غاریگران بزرگ می‌باند. هم‌چنان که مسا اجتماعیه فحشاء و بن فروشی بسبب در سلبیل نهائی چیزی جز حاکمیت نظام اسنماری وجود فقر و محرومیت در جامعه (و مقدما وابسگی‌های فوق- الذکر) بسبب.

بر بایب چنین بگرشی اعمال قاطعیت در برابر سرفب دزدی در حیطه‌ی حقوق جزائی اسلامی، در این سراط بهاسا جز دامسگر مسجاوزان به اموال خلق و سارقان حقوق اجتماعیه و سیاسی نمی‌گردد. یعنی همان دزدان سرسپردی ررم ساه و یا غاریگانی که در این رزم میلیاردها تومان اموال مسضعفین را بالا می‌کشد و بعد هم برای سربوش گذاسن روی چپاول- های کلان خودشان، اسنشان ساری جز را با کمال سفاوت و بی‌رحمی قطع می‌کند. به همین سربیب اصل فرآیی "فصاص" بسبب در سراط کبوسی اساسا جز در مورد گردانندگان و سرسپردگان بسبارکار رزیم سابق و آمربن و عاملین دسگاه سربوب و سکنجه او و هم‌چسب کسانی که در این رزیم با دست زدن به قتل و جرح فرزبندان مجاهد و انقلابی خلق، روش‌های اسلاف خود را بسبال می‌کند، مصداق پیدا نمی‌کند. و کرته صدور و اجرای

"حدود" مورد نظر سدین کنندگان لایحه‌ی فصاص در مورد قتل و جرح‌ها و دعواهای معمولی نه سنها جنایت را ریشه‌کن نمی‌کند، بلکه بسبب اسباب رشد سفاوت و عاطفه‌کسی و روحیه‌ی اسفامجوئی را فراهم می‌کند، که خود نفض غرض اسب.

بدیهی اسب که ما با این مطالب نمی‌خواهیم مسکر مسؤلیت نسبی مجرمین عادی در ارتکاب سرفب و فحشاء و جناب و... سویم، بلکه منظور صرفا ناکبب روی این سبکه اسب که بسبار بسبار ساده لوحانه و فسری اسب که بسور کردن یک حافو کس و یا قابل معمولی، جنایت را می‌وان از بسبب برد. چنین روسی، نه سنها به‌حیات سالم (که فلسفه‌ی فصاص اسب) راه نحواهد برد، بلکه بسبب معکوس هم خواهد داد، و باعث خواهد سد که بذر سفاوت و کببه‌کسی در دل مجرمین (که عمدتا از اسفار محروم جامعه و از خود همین مردم هسسد) کاشسه شده و موجب بجرمی بسبب آن‌ها گردد. زیرا آن فصاصی که حبات سالم از دل آن زایابیده می‌شود، اساسا ناظر بر ریسدنکی عوامل اصلی جنایت و پاک کردن جامعه از لوب وجود جانیان حرفدای اسب. یعنی جانینی که در خدمت حفظ و بقاء سطله‌ی نظامات ارجاعیه و ضد خلقی بوده و اصولا کارشان ایراد سربوب جرح و سکنجه و قتل نفوس می‌باند. در اینجا بد بسبب برای این‌که به طور دقیق‌تر جانیان حرفدای را بسناسیم بوضیح مختصری درباره‌ی منشاء جنات در جوامع طبقاتی به‌دهیم.

به طور کلی بر اساس یک سکرش واقع‌گرایانه‌ی علمی، ریسدی مساله‌ی جنایت در جوامع طبقاتی را اساسا باید در وجود اسنثار و طبقات مخاصم بسسجود کرد. بوضیح آن که طبقات اسنثارگر برای نامین مافع خود در جهت بهترده‌کسی هرچه بسبب از طبقه‌ی محروم جامعه و سحمیل اراده‌ی خویش برآن، بسکبیل یک دسگاه حکومتی را می‌دهند. این دسگاه برای فروتسندن مبارزات طبقه‌ی نحت اسنثار و درهم سکنسن مقاومت آن (که معمولا نحت پوشش "تامین امنیت جامعه" بوجیه می‌شود) و یا بساوز به ملل دیگر و به زیر سلطه کشادن آن‌ها، سپسبم‌های نظامی سربوب خاص خود را بوجود می‌آورد، که البته شکل و شیوه‌ی آن به ناسب درجه‌ی

پسچیدگی سازمان حکومتی در هر مرحله‌ی تاریخی و برحسب ماهیت و ویژگی‌های طبقه‌ی حاکم سفاوت اسب (مثلا ساواک و اربش در حکومت ساه و چماق‌داری و... در حاکمیت اصحصار طلبان کبونی). سسبم و ارگان مزبور ریشد و سرسسب اصلی جنایت در اجتماع بوده گردانندگان و عاملین آن عمده‌ترین و مشخص‌ترین مظاهر آدمکشیه و ضرب و جرح مردم بسمار می‌روید، کلینه‌ی اشکال و موارد دیگر جنایت در جامعه، مانند سببزه‌های قهرآمیز بر سر مسائل مالی و خانوادگی و ناموسی و... جنبه‌ی فرعی و حاشیه‌ای داشسه و اجتماعا معلول و زائیده‌ی نظام اسنثاری و جنایت‌آفرین فوق می‌باشند. قرآن این حقیقت را ضمن سشریح انگبزه‌ی بی- رحمانه‌ترین و دهسشناک‌ترین نوع جنایت در تاریخ بشریت، یعنی کسار دسبه جمعی فرزندان خلق به وسیله‌ی فرعون، در سوره‌ی قصصی نصریح کرده اسب. در آیه‌ی ۴ این سوره، ریشه‌ی جنایت مزبور، همان سیاست طبقاتی فرعون به منظور به اسنثار کسیدن طبقات محروم جامعه، ذکر شده اسب:

"ان فرعون علا فی‌الارض و جعل اهلها شیعا یسضعف طائفه منهم یدبح انبائهم و یسضحی نساءهم انه کان من المفسدین".

"همانا فرعون در زمین بربری جسبب و مردم را به گروه‌ها و طبقات تقسیم کرد. دسه‌ای از آنان را به اسضعاف، بهره‌کشی می‌گرفت، فرزندانشان را سر می‌برید و زنانشان را اسیر می‌ساخت. بلاسک او از تنبهاران بود".

هم‌چسبب در سوره‌ی اعراف ضمن اشاره به اعمال سکنجه بسبار سببانه‌ای علیه پیروان موسی (بربیدن دست و پا)، روی سر منشاء اصلی این جنایت یعنی نیروی سربوب نظام فرعون انگسبب گذاسه شده اسب:

"لا طعن ابیدکم و ارجلکم من خلا ف ثم لاصلبکم اجمعین قالوا انا الی ربنا متقلبون. و ماتنکم منا الا انما بایات ربنا لما جاثنا ربنا افرغ علینا صبرا و توفنا مسلمین. و قال الملاء من قوم فرعون ائذر موسی و قومه لبفسدوا فی‌الارض و یذکر و الیه‌نک قال سنقتل انبائهم و نستحیی نساءهم و انا فوقهم قاهرون"

(سوره‌ی اعراف آیات ۲۵ تا ۱۲۷)

فرعون خطاب به پیروان موسی می‌گوید:



اطلاعیه انجمن حقوقدانان مسلمان در رابطه با احکام دادگاههای انقلاب

آستارا و شیراز هبنتی بر اعدام و قطع انگشتان دست

به نام خدا
و
به نام خلق فهومان ایران
حمایت سردمداران نووی
فصائیه از لایحه ارجحایی
فصاح که سعی ستار بر تحمل
آن به جامعه می‌سود، موجب
بجری عوامل ارجحاع در گوشه و
کنار کشور شده‌است، با آجا
که قبل از بررسی! و بصورت
مجلس سبز خودسرانه از سوی
دادگاه‌های بدون صلاحیت نه
مورد اجرا گذاشته می‌سود.

هفته‌ی گذشته دو سموعه‌ی
دیگر از این احکام غیراسلامی
و ضداسلامی، از سوی دادگاه
— های انقلاب آستارا و شیراز
به مرحله‌ی اجرا در آمد: در
آستارا یک زن به جرم زنا
محضنه اعدام شد و در شیراز
انگشتان دست سه سارق قطع
گردید!

اجرای غیرقانونی و ضد
اسلامی این احکام، از سوی
مراجعی که حتی از نظر قانونی
نیز فاقد صلاحیت هستند،
جدا از آنکه عملی قانون شکنانه
است و بی‌انگیزه و هرج و مرج فضائی
در گوشه و کنار کشور می‌سازد،
حاکمی از این است که ارجحاع
علیرغم موج اعتراض و مخالفت
مردم، سعی بر اثبات اوثوقیت
زور، بی‌قانونی و ملاحره، و
حاکمیت انحصاری بر قانون
و خواست مردم دارد.

انجمن حقوقدانان مسلمان
۶۵/۶/۹

بقیه زصفحه ۳۳

بررسی لایحه قصاص (۱)

"دست‌ها و ناهای سما را در
خلاف بکند (دست راست و پای
چپ) با شد و حسوب
تمام می‌برم، سپس دست‌جمع
به داران می‌کسم. آنگاه
(سروان موسی) گفتند: همانا
که ما (در اس‌صورت) نه سوی
بروردگاران باز می‌گردیم، و
بواز ما انعام نمی‌گیری مگر به
حاضر آن که ما به آسانی که از
حاجت بروردگاران بر ما عرصه
می‌سد ایسان آوردیم.
بروردگارا! ما را لیر از
سگنای و مقاومت‌بما و در
عداد مسلمانان (واقعی)
فراریان ده. زورمندان ریم
فرعون (دستگاه سرکوب‌ها)،
نه وی گفتند: آنا بو می‌جواهی
موسی و سروان او را (آزاد)
نگداری ما در زمین فساد بیا
کسد (در سبجی فعالیت
آن‌ها) سو و حدایب‌ترا رها
کند، گفت (فرعون): بزودی
فریدان (برومند) آنها را به‌صل
حواشم رساند و رسانان را نه
اسار می‌گیریم و بلاسک ما برانسان
مسلط هستیم."

آری! این‌ها هستند
موارد و مظاهر واقعی حمایت
جامعه‌ی بسری. جنایاتی دقیقاً
ضد اسلامی و ضد مردمی که به
شیخ‌وجه به رابطه‌ی خصوصی
میان قاتل و مقول محدود
نشدن بلکه اعداد عظیم و
محاسبه‌ناپذیر آن به تمام پیکر
جامعه و حتی بسرت گسترش
می‌یابد:
"کتبتنا علی بنی اسرائیل
انه من قتل نفسا بخیر نفسا و
فاد فی الارض فکانما قتل،

(سوره‌ی مائده آیه ۳۸)
جزای کسانی که با خدا و
رسول او می‌جنگند، و در زمین
فساد می‌کنند، ایست که کشته
سود یا بر دار آویخته شود و
با دست‌ها و پاها یسان در
حلاف بکند بکرده شود و با
از زمین رانده شود. پس
جواری بصب ایسان خواهد سد
و در آجرب بیر عذاب بزوزگی
در انظارشان خواهد بود."
به طوری که ملاحظه
می‌سود در این آیه کسانی
مشمول "جزای" قتل و با
بریدن دست و پا و ...
نדה‌اند که از بک موضع ضد
انقلابی به جنگ با خدا و
رسول او برخاسته‌اند و در
زمین فساد می‌کنند. به خصوص
اگر آیه را در ارتباط با آیه‌ای
که قبلاً از سوره‌ی اعراف نقل
گردید، در نظر بگیریم، سوچه
جوایم شد که موارد فوق‌الذکر
(قتل و شد دار آویختن و در
بریدن دست و پا در خلاف
جهت بکدیگر) دقیقاً قصاص
همان جنایاتی هستند که
جانبان نظام فرعونیی بر علیه
پیروان موسی اعمال کرده
بودند. البته "اشکال" پیاده
کردن "فصاح" در این آیه
مناسب با همان شرایط
تاریخی است که با تغییر آن
شرایط مسلماً اشکال مزبور هم
دسخوش تغییر خواهد شد.
اکون پس از این
تسریحات به طور خاص به
بررسی اصل قصاص و فلسفه‌ی
آن در نظرگاه قرآنی و شیوه‌ی
برخورد دینامیک در رابطه با
بحوه‌ی پیاده کردن آن
می‌پردازیم، با بعد نوبت به
بررسی لایحه "سورای عالی
قضائی" برسد.

"پیکار" و "لایحه قصاص"!

بقیه زصفحه ۱۱

دستگاه قضائی، هرج و مرج

اما بعد به سادگی ریر فولش رد
و ... مجددا اعصاب غذا
برقرار گردید.
بهرحال این ماجرا هنوز
هم ادامه دارد و هبجیک از
بفاضله‌های زندانیان برای
رسدگی به پرونده مورد سوچه
فرار نگرفته است و مردم به
حق از خود می‌پرسند دستگاه
فانسون و فضای ارجحاع که
قاضی القضاة آن رئیس حزب
حماقداران حاکم است و سایر
مهره‌های آن نیز اساساً وابسته
به همین حزب منجوسند، کسانی
را که به شر حال وابسته به
رئیس جمهور هستند بر اساس
یک اتهام واهی جنینی بی‌محابه
لنگدکوت می‌کنند، پس وای به
حال دیگران که نه دستشان به
جائی بند است و نه صدایسان
به کسی می‌رسد!

تاریخی هر عصر احکام اجتماع
و فوایس حقوقی سیاسی را
عرضه کند، با مصالح و منافع
اپورونیسی و ارجحایی حضرات
می‌جواند و لاجرم بزغم آنان
المقاطی و انحراقی است!
تویا "پیکار" میرا بر و
مدافع قرن بیستنی نجر و
حسک‌اندیسی فسیل‌های مرجع
فرو و اعصار گذشته است که
قوان نامناسب مارکسیسم را بر
بیکر کج و معوج و بی‌سوآرامی
یوسانده‌است!
بهرحال همان اداره که
حزب "برافنخار" نوده سمیل
مارکسیسم — لیسیسم است!!
و همان اندازه که "پیکار"
آستارا نیو" کمونیستی و انقلابی!
ایران نه سمار می‌رود لایحه‌ی
فصاح رئیس حزب حماقداران
هم "اسلامی" است!
براسمی که در بارار مکاره‌ی
سیاست‌بازی‌های ارجحاع‌سی و
اپورونیسی ایران درو بخته
بخوبی با هم جور شده‌اند.

همانا فواینس سوعی (و مربوط
به ادوار تاریخی گذشته) است،
راهی جز نه سوی المقاط‌ندارد
آن نیروهای مسلمانی که به اس
لایحه اعتراض دارند، هرگز
می‌یوانند نتوانند که حسن
احتکامی در سرع وجه، ندارد،
(رسماً بر این هرگز نباید در
جمهوری اسلامی وجود داشته
باشد). آنا را که با حفظ مصالح
انثرونیست طبقاتی خود، این
بسیار بر این سبب است، ناگزیر
— علیرغم میلان — برخی از
بفادشای سیاسی عقیدتی خود
را برودانگا، فرارد هشدو پاره‌هایی
از آن را حذف کنند و به جای
آر او میانی دیگری که بکند
به میران بزوزگی خوب به
لیبرالیسم یا دموکراسیسم؛
المقاط‌معینی را بیدرید."
(پیکار ۱۰۶، ص ۱۳ — باکنداد

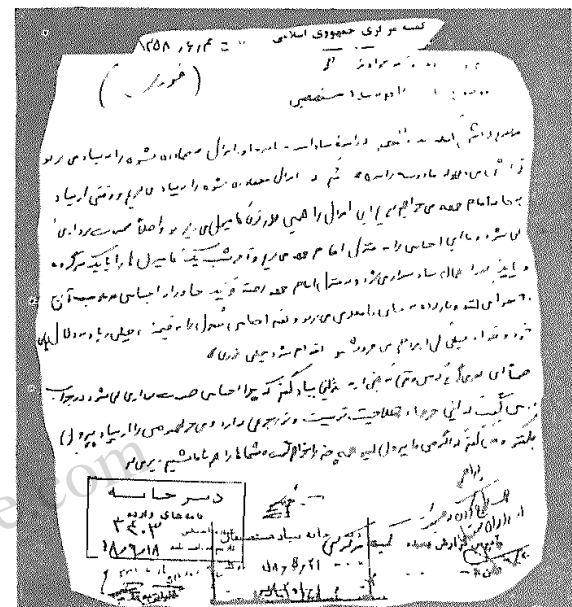
شاکری "مجاهد"
در باره عارتگریهای
دست اندر کاران
بنیاد مستضعفین (۶)

ابداعات گوناگون مرتجعین

در چپاول اموال مستضعفین

البند خون فرسی در بساط نسیب، قسمت‌ها هم توسط خانواده‌ی فرد فراری نعیس می‌شود و حساب کرمی بوری هم که اعضاء انسان در پای ورفدی قوی‌الدگر دیده مسود، با اعماد و حوس‌فلسی سناار؛ قسمت‌های نسیب‌های را درست می‌نبرد. در منبها برای حالی بودن عریضه اظهار می‌دارد "قسم‌ها با آن حد در فاکورها مشاهده می‌شود حدان هم منابر بی‌وده‌اند!!" کسی نیست بپرسد که اگر فی‌الواقع فرس‌ها فروحده سده‌اند، قسم آن‌ها را هم خود فاکورها محض می‌کنند.

احتمالا حساب کرمی بوری حجات کسده‌اند که بگویند منظور از فاکور همان صورت برداری‌های اولکده‌است. ولی "حدا" که اس "دزدی دولت" دسجوس دارد. یک بار فرس‌ها بالا کسده می‌شوند یک بار دیگر مابدازا همان فرس‌ها بیس از ۵/۵ ملیون رنال از اموال مستضعفین را در اختیار خانواده‌ی یکی از طاعوسان فراری قرار می‌دهند و حتما خود بیر سهم ناحیزی از آن را بصاحب می‌کنند.



این گزارش ما قید "نوری" به کمیته‌ی مرکزی داد شده است. هیات بررسی عملکردهای بنیاد مستضعفین کجاست تا به این سنگیت و هرااران نموده و سد متاعه دیگر سیدگی کند؟!

محموعه‌ی آن همه فرس کزانیها سنها یک "ریلو" در انبار دیده می‌شود. ولی وقتی اصصاح اس حران بالا می‌کنند، حاجی کرمی بوری مدعی می‌شود که فرس‌ها به فروس رسده است!

بیریم، یکی از اعمال مستعج حجات کرمی بوری، سرپرست فعلی بنیاد را مرور می‌کنم.

بیر سر فروش‌های منزل طوفانیان چه آمد؟

س از مصادره‌ی اموال اربسند طوفانیان، از میرل مسکونی وی، تعداد زیادی فرس‌های نفس جمع‌آوری گردیده و به سنااد منتقل گس اما سن از حندی همسر و وابسکان فردی فراری به نام "حسین‌ابهری" فدعی سدد کهای ترس‌ها منقل به آن‌ها بوده که در میرل اربسند طوفانیان بکهرداری می‌سده است!

به دسال این ادعا ر نیل از آن که مساله در دادگاهی طرح و حکمی در باری آن صادر سده باشد، جناب کرمی بوری، سرپرست بنیاد و معاون حجات نسیب- وزیر به اصطلاح مکشی، بصمم می‌گیرند که فرس‌های مذکور را به مدعیان مسرد کنند. ولی قسمت جالب‌بر ماجرا تازه از ایجا شروع می‌شود. هنگامی که برای اسرداد فرس‌ها بدامبار مراجعه می‌شود، از

جدامیان آسایشگاه!! محراب خان مشهد نیز از ظلم و جور مرتجعین حاکم در امان نمانده‌اند

این موضوع که چنان شرایطی بوجود آمده باشد که بیماران جزا می‌مجبور شوند به خاطر رفیع آن دست‌به‌اعصاب غذا بزنند، به تنهایی برای زعمسای کنونی شرم‌آور نیست؟

بداکار آسری کمارده‌اند. عده‌ی زیادی از بیماران بد علت عدم رسیدگی بهداشتی به سماری‌های دیگر نیز سلا سده‌اند. رتار با بیماران نیز سناار بخبر آسراست بطوریکه بعضی از کارمندان رسمی فرس و دارو را به طرف بیماران برناب می‌کنند در حالی که ۴۰% هم اصافه حقوق بابت نماس می‌گیرند. تعدادی از بیمارانی را که به این وضعیت اعراض کرده‌اند بیعسد کرده‌اند و...

حس اس بود که: "ساره رور نحص و اعصاب عدای جدامیان آسایشگاه "محراب‌خان" مشهد، یکی از اعصاب‌کنندگان نامهربان‌که حصا سماری فلسی هم داسه در کسده است" حنر سهاد اس هموطن را به رادبو - بلوربوس مرتجعین حاکم و به روزنامه‌های واسسه بدانان هنکدام کرارس نکردند و در سوکس بر نه بر بالای مسر خطه و فاجعای حوانده سد و به سنیع حنارهای.

آخر برای کسانی که رناکارانه و مرورانه صرفا برای بیلعات خارج از کشورام "ناسی‌سندر" حربک فهراان ابرلندی را بر حنابانی می‌بهند و انواع و اقسام بناسه و اطلاعاته و دعوبامه صادر می‌کنند، برای حصراب مسکری که انظار دارند مسضعفین تمام جهان کوس به فرما آنها بوده و امرسان را ببرند، سناار رسوائی آور است که فهمیده سود در کوسه‌ی دورافنده‌های از خاک مهس، در بک به اصطلاح آسایشگاه (!!) بیماران حدامی حنان مسناصل سده‌اند که برای احقاق حقوق خود به نحص و اعصاب غذا دست زده‌اند. و سرم آورآبکه سبب به حواسه‌های آنسان آفندر بی‌وجهی سده که یکی از بیماران اعصابی در اسر اعصاب غذا به سهادت رسیده است.

درد‌های و رنج‌های بیماران جدامی

آسایشگاه !! مهربانان ۲۵۰ نفر بیمار دارد که اکثرا از روسائیان اطراف می‌باشد برسل آسایشگاه عموما از خود بیماران بهبود نافند نامس می‌شود. سطح بهداشت در نازل‌ترین حد فرار دارد، بطوریکه هنوز آسایشگاه آب آسامیدنی نصفه سده ندارد حسد بن از بیمارانی را که هنوز بهبود نیافته‌اند

تا وجود تمام اس باسامانی‌ها داس‌مهر (رئس آسایشگاه) در ماصحدای نا یکی از روزنامه‌های محلی به حدامیان و خانواده‌ی آنان بوهس کرد و دروعکسوائی می‌بردارد. حدامیان سناار نارح ۶۰/۲/۳۱ به عنوان اعراض دست به اعصاب غذا رده و حواسده‌های بررامطرح می‌کند: ۱- سناار داس‌مهر و کماردن مسنول دلوسر ۲- نعیس بکلف ۴ سن از بیماران بیعسد سده. ۳- محکوم کردن هر نوع نهم و بوهس به حدامیان و خانواده‌ی آنان ۴- فرار گرفتن زبر بوس سهداری اسان بحاسبت کوسه‌هایی از رنج‌ها و آلام این مطرودین روی زمین را از زبان خود آنان سنوسیم. در ربر قسمتهایی از گزارس حنرنگار روزنامه‌ی انقلاب اسلامی را که با بیماران اس آسایشگاه (!!) به مصاحه برداحنه نقل می‌کنم: "عناس موسوی یکی از مماندگان بیماران کف: اولس مسکل ما سکحه‌ی روحی است که در عرص ۶ ماهی که آقای داس مهر عهده‌دار سرپرستی آسایشگاه سده برای ما. ایجاد سده. اخلاق اسلامی که ندارد، اخلاق انسانی هم ندارد. از سوی بیماران ۶ نماینده برای صحبت با وی رفیسد به باسان دلوسر داد بقید درصفحه‌ی ۳۶

درد‌های و رنج‌های بیماران جدامی (مضامین کرمی بوری)

بیماران جدامی که در این آسایشگاه نگهداری می‌شوند، در شرایط بسیار نامناسبی قرار دارند. کمبود امکانات، سوءتغذیه و بی‌توجهی مسئولان، منجر به ابتلای بیماران به بیماری‌های مختلف شده است. در این میان، بیماری‌های مزمن و لاعلاج، جان بیماران را تهدید می‌کند. ما به مسئولان این مرکز می‌توانیم بگوییم: اگر شما به سلامت و جان این بیماران اهمیت می‌دهید، باید اقدامات فوری را برای بهبود شرایط آن‌ها انجام دهید. در غیر این صورت، این آسایشگاه به یک زندان برای بیماران مبتلا به بیماری‌های خطرناک تبدیل خواهد شد.

بگذارد از زبان مردم محروم و زحمتکش این مین که صاحبان واقعی و به حق این اموال بدینکارها اند بگوئیم که این دزدیها و غارتها در صالحترین مرجع حسابرسی که همانا پیشگاه خلق محروم است، دیرباز زود مورد بررسی قرار خواهد گرفت

Table with columns: ردیف, شرح, مبلغ, تاریخ. Contains financial records with handwritten entries.

فرشهایی که توسط شرکت زخرف متعلق به جناب گویمی نوری، در سال ۵۸ به خارج صادر شده است

Table titled 'برگ صورت برداری' (Inventory Sheet) with columns: ردیف, شرح, واحد, تاریخ. Lists various items and their quantities.

۱۹ "قطعه" طلا به ارزش میایونها ریال، بدون اینتند در ستون "مشخصات" گویجترین توضیحی داده شده باشد

بقیه از صفحه ۳۵

ابداعات گوناگون مرتجین

البته اس قبیل معاملات سها و آسکار در امر خرید و فروش فرص، برای انسان حدان مشکل نیست و اسان و برادرسان در اس زمینه نت طولانی دارند. شاهد هم سرکت زخرف متعلق به برادران کریمی است که طی سال ۵۸ میلیونها تومان فرس به اروپا صادر کرده است. به تک فلم از اس صادرات بوجه کند

با این توضیح که حالا دیگر زناد مشکل نیست که منابع بهی فرشیهای صادراتی را حدس زد. مخصوصا با توضیحات فصول قبلی دربارهی مزایایهای کذایی بنیاد که در آنها خریدار، فروسنده و قیمتگذار فرس تک باند (و از جمله حاجی کریمی بوری) بودند و با نمودهی فرشیهای طوفاسان که فوفا به آن اشاره شد و با...

البته اگر حاجی کریمی در امور! مربوط به فرس ببحر دارید، دوسان دیگرسان بطیر حاجی حسن برهمند مسئول قسمت جمع آوری اموال بنیاد نیز در امر طلاجات، زورزدگی و مهارت و برهه ای دارا هستند. اسان هنگامی که در ابر فشار افکار عمومی و در حواس برحی مسئولین ناچار می شود طلا و جواهرات گرانبهایی را که تحت نظر او از منزل درباریان جمع آوری شده، نه مسئولین منکنی واگذار نماید، تمام طلا و جواهرات را طی یک لیست ده صفحهای در تاریخ ۵۸/۱۵/۱۸ در اجمار بانک مرکزی فرار می دهد. با سوابقی که از اس حضرات سراج داریم معلوم است طرف ده ماهی که ابن سرمایه عظیم در اختیار اسبان بوده، چه بلاهایی بر سر آن آورده اند. بازه این لیست هم بر اساس سنت حسنه ای که در میان دست اندرکاران بنیاد معمول بوده، فاقد هرگونه مشخصات نظیر وزن و... می باشد.

بقیه از صفحه ۳۵

جدامیان آسایشگاه...

— من از سوی انحص اسلامی مددکاران اجماعی به اسحا آمده ام. — در مورد کارمندان سعیدی می گوید: "دوکارمند فوق الذکر به رست منسفل سده اند با قدری "سند" سوند کارکنسی مختار است کارمندی را به سهرسانبهای مختلف فرسند و اس اسمن "سعد" نسبت. با توجه به اسکه ما اسحا یقاراس نیاز داریم." — "باند مدکر سوم که بنمار حدامی نیست که اسحا حظ بعین می کند!!" بحاسب ناکید سود که بودندی اسن آسایشگاه (!!) حدافل و مطابق اظهار خود کردانندگان اصلنوی بومان در ماه است. بودجهای که به نظر می رسد اگر دردیها و عاریکنبهای مرتجین. اجاره می داد می توانست بنماران را در حد مطلوبی برآورده سارد و در آن صورت به اعصاب عدانی نس می آمد و به مرک در اسر اعصاب عدنا. ماحسرای آسایشگاه (!!) حدامیان محرابان سهدببها کوسهای ارطلم و حساب مرتجینی است که به باجن و با سواستفاده از نام اسلام برحان و مال مردم حکومت می کند.

صرفظرا هرکوبه بوجه و ناسخ کردانندگان، آسا نفس اس موضوع که حسان سرائطی بوجود آمده ساند که "بنماران حدامی" محبور سوند به حاضر رفع آن دست به اعصاب عدنا برسد به بنبهایی برای رعمای کموسی سرم آور نیست؟ و در اس صورت مسئول "جناب" از دست رفندی بنماران چه کسانی هستند؟ مرتجین حاکم به راسی مطهر کدام یک از حکومتگرانی هستند که امام علی (ع) بوصف می کند؟

آنان که خون می سوند لسکران معاونه کوسواره از کوس رن غیرمسلمان تحت دمه اسلام در آورده جروس و فغان سر می دارند و می کوسند اگر مسلمانان ار سندن حر اسن موضوع سمرد بر او رواست؟ با آنان که امام علی (ع) در وصفان مرهمده است:

"والله لا یزالون... حتی الی یقی مدر و لا وس الا دخلد ظلمهم و نزل به عیتهم... بها به سو رعیتهم."

به خدا سوگند که همواره ستم می کند ما اینکه هیچ کلبوی گلین و هیچ حیمدی سمنین باقی بنیاد مگر آنکه ظلم و جور اسبان آن را فرا گرفته باشد."

(خطبهی ۹۷ - نهج البلاغه) براسی کدامیک؟

که آنها را کک برسد. بنامدگان ما دوباره برای صحت با وی رسد اس نار سر نا فحس آنها را سرورن کرد حرف رئیس آسایشگاه اس است که "من ار یک کسانال خصوصی آمده ام"

یکی دیگر ار بنماران با اساره نه دست و ناسی که برابر بیماری "خوره" سنده بود می گفت: بزیک آمده و بطرداده که من سالم هستم و حالا می خواهند مرا سرورن کنند"

بنامیده بنماران در توضیح سبسر مسئله می گوید:

ار طرف انحص مبارزه با جدام (البته عنوان "انحص مبارزه با حدامیان" در اسحا نام مناسبی است) آمدند و برای بنماران برورده ساری کردند که آنها سالم هستند و نه ما کفند اگر نکان بخورند رئیس می بوسد که سما خوب شده اند"

مسح کاظمی یکی دیگر ار بنامدگان بنماران می گوید:

"داس مهر برای یک مسئله به حدان مهم غیرار کارمندان (بنماران بنهود ناسه ناعل در آسایشگاه) را ساعد کرد دو نفر را به رست، دو نفر را به حرم آباد و دو نفر دیگر را به مهناد فرساندند.

ما هم به دلیل صحنه بنامان نامس ندارم و ممکن است ما راهم ساعد کند"

ناسحهای داس مهر به سواالات خبرنگار سر حالت بوجه است. اس ناسحها دینفا ار روحیه حاکم بر مرتجین نازه به قدر رسنده سناست می کرد. در طی مصاحبه معلوم می شود او هم سانسد سساری دیگر از جنابولکران، بعد از انقلاب به باد اسلام و اسلامیت امیاده و اعراف می کند که ار "کانال" انحص نه اصطلاح اسلامی (واسنه به حزب جمافداران موسوم به جمهوری) به تدرج رسنده است.

او سر ماسد سایر همالکی هاسی در همان حال که بنماران را مورد ضرب و ستم، سکنجه بنیعد و بوهین فرار می دهد ار "لروم آرامس" سخن می گوید!

باز مطابق کلبهی مرتجین سعی می کند ریسه اعراف بنماران را در سرورن و در برحیک دیگران جستجو کند.

قسمت هائی از سخنان دانش مهر رئیس آسایشگاه! : محراب خان مشهد

گرامی باد خاطر ه مادر مجاهد سکینه چاقوساز

اطلاعیه مجاهدین خلق ایران درباره

شهادت مادر مجاهد سکینه چاقوساز در تبریز

شهادت این شیرین مجاهد تبریزی در شمار مجاهدین و شهیدان آن خطه و حتی در سراسر ایران نمونه نادری است که از سویی سند عزم و اراده انقلابی و آزادی تمام مردم از زن و مرد و بیرو جوان نه شمار می‌رود و از سوی دیگر منتهای حیثیت پیشگی انحصارطلبان "اسلام‌پناه" را به اثبات می‌رساند.

"مجاهدین خلق ایران" ضمن تقدیم تبریک و تسلیت به هموطنان عزیز بویژه مردم قهرمان تبریز و خانواده‌ی مجاهد شهید مادر قهرمان "سکینه چاقوساز" یک بار دیگر ضمن تاکید بر سوگند خونین مجاهدین در راه بیگیری قاطع آرمان‌های انقلابی و توحیدی و دفاع استوار از حقوق حقیقی خلق اطمینان می‌دهد که راه و آرمان این شهید سرانجام به اثبات و پیروزی خواهد رسید و استخوان طالبان سگدلی که دستشان به خون او آغشته است بدون مکافات و محازات نخواهد ماند.

و سیعلم الذین ظلموا ای مقلب ینقلبون
مجاهدین خلق ایران
۵/خرداد/۶۰



قهرمان "سکینه چاقوساز" در جریان تهاجم چماقداران و اوبان مسلح (که توسط موسوی تبریزی هدایت و تدارک و تحمیر شده بودند) به مراسم سرکدانت عید فطر سال گذشته از سوی هواداران مجاهدین در مسجد اندلیلی‌ها برگزار شده بود و صرف و حرج تنیدی قرار می‌گیرد صدمات و ضربات وارده بر این معززی وی می‌گردد و مادر برای مداوا و معالجه به تهران اعزام می‌گردد. اما متأسفانه علیرغم تلاش‌ها و مساعدت‌های پزشکان و پرستاران بیمارستان‌های "پراستهر" و "به‌آورد" معالجات موثر واقع نمی‌شود و مادر مجاهد سکینه چاقوساز سرانجام در روز چهارشنبه ۶۰/۲/۳۰ پس از مدت‌ها تحمل درد و رنج و مقاومت قهرمانانه به شهادت می‌رسد. بدون تنگ برای شهر قهرمان پرور و مردم آزاده‌ی تبریز خواهر مجاهد "سکینه چاقوساز" نه اولین شهیدی است که در راه رهایی خلق تقدیم شده و نه آخرین آنها خواهد بود. اما از سوی دیگر تردیدی نیست که جریان

مدام خدا
و
مدام خلق قهرمان ایران

هموطنان عزیز! مردم آزاده و انقلابی تبریز! سارمان مجاهدین خلق ایران بدیوسینه شهادت خواهر مجاهد و مادر قهرمان "سکینه چاقوساز" را به اطلاع عموم مردم می‌رساند. شهادت مطلوبانه‌ی این مادر انقلابی و مجاهد سند جنایت ننگین دیگری است که نه مشابه ششای روشن و گواهی قاطع بر منتهای قساوت قلب و ستم‌پیشگی انحصارطلبان و اعمال و ایادی چماقدار مسلحان در تاریخ انقلاب ایران برای همیشه باقی خواهد ماند و بدین‌سان خون پاک این شیرین رحمت‌گش و مجاهد تبریز که مظلومان در راه آرمان‌های توحیدی و انقلابی و در راه عزت و شرف و آزادی جان راحت، نه فقط در عصر و سسل حاضر بلکه در طول تاریخ آینده سیر افشاکر عملکردها و حیایات صدخلقی و صداسلامی کسانی خواهد بود که بیوسته و عوام‌فریبانه از اسلام و مردم دم می‌زنند.

مجاهد شهید و مادر

در سماری نس حشر حسی از انقلابیون اس میهن سهادت مادر انقلابی و مجاهد می‌سود، نار دنگر بر معهدات "سکینه حاقو سارابانی" را اعتقادی خود می بر حقوق درج کردیم. در اس سمارد حامدی غازی از طبقات و علاوه بر اطلاعاتی سارمان در اسبنار و انحاء هرکود نامع اس مورد ووصف نامدی مجاهد و سد ارشاعی وامرئالسنی سهدید نه درج قسمی از نامه ناکد نموده و نه بره نادآور مادر مجاهدپرور "سکینه حاقو سوم که در برنو وجود حسن سار اربانی" بهه حصرت مردمی آگاه، مادرانی انقلابی آسنالله حمسی مبادرب و فداکار و جوانانی که در می‌گسم. نا ضمن فدرسانی دامن ناک آسان بریب و نه بوحدی سبب به گندی صفوب مجاهدس بسوسداند نعمهای حدائی که در مسر برای مرتحمس، سروسنی جر رهائی خلق کبرمان صوجهی رسوائی و سفر و اسرار بوده‌ای مجاهدین خلق ایران بعنوان باهی سخواهد ماند.

قسمتی از نامه مجاهد شهید چاقوساز به آیت‌الله خمینی

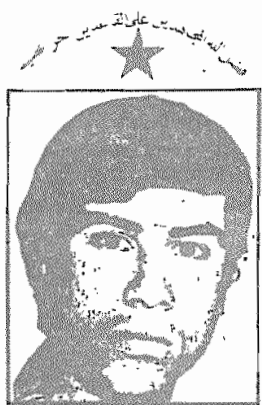
"... و با وجود اینکه این نامه را برای شما می‌نویسم ولی تنها امید من برای نجات اسلام و مردم ستمدیده، همین نسل انقلاب و فرزندان جان بر گف و مجاهد است که با وجود همدی تهمت‌ها و مارک‌های غیر اسلامی باز با مقاومت دلیرانه و قهرمانانه‌ی حسین‌وار و زینب‌وار خود غبارهای ارتجاعی را از روی جمهوری اسلامی پاک کرده و آن را تا حامدی بی‌طبقی توحیدی و طهور حصرت مهدی(ع) رهمون خواهد بود. و در این لحظه تنها ناراحتی من این است که چرا ما و خود ایکد این همه فحایح

از دست این عمل به اصطلاح شرعی و ... در تمام خاک این میهن انجام می‌گیرد و همه کس هم آشکار است چرا از جانب آن حصرت عکس‌العملی صورت نمی‌گیرد.

به هر جهت فکر می‌کنم تصدیق بفرمائید که این انتظار از طرف مادری که انواع رحمت را در جریان انقلاب کشیده و خالصانه فرزندان خود را وقف انقلاب و اسلام نمود، از شما انتظار ریادی نباشد که امید احابت از حصرت‌عالی دارم."

به امید اقدام جدی آنحصرت امضا
سکینه اربانی (چاقو سار)

نخستین سالگرد شهادت مجاهد شهید ناصر محمدی



اترئس سهندسدم واس سعادت نصمم سد. نه مادرم نکوبد هسحان مادر مهدی رضائی‌اسد. بن‌ترربد نقرودردم نارح سر نکاملی خود را طی می‌کند و سرانجام معلوم می‌سود که ظالم کسب و مظلوم کسب ...

در سحرگاه ۱۹ خرداد، نه دسال سهاجم مسلحانه‌ی گروهی از اساداران کمنه ساد مسم (مظفده) سد اسحمس جوانان مسلمان مساق واقع در حانان سبرو حورسند در سهران برادر مجاهد ناصر محمدی ار ناحندی سر و جسم مورداصاب کلولهی ر-۳ مردوران مسلح واقع شده و نه سهادت می‌رسد ندسسان مردوران ارشاع حاکم ناصر را که هسحون مهدی دلبر نس از ۱۹ سال سدات سرح محمدی دنگری را سرسر کردند.

درهنگابی که ساحمان اسحم توسط مامورس کسند محاصره شده بود و هراول اسحمال حمله می‌رفد. ناصر برادر اس را جمع کرده و اسبکوبه برای آسان سحن می‌گوید:

متن تایپ شده وصیتنامه

بسم‌الله الرحمن الرحیم
ولا تحسن‌الدین قتلوا فی سبیل‌الله امواتا بل احیاء
عندرسهم بیرقون
کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده میدانید بلکه آنها زنده‌اند و در بیتگاه پروردگارتان روزی می‌خورند.
من سکینه‌ی چاقو ساز اربانی متولد سال ۱۳۱۴ فرزند میرزا علی که در زمان شاد معدوم شاد بودم که جوانان پاک و انقلابی که در مکتب مجاهدین خلق پرورش یافته بودند بدون ترس از قدرت طاغوتی رژیم و سارشتکاری‌های مرتجعین مبارزه می‌کردند امروز هم آشکارا می‌سیم که همان جوانان پاک و معصومی که شاد ما مارک حراکار و تروریست و مارکسیست اسلامی آنها را در سدان‌های اسناحت و شهیدان می‌گرد به دست رژیم به اصطلاح جمهوری اسلامی و شکحدگران نازدگار، دوباره در رندان‌ها جای گرفته و هر روز خون مجاهدی را در گوشه و کنار این کشور بر زمین می‌ریزد. این است که به استقامت و ایمان فررندان مجاهد امیان آوردد و تا جان در بدن دارم از هیچ‌کود کوششی در راه تحقق آرمان‌های توحیدی مجاهدین فرودکار سخواهم کرد و در این ساعات آخر عمرم می‌خواهم از قول من نه سعود و موسی سلام برسائید و نه تمامی فرزندان و جوانان وصیت می‌کنم که راه مجاهدین را ادامه داده وار هیچ چیز سترسند که خدا با ماست. و سیعلم الذین ظلموا ای مقلب ینقلبون سکینه چاقوساز اربانی

کمی بعد از این سحان سلبک کلولها آثار سده وجسم و مقر ناصر را می‌سکافد.
ناصر شهید سد واکون بعد از کدست نکمال، آحرس سحان او حد خوب سحقوق سده اسب. اکون هرروز سسبر ار نس عوامق سربیان، اسحصار طلبان ومدعسان دروغس اسلام و اسفلات در بسکاه مردم رسوا و رسوا می‌سوسد ودر همان حال راه ناصر رهروان آگاه، مصمم مارهم بسبری بافده اسب.
در سک سال کدسه طلبونها مصطنی، حسدرا، اردسبر و سحیود و هرازان سنا و صنم و فاطمه و سمد راه‌ناصر را ادامه دادند و بی‌سک بعد از اس سبر نا عروج به طلهی جامعه بی‌طبقی بوحدی، حاصعهای غازی ار سسم و اسبیداد و اسبنار ادامه خواهند داد.
نادس کرامی و راهس حاودانه باد.



قسمتهائی از مصاحبه مهم

آقای رئیس جمهور

در صفحه ۷

هوشیاری انقلابی خود را حفظ کنیم!

اطلاع بندا کردیم که مرحمتش نرم‌جاتی با آرم سازان مهادین خلق ایران به عنوان ترم عضوگیری جاب کرده‌اند که ضمن آن منحل‌ه آمادگی افراد برای نصب‌گذاری مورد سوال قرار داده‌اند. گو این که مرحمتش رسوا و اساساً در آن هستند که بنواستد خلق آگاه و فهیمان ما را ترم دهند و با اس فیصل بوطئه‌حسی‌ها هر روز به سربوس محبوم نارنجی حوسب نزدیکر می‌سوند ولی با اس هینه در فمال اس فیصل بوطئه - حسی‌ها از کلیه هوموطنان عزیز خود می‌خواهیم با اس کسب و حفظ حداکثر هوساری انقلابی و حسی‌کردن بوطئدهای ارضاعی از طریق اساکردن آن‌ها ما را ناری رسانید.

از سرویس خبری مجاهد



در سپهر سازنها چه میگذرد...؟

قائم شهر: کارگران نساجی خواستار پرداخت کامل سود خودشان هستند.

نسس ار. ۴۰ س از کارگران کارخانهی شمارهی ۱ نساجی قائم شهر در روز سه‌شنبه ۳/۵ /۶۰ به عنوان اعتراض به پرداخت ۵ روز حقوق، به جای ۲۰ روز حقوقی که می‌بایستی به عنوان سود به آنها پرداخت شود، در مقابل درب کارخانه تجمع کرده و سود ۲۰ روز حقوق خود را مطالبه می‌کنند. رئیس کارخانه مسئله را به رئیس مجلس احاله داده و می‌گوید: "به اسان گفهاست فقط حقوق ۵ روز را بدهند و

بقیهی حقوق شما را بابت مخارج جنگ‌زدگانی که به شمال منتقل خواهند شد کسر می‌کنیم." کارگران در اعتراض خود می‌گویند چرا از بولداریها ۵٪ و از ما ۱۵٪ می‌گیرید، چرا از ۲۰ میلیارد تومان سودی که انحصار طلبان الا کسبند استفاده نمی‌سود. اعضای انجمن به اصطلاح اسلامی کارخانه در اسن رابطه علیه کارگران بلبلیعاب می‌کنند اما سایر کارگران به اسن اعتراض سوسه و برخواسه‌های خود ناکند می‌کنند.

ساعت ۱۰ و ۳۰ دقیقهی باعداد روز ۶/۳/۶۰ محتار اسماعلی فابل و حمادار معروف به همراه ۶ س از افراد مسلح و سیر ۶ نفر از افراد "فدائیان اسلام" به کارخانه رفته و با انجمن اسلامی کارخانه جهت دستبسه‌حینی وارد سور می‌سوند، کارگران بس از اطلاع ار اسن دستبسه‌حینی در ساعت ۱۱ همان روز، کلیهی افراد حمادار مزور را از کارخانه اخراج می‌کنند.

جدامیان آسایشگاه محراب خان مشهد نیز از ظلم و جور مرتجعین حاکم در امان نمانده‌اند!

در صفحه ۳۵

سالروز شهادت آیت‌الله سعیدی

سعیدی دستگیر و در رندان فرل قلعه به سکنه کسده سد و غائب ستر روز چهارشنبه ۲۰ خرداد ۴۹ در سن ۲۱ سالگی سناس را نا جدا و خلق وفا کرد و در ربر سکنه به شهادت رسید.

آس‌الله سعیدی از آجا که‌خان خود را بر سر اسنای امربالترم آمریکا و مردوران داخل‌س بنیاد به سنها ار اصحازار روحاست آگاه‌ومرفی بلکه از ارسها و اصحازار سامی خلق اسب.

روحانیویی نظیر او که تمام‌گون ستر در مقابل کرسها و تدریس‌داری‌ها انحصار طلبان اسنادکی می‌کنند بی‌سک همواره در دل بوده‌ها رده‌اند و مردم حساب آسارا ار سسی دسار سرت حاکم خدا می‌دانند ارس نانداری و سرف اس عربان که علیرغم همهی نامردمینا و نیمب. رسنه‌های ارضاع، ار سرف‌اسلام وانقلاب و خلق دفاع می‌کنند بی‌کمان ار قدر و سرتب منار اسان در مقابل ررم حوسحوار ساه‌افروز بر اسب. رسا که در اس زمان خودگامکی و ارضاع عمدنا در بوسن مذهب و روحانیت جلوه‌گر سده و به همهی دنیل فرساد اغسراض هر روحانسی‌آزاده مصنن بسنی رسرو و هجرسی سننایی بر و در سدحه ارسسی والابر اسب.

حوانان منارر و روسفکر سنار فروس بود. سناری ارضوانایی که در محفل اسن او درس آموحسد، بعدها به گروههای ررسندی مسلح و مخصوصا به مهادینی خلق بسوسسد.

اردسبست ماه سال ۴۹، همرمان با ورود سی‌وسج بس ار سبررکرسنی سرمانه‌داران آمریکائی به ایران که جسم‌انداز و اسنکی و عاری و حسانه را در سنس روی هر اسان سعیدی روس می‌ساحب و درست در رمایی که همهی "بررکان" و "سران" بر اسن سنهاجم عاریکرایهی امربالنسی سکوت کرده بودند، سعیدی مستولاند برحاست و درسی برابک‌حسی فریاد اغسراضی، به محضر علمای تم رفت و ار آسان اسمداد طلستد. سراز آن به پهران بارکت و ار برحسی علمای پهران ناری حواس اما هرکر حواسی نکره! اسنار نامهای سراسر ار درد ورچ برای ۹ س ار علمای پهران بسوس و طی آن بس ار اسنای سرف عاریکرایهی سرمانه‌داران آمریکائی به ایران به محاطس نامه همدار دادکه " . . . وای بر شما! چرا سجن نمی‌کوئند؟" با اسن که می‌اسند اسن حساب بررکر اسب سرف اسلام ار سنمای قم و ار نحاور حرب نص بر روحانیون عراق و مردمنس و اسنال آن! امروز روز هلاکت اسب! کوچک و اندکس بنوابید . . ."

سیر ار اسنار این نامه،

سبسم خردان سالرور سهادت روحانی دلبر و منارر سد محمدرضا سعیدی در رسر سکنه‌های درحیمان ساواک اسب.

سعیدی از حمله معدود روحانیویی بود که سن ارفنام خرداد ۴۲ بس به آرامسی نداد و در هر محراب و سبر برعلبه احساق و دنگابوری سجن گفت و به همین دلیل همواره با محدودیت و رندان و آزار ررم روبرو بود.

برخلاف برحی ارهنگاس مردی آزاد اندس و مواضع بود و در مقابل صاحبان افکار و عقاید مختلف سعی صدر و روح ساهل داسب. با سرتب و سکنظری مخالف سوسد و همواره با مولنان رسمی مذهب دکم و سرفی سربانارکاری داسب و برعکس در برابر

گزارشات مستند در مورد شکنجه

در صفحه ۱۰

هشدار مجاهدین خلق ایران

شاخه‌ها زاندران

در باره تحریکات

و توطئه‌های جاری

علیه مجاهدین در مازندران

در صفحه ۲۸

از علاقه‌مندان تقاضا می‌شود که کمک‌های مالی خود برای "سازمان مجاهدین خلق ایران" را به حساب جاری شماره "۴۳۰۰" بانک صادرات واقع در پیچ شمیران واریز نمایند.

ارسال وجه توسط کلیه شعبات بانکها در شهرستان‌ها و کلیه شعبات بانک صادرات در شهران امکان پذیر است.

"مجاهد" نشریه مجاهدین خلق ایران سال دوم ۴ درس: تهران ۱۶ صندوق پستی شماره ۶۴/۱۵۵۱

تلگراف دکتر کاظم رجوی به رئیس جمهور

در صفحه ۱۲